**شناسنامه کتاب**

**ویژه شعبان 94**

**نام کتاب: ستارۀ زمین ـ ویژه شعبان 94**

موضوع: گزیدة اشعار و سرودهای ماه شعبان

ناظر کیفی اشعار: سید مهدی حسینی

گردآورندگان: مرتضی نظری ـ محمد جواد پژوه

ناشر: کانون مداحان یاس کبود

طراح جلد: علیرضا زهره وند

صفحه آرا: مجید اکبر زاده

تیراژ: 800جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اول ـ 94

قیمت: 15000تومان

مرکز پخش: تهران ـ بزرگراه بسیج ـ خ شهید رحیمی ـ سازمان بسیج مداحان ـ مدیریت آموزش

تلفن : 35947738 ـ 021

روابط عمومی : 09193043721

نمابر : 33239719 ـ 021

سامانه پیام کوتاه : 30007654322254

صندوق پستی : 1781813113

نشانی الکترونیکی [yasekabood.org@gmail.com](mailto:yasekabood.org@gmail.com)

نشانی سایتwww.[yas135.ir](http://www.yas135.com)

اینستاگرام: majma.yasekabood

پیشگفتار

امروز، خورشید مهربان تر از همیشه بیدار می شود. روز از شانه های تو آغاز می شود تا جهان، بزرگی ات را ببیند؛ چون بزرگی ابراهیم خلیل (علیه السلام) در برابر بتانی که فرو ریختند.

ملکوت را در دست هایت به تماشا می گذارند تا رسولان بی رسالت دنیازده، بهشت را پیچیده در قنوتت به تماشا بنشینند.

جهان، خلاصه ای از لبخند توست که امامتت را تمام آبشارها قیام می کنند و جنگل ها قامت می بندند.

بزرگی؛ چون پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) . بزرگی؛ چون وحی، چون پدرانت ردای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر دوشت آواز عدالت سر می دهد و شمشیر سرْ شکافته پدر بزرگوارت علی (علیه السلام) ، در دست هایت مشق عشق می کند.

چشم هایت بوی مهربانی زهرا (علیهاالسلام) می دهد.

امروز، روز بزرگی توست؛ بزرگی تو بزرگ تر از تمام پیامبران است. بزرگی تو سال ها خواهد بود؛ بزرگی تو از ازل آغاز شده و با ابدیت به پایان می رسد.

خدا از امروز، تو را بزرگ تر از هر کسی می خواهد.

امروز از آن توست؛ مثل تمام فردا های نیامده، مثل تمام دیروز ها، مثل تمام روزها، هفته ها، ماه ها و سال ها.

تمام فصل های سال، نامت را از بر کرده اند؛ مثل تمام درخت ها و آب ها.

امروز، روز آغاز مهربانی خداوند با دنیاست، روز مهربانی تو با جان های تشنه ما. امروز، روز آشنایی و آشتی لبخند و آینه هاست؛ روز شکوفا شدن گل های محمدی در دامنه نام شکوهمند تو. امروز، عطر گل های محمدی فراگیر می شود و باغ های عصمت، در شکوه امامتت شکوفه خواهند کرد، با نفس های معطرت.

امروز، فروردین ها از لبخند تو شکوفه خواهند داد و اردیبهشت ها با نفس هایت بهشتی می شوند.

ابدیت در تو خلاصه می شود و شادی، با لبخندت به نهایت کمال می رسد. بعد از امروز، جهان آغاز می شود؛ جهان از امروز، دوباره متولد خواهد شد.

پیش از این، نمرودها، رودهای آتش را گرداگرد زمین شعله کشیده بود؛ اما امروز با تو دنیا سربلند بیرون می آید از این همه آتش طغیان.

مانند ابراهیم خلیل، آتش ها را گلستان کرده ای. امروز، نوح، کشتی نجاتش را به دست تو می سپارد تا سینه سخت ترین طوفان ها را به سمت ساحل های امن بشکافی.

ای منجی، ای یگانه منجی! از امروز، سکان هدایت بشر به دست توست. از امروز، شادی های ما آغاز خواهد شد؛ مثل غم های طولانی تو.

بر ما ببار، ای رحمت بی کران خداوند!

بر ما ببار که سال هاست کویر سینه هامان، تشنه باریدن زلال توست.

خدا كند كه بیایی….

این کتاب شامل نه بخش کلی می باشد:

منویات ولایت

وصیت نامه شهدا

**اصول فنی**

**در محضر اساتید**

برگی از تاریخ که شامل پنج فصل می باشد:

میلاد عشق

ابوالفضائل

سید الساجدین

شبه پیامبر

میلاد موعود

اشعار پندیات

اشعار منتخب، که دارای پنج فصل می باشد:

ولادت امام حسین(علیه السلام)

ولادت حضرت اباالفضل(علیه السلام)

ولادت امام سجاد(علیه السلام)

ولادت حضرت علی اکبر(علیه السلام)

ولادت امام زمان(عجل الله تعالی فرجه)

**گلچین مجالس مداحان** که شامل پنج فصل می باشد :

ولادت امام حسین(علیه السلام)

ولادت حضرت اباالفضل(علیه السلام)

ولادت امام سجاد(علیه السلام)

ولادت حضرت علی اکبر(علیه السلام)

ولادت امام زمان(علیه السلام)

**سبکهای یاس کبود**

لازم به ذکر است :

بخش برگی از تاریخ با تحقیق و پژوهش در کتب معتبر استخراج و با ذکر سند جهت استفاده بهتر ذاکرین تدوین گردیده است .

بخش اشعار منتخب از آثار مکتوب شعری موجود در کتب و وبلاگها و سایتهای شعرا گلچین شده است .

همچنین قسمت گلچین مجالس، از روضه و سبکهای سینه زنی که توسط مداحان اهل بیت(علیهم السلام) در ایام شعبان سال گذشته اجرا گردیده، گردآوری شده است.

متن جزوه به ترتیب مناسبت های ماه شعبان می باشد.

بخش اصول فنی گزیده ای از دروس تدریس شده توسط کربلایی محمد فراهانی می باشد.

بخش در محضر اساتید از دروس تدریس شده توسط اساتید محترم در اجتماع عمومی مجمع یاس کبود می باشد که سعی شده است، با توجه به مناسبتهای ماه شعبان در اختیار عزیزان قرار گیرد.

بخش سبکهای یاس کبود، از سبکهای تولیدی اعضای مجمع یاس کبود تهیه گردیده است.

نکات قابل ذکر در این مجموعه عبارت است از:

هدف از جمع آوری این جزوات عبارت است از:

دسترسی به اشعار و مطالب مورد نیاز ذاکرین اهل بیت (علیهم السلام) پیرامون مناسبت های ایام شعبان

در جریان قرار گرفتن ذاکرین از برنامه های اجرا شده مناسبتهای این ماه در سال قبل توسط ذاکرین اهل بیت(علیهم السلام)

دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به سبکهایی که در محافل بدان نیازمندند همراه با الگوی صوتی خوانده شده

دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به جملات غیر شعری مورد نیاز که در بیان مداحان باتجربه، صیقلی نسبی خورده باشد

اشعارمتوسط و قوی به صورت توأمان دراین مجموعه ملاحظه خواهدشد.

صوت برخی از اشعار ـ برای آشنایی ذاکرین محترم ـ در سی دی موجود است اما به علت اشکال اعتقادی و یا ادبی ، از جزوه حذف گردیده و یا عباراتی جابه جا شده است، فلذا ذاکرین محترم در هنگام استفاده از این گونه اشعار به پاورقی ها عنایت و از خواندن آنها پرهیز نمایند.

در حد امکان و شناخت، سبکهای نوحه و سرودی که از نظر شرع مبین اسلام ، اشکال ریتمی و یا محتوایی دارند ، حذف گردیده اند، اما در صورتیکه مصداقی بین سبکها و اشعار مشاهده شد که از روی سبکهای غیرمجاز ساخته شده است و یا اشکال اعتقادی دارد، این مجموعه را مطلع فرمایید تا نسبت به حذف آن اقدام نماییم.

از کلیة عزیزانی که مارا از نقطه نظرات خود بهره مند می سازند ، پیشاپیش تشکر و قدردانی می نماییم.

گروه جزوات فوق برنامه

کانون مداحان ياس كبود

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

بخش اول؛ منویات ولایت

نیاز جامعه

به جامعه نگاه كنيد، ببينيد جامعه به چه چيزى احتياج دارد؟ اينها چيزهائى نيست كه امروز براى امثال شما جوانها - كه الحمدلله باسواديد، بافهميد، بابصيرتيد - مخفى باشد. امروز مردم ما بحمدالله سطح فكرشان بالاست، ملت ما بلوغ فكرى دارد؛ شما جامعه‌ى مداح هم همين جور. شما ميدانيد مردم به چه چيزى احتياج دارند. امروز مردم به دين، به اخلاق، به ايمان راسخ، به بصيرت، به شناخت دنيا، به شناخت آخرت احتياج دارند؛ همه‌ مان احتياج داريم. اينكه ميگوئيد فاطمه‌ى زهرا (سلام الله عليها) در محشر وارد ميشود، فضاى محشر تحت تأثير عظمت دختر پيغمبر قرار ميگيرد، بايد محشر را بشناسيم، قيامت را بشناسيم، هيبت جلال الهى را در محشر بدانيم؛ اينها معرفت ميخواهد، اينها آگاهى ميخواهد؛ قرآن هم پر است از بياناتى كه اين معانى را به ما نشان ميدهد، روايات هم همين جور. اينها را با زبان شعر، با همان هنرى كه در شما هست، بيان كنيد.

توجه به این نقاط ضروری است.

امروز ملت ما يك ملت تازه متولد شده‌ى در دنياى گرفتار است، با يك خلقت ديگر، با يك هيئت ديگر، با يك شاكله‌ى ديگر، با ابعاد وجودىِ نو. در دنيائى كه همه‌ى عوامل براى دور كردن دلها و مردم از معنويت بسيج شده بودند و تلاش ميكردند و همچنان ميكنند، يك ملتى متولد شده است با زيربناى ايمان؛ اين چيز كمى است؟ اين مثل الماس ميدرخشد. هيچ لازم نيست ما پيرايه ببنديم؛ مثل خورشيد نورافشانى ميكند. ما يك چنين ملتى داريم. هم معنويت، هم آگاهى‌هاى دنيوى، هم زيور دانش، هم تلاشهاى سياسى، هم كار درست تبليغى، هم سازندگى خود، هم سازندگى جامعه، هم رسيدن به بناى اقتصادى، هم رسيدن به بناى اخلاقى؛ اينها همه جزو كارهاى ماست. شما نگاه كنيد ببينيد در اين بخشهاى گوناگون و متنوع، چه كار ميتوانيد بكنيد؛ چقدر ميتوانيد آگاهى بدهيد. شاعر ما متوجه به اين نقاط باشد، گوينده‌ى ما متوجه به اين نقاط باشد، مداح ما همين جور؛ ببينيد چه اتفاقى مى‌افتد.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بخش دوم ؛ وصیت نامه شهدا

امام را دعا کنید/ نماز را سبک نشمارید

برادران وصیت من که البته بنده کوچک‌تر از آنم که وصیت بکنم؛ این است که امام را دعا کنید طول عمر همراه با عزت نفس و سلامتی جسم، از خدا برای امام گرانقدرمان طلب کنید. برادران؛ نماز را سبک نشمارید امام حسین(ع) وقتی در روز عاشورا ظهر شد با اینکه باران تیر به سویش می‌آمد ایستاد و نماز خواند, بعضی‌ها گفته‌اند با  این باران تیر که نمی‌شود نماز خواند، امام حسین فرمود: اصلاً قیام ما به خاطر نماز بوده, چنان تعریف کرده‌اند که یکی از رزمندگان وقتی با امام زمان(عج) ملاقات کرد.

اگر شفاعت شدم, قول شفاعت شما را می‌دهم

امام زمان به اول نماز خواندن امر کرد من از روی پدر و مادرم و برادرانم و دوستانم خجالت می‌کشم چون خیلی اذیت‌شان کرده‌ام انشاءالله که خداوند مرا مورد عفو قرار دهد و از همه طلب حلالیت می‌کنم و اگر خداوند مقام شفاعت را به من حقیر اعطا کند قول می‌دهم شفاعت شما را بکنم. پانصد تومان پول هم دارم که دویست تومان آن را به عنوان رد مظالم بدهید و بقیه را به جبهه‌ها کمک کنید. دیگر عرضی ندارم به امید دیدار.

سعید علی‌مددی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بخش سوم؛ اصول فنی

مرحله دوم

فراگيري دعا و زيارت خواني

عرصه ديگري كه ذاكرين اهل بيت(علیهم السلام) در اوايل دوران مداحي خود به آن مي پردازند ؛ خواندن دعاي توسل ، زيارت عاشورا و دعاي كميل است؛ چراكه فضاي بيشتري براي ارائه آن وجود دارد.

فراگيري دعا و زيارت در اين مرحله ، بيشتر ناظر به روخواني و ترجمه برخي عبارات است و الا مناجات خواندن و تفسير ادعيه و زيارات از مراحل عالي مداحي است و نيازمند علم ، تجربه و تبحر بالايي است، كه ان شاء الله با تلاش و مرور زمان به دست خواهد آمد.

در فصل اقسام مجلس به تفصیل پیرامون مجالس ادعیه و زیارات بحث خواهیم کرد، و اما در این بخش از مباحث کلیاتی را پیرامون این مرحله بیان می نماییم.

خواندن مناجات و ادعيه و زيارات است معمولا به دو روش برگزار مي گردد.

الف)سنتی

ب)نو

**الف)سنتی**

در اين روش زمان محدودي براي برنامه در نظر گرفته مي شود و از جهت سبكي يك نظام كلي منسجمي وجود دارد و تفسير عبارات دعا و زيارت و روضه خوانی ، در بخشهاي مشخصي صورت مي گيرد. معمولاً اين روش در محافلي كاربرد دارد كه مداح مستمع ثابت و اهل فن ندارد.

**ب)نو**

در اين روش زمان برنامه نامحدود است ، از جهت سبكي يك نظام كلي منسجمي وجود ندارد و گريزهاي سبكي مختلفي به تناسب مجلس صورت مي گيرد و عبارات دعا و زيارت ، در هر بخش ممكن است تفسير شود. معمولاً اين روش در محافلي كاربرد دارد كه مداح مستمع ثابت و اهل فن دارد.

توصيه مي كنيم ذاكرين اهل بيت (علیهم السلام) ابتدا به فراگيري روش سنتی خواندن ادعيه و زيارات بپردازند ؛ چراكه اكثر محافل شرايط محافل سنتی را دارند و علاوه بر اين خواندن ادعيه و زيارات به روش نو نياز به تجربه ، علم و تبحري است كه كسب آن گذشت زمان را مي طلبد. بهترین الگو برای تقلید در این مرحله، روش حاج مهدی سماواتی به نظر می رسد.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بخش چهارم؛ در محضر اساتید

**شبیه ترین مردم به پیامبر و امیرالمومنین**(علیهما السلام)

تعبیری که در مورد امیرالمومنین(علیه السلام) از لسان نورانی پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله) نقل شده، در مورد حضرت علی اکبر(علیه السلام) از لسان نورانی امام حسین(علیه السلام) نقل شده است. و شاید این اتحاد در عنوان یک مطلبی را برای ما ثابت کند و یا نتیجه ای به ما بدهد. عناوینی که برای امیرالمومنین(علیه السلام) است برای علی اکبر(علیه السلام) هم می توان به کار برد؛ چرا که به تعبیر بزرگان ما فرمودند اگر پیغمبری ختم نشده بود علی اکبر(علیه السلام) پیغمبر بود. بنا بر کلام نورانی امام حسین(علیه السلام) که اَشبه الناس خلقاً و خُلقاً وَ مَنطِقاً بِرَسولِک. بعد از 25 سال وقتی امیرالمومنین(علیه السلام) به خلافت رسیدند وقتی دیدند امیرالمؤمنین(علیه السلام) وضو می گیرد، همه گفتند الله اکبر هذه وضوء النبی! یعنی علی(علیه السلام) را پیغمبر(صلی الله علیه و آله) می دیدند. در دو جا نقل کردند وقتی علی اکبر(علیه السلام)را دیدند او را در جمال پیغمبر(صلی الله علیه و آله) دیدند. یک نصرانی وارد مدینه النبی شد. خواست وارد مسجد شود ولی جلوی او را گرفتند، گفتند شما نمی توانی وارد مسجد شوی، ورود غیر مسلمان به مسجد النبی ممنوع است. گفت من دیشب در عالم رویا مسلمان شدم. پیغمبر شما و مسیح به خواب من آمدند و مرا دعوت به اسلام کردند. گفتند اینجا چکار داری؟ گفت آمدم ببینم کسی از نوادگان پیغمبر هست که او را ببینم. اصحاب نشانی خانه امام حسین(علیه السلام) را به او دادند. خدمت امام حسین(علیه السلام) رسید و سوالاتی از حضرت می کرد و جواب می گرفت. در اینجا نوشتند علی اکبر(علیه السلام) وارد حجره شد، همین که این مرد مسیحی مسلمان شده علی اکبر(علیه السلام) را دید، از جای خودش بلند شد و صدا زد این همان آقایی است که من دیشب در عالم رویا دیدم. آیا این خود پیغمبر است؟!

در بعضی از کتب مقتل ما هم دارد که حدود دوهزار نفر از دشمنانی که در لشگر عمر سعد بودند که بالای 60سال سن داشتند، اینها وقتی علی اکبر(علیه السلام) را در میدان دیدند، شمشیرهایشان را زمین گذاشتند و گفتند ما با پیغمبر(صلی الله علیه و آله) نمی جنگیم! گفتند پیغمبر(صلی الله علیه و آله) پنجاه سال پیش از دنیا رفته. گفتند ما پیغمبر(صلی الله علیه و آله) را دیدیم، سوار بر اسب شدن پیغمبر(صلی الله علیه و آله) را دیدیم، شمشیر به دست گرفتن پیغمبر(صلی الله علیه و آله) را دیدیم، رجز خوانی پیغمبر(صلی الله علیه و آله) را هم دیدیم؛ این کسی که در میدان هست، خود پیغمبر(صلی الله علیه و آله) است.

علیٌّ مَمسوسٌ فی ذات الله

جمله ای که مخصوص خود امیرالمومنین(علیه السلام) است و شاید بالاترین عنوانی است که در روایات برای فضیلت امیرالمومنین(علیه السلام) آورده شده است، این است که که گفتند علیٌّ مَمسوس فی ذات الله[[1]](#footnote-1). علی ممسوس است با ذات خود خدا. عین همین جمله در مورد حضرت علی اکبر(علیه السلام) هم بکار رفته است. وقتی که روز عاشورا آمد اذن میدان بگیرد، حضرت فرمودند برو با محارم خودت وداع کن. وقتی داخل خیمه آمد با اهل حرم وداع کند، همه گفتند لا تذهب... ارحموا غربتنا؛ نرو... به غریبی ما رحم کن؛ یعنی اینکه تا علی اکبر بود، اهل حرم احساس غربت نمی کردند، یعنی خیالشان راحت بود. در ادامه آمده است که ابی عبدالله(علیه السلام) دید وداع علی اکبر(علیه السلام) طولانی شد، آمد پرده ی خیمه را کنار زد. دید همه دور علی اکبر(علیه السلام) را گرفتند و اجازه نمی دهند به میدان برود. حضرت فرمودند: دَعُوه فانَّه مَمسوسٌ فی ذاتِ الله؛ رهایش کنید، پسرم در ذات خدا مسوس است، او حواسش جای دیگری است.

وقتی روایتی که منحصراً به امیرالمومنین(علیه السلام) اختصاص دارد، امام حسین (علیه السلام) در مورد فرزندش به کار می برد، یعنی همانطور که او شبیه ترین به پیغمبر(صلی الله علیه و آله) هست، شبیه ترین به امیرالمومنین(علیه السلام) هم هست. چون امیرالمومنین(علیه السلام) نفس پیغمبر(صلی الله علیه و آله است. فلذا همه ی عبارات زیارت غدیریه را هم می توان برای علی اکبر(علیه السلام) هم به کار ببریم.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بخش پنجم ؛ برگی از تاریخ

فصل اول ؛ میلاد عشق

نامگذاري  
پيامبر (صلي الله عليه و آله) او را «حسين» ناميد همان گونه که برادرش را «حسن» نام نهاد، مورخان مي گويند: عرب در جاهليتش اين دو نام را نمي شناخت تا فرزندان خودرا به آنها بنامند بلکه پيامبر (صلي الله عليه و آله) آنان را به وحي از آسمان به اين نامها نامگذاري فرمود.[[2]](#footnote-2)

اذان و اقامه  
پيامبر (صلي الله عليه و آله) حسین را در آغوش گرفت و در گوش راستش اذان گفت و در گوش چپ او اقامه خواند. در خبر آمده است که: «اين عمل، نگهدارنده نوزاد از شيطان رجيم است»[[3]](#footnote-3)  
عقیقه  
پس از گذشت هفت روز از تولد سبط پيامبر (صلي الله عليه و آله) آن حضرت دستور داد تا گوسفندي را برايش عقيقه کنند و گوشتش را براي فقرا تقسيم نمايند.[[4]](#footnote-4)

اندوه میلاد

هنگامي که مژده تولد امام حسین(علیه السلام) به پيامبر اکرم داده شد، بلا فاصله به خانه دخترش فاطمه (عليها السلام) شتافت و در حالي که قدمهايش را سنگين بر مي داشت و غم و اندوه بر او چيره گشته بود، با صدايي گرفته و اندوهناک صدا زد: «اي اسما! پسرم را نزد من بياور».

اسما، وي را به آن حضرت داد، پيامبر در حالي که گريه می کرد او را در آغوش گرفت و بسيار بر او بوسه زد. اسما پريشان شد و گفت: «پدر و مادرم فداي تو باد از چه رو مي گريي؟!».

پيامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) در حالي که چشمانش از اشک پر بود، به وي پاسخ داد: «بخاطر پسرم گريه می کنم»، اسماء گفت: «او هم اکنون به دنيا آمده است».

پيامبر با صدايي پر از از غم و اندوه به وي پاسخ داد: « بعد از من گروهی ستمکار او را مي کشند، خداوند شفاعتم را از آنان دور سازد...». سپس به اسماء فرمود: «از این موضوع به فاطمه چیزی مگو...».[[5]](#footnote-5)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*  
فصل دوم ؛ ابوالفضائل

عباس(علیه السلام) در کلام زین العابدین(علیه السلام)

«رَحِمَ اللَّهُ عَمِىَّ الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ آثَرَ وأَبْلی وفَدی أَخاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّی قُطِعَتْ يَداهُ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْهُما جِناحَيْن يَطیرُ بِهِما مَعَ الْمَلائِكَةِ فی‌ الْجَنَّةِ كَما جُعِلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبی‌ طالِبْ علیه السلام؛ وَإنَّ لِلْعَبّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبارَكَ وَتَعالی مَنْزِلَةٌ يَغبِطَهُ بِها جَمیعَ الشُّهدَاءِ يَوْمَ القِیامَةِ.»[[6]](#footnote-6)

امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند: خداوند رحمت کند عمویم عباس بن علی را که به تحقیق ایثار و جانبازی کرد و جنگ نمایانی نمود و خود را فدای برادرش ساخت تا اینکه دستانش قطع شد و خداوند در مقابل بسان عمویش جعفر طیار دو بال به او عنایت کرد تا با آنها با ملائکه در بهشت پرواز نماید و همانا عباس (علیه السلام) نزد خداوند تبارک و تعالی منزلتی دارد که جمیع شهدا در روز قیامت بر او غبطه خورند و تمنّای مقامش را نمایند.

زیارتنامه حضرت عباس(علیه السلام)

امام جعفر صادق (علیه السلام) در فراز نخست اذن ورود به حرم حضرت عباس (علیه السلام) می فرماید: سلام خدا و سلام فرشتگان مقّربش و سلام پیامبران مرسل و بندگان شایسته اش و سلام تمام شهیدان و صدّیقان، سلام هایی پاک و طیّب، در صبحگاهان و شامگاهان بر تو باد ای فرزند امیرالمومنین (علیه السلام).[[7]](#footnote-7)

شهادت می دهم که نسبت به جانشین رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مقام تسلیم بودی، حضرتش را تصدیق نمودی و در شأن وی وفا ورزیدی و خیرخواهی نمودی.[[8]](#footnote-8)

سپس امام صادق (علیه السلام)  تنها حضرتش را در میان سایر شهیدان به این خطاب مخاطب فرموده که خدا لعنت کند آن را که حق تو را نشناخت و حرمت تو را پاس نداشت از این عبارت معلوم می شود که سایر شهدا به این میزان از فضیلت دست نیافته اند ، هرچند هر کدام را حق و حرمتی عظیم است.[[9]](#footnote-9)

خداوند برترین و بیشترین و وافرترین و کامل ترین پاداش کسی را از میان آنان (مجاهدین و شهدای حق) که به پیمانشان وفا نمودند، دعوت او را پذیرفتند و از ولی امر خود طاعت کردند به تو ارزانی فرماید. شهادت می دهم که محقّقاً تو در خیرخواهی سر حدّ تلاش را نمودی و نهایت کوشش را انجام دادی، پس خداوند تو را در جمع شهدا و روحت را با ارواح نیک بختان قرار داد و وسیع ترین منزل و برترین غرفه را در بهشت به تو بخشید. [[10]](#footnote-10)

نافذ البصیره

كانَ عَمُّنَا العَبّاسُ بنُ عَلِيٍّ نافِذَ البَصيرَةِ صُلبَ الإيمانِ جاهَدَ مَعَ أبي عَبدِاللّه‏ و أبلى بَلاءً حَسَنا و مَضى شَهيدَا امام صادق (علیه السلام) فرمود: عمویمان عباس (علیه السلام)، نگاهی ژرف و ایمانی استوار داشت همراه الحسین (علیه السلام)  جهاد کرد و نیکو از آزمایش عبور کرد و به شهادت رسید.[[11]](#footnote-11)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل سوم ؛ درس زندگی از سید الساجدین(علیه السلام)

[ابو حمزه ثمالی](http://fa.wikishia.net/view/%D8%A7%D8%A8%D9%88_%D8%AD%D9%85%D8%B2%D9%87_%D8%AB%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C) می‌گوید: علی بن الحسین(علیه السلام) شبانه مقداری غذا بر دوش خود گذاشته و در تاریکی شب به صورت مخفیانه به فقرا می‌رساند و می‌فرمود: «[صدقه ای](http://fa.wikishia.net/view/%D8%B5%D8%AF%D9%82%D9%87) که در تاریکی شب داده شود غضب خداوند را خاموش می‌کند.[[12]](#footnote-12)»

[محمد بن اسحاق](http://fa.wikishia.net/index.php?title=%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF_%D8%A8%D9%86_%D8%A7%D8%B3%D8%AD%D8%A7%D9%82&action=edit&redlink=1) می‌گوید: مردمی در [مدینه](http://fa.wikishia.net/view/%D9%85%D8%AF%DB%8C%D9%86%D9%87) زندگی می‌کردند و نمی‌دانستند معاش آنها از کجا تأمین می‌شود؛ با درگذشت علی بن الحسین(علیه السلام) غذای شبانه آنان قطع شد.[[13]](#footnote-13)

ابن سعد می نویسد: چون مستمندی نزد او می‌آمد، برمی‌خواست و حاجت او را روا می‌کرد و می‌فرمود: «صدقه پیش از آنکه به دست خواهنده برسد، به دست خدا می‌رسد.[[14]](#footnote-14)»

سالی قصد حج کرد، خواهرش سکینه توشه‌ای به ارزش هزار درهم برای وی آماده ساخت، چون به حره رسید، آن توشه را نزد او بردند، امام همه آنرا بر مستمندان پخش فرمود.[[15]](#footnote-15)

پسر عموئی مستمند داشت، علی بن الحسین(علیه السلام) شب هنگام چنانکه وی او را نشناسد، نزدش می‌رفت و چند دینار بدو می‌بخشید آنمرد می‌گفت: علی بن الحسین(علیه السلام) رعایت خویشاوندی را نمی‌کند، خدا او را سزا دهد. امام این سخنان را می‌شنید و شکیبائی و بردباری می‌کرد و خود را بدان خویشاوند نمی‌شناساند. هنگامی که امام از دنیا رفت آن احسان از آن مرد بریده شد و دانست که آن مرد نیکوکار علی بن الحسین(علیه السلام) بوده است پس بر سر مزار او می رفت و گریه می کرد.[[16]](#footnote-16)

ابونعیم نویسد: دو بار مال خود را با مستمندان قسمت کرد و گفت: خداوند بنده مؤمن گناهکار توبه کار را دوست دارد.[[17]](#footnote-17)

وقتی مستمندی نزد او می‌آمد، می فرمود: مرحبا به کسی که توشه مرا به آخرت می‌برد.[[18]](#footnote-18)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل چهارم ؛ شبه پیامبر

حضرت علی اكبر (علیه السلام) بنا به روایتی در یازدهم شعبان[[19]](#footnote-19) سال43 قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود. پدر گرامی اش امام حسین (علیه السلام) و مادر محترمه اش لیلی بنت ابی مرّه بن عروه بن مسعود ثقفی است.[[20]](#footnote-20)

**سیمای ظاهری علی اکبر (علیه السلام)**

قیافه اش با ابهت بود و چون ماه تابان می درخشید و به زیبایی و پاکیزگی آراسته بود. از چهار شانه بلندتر و از بلندکوتاهتر. رنگی روشن و به سرخی آمیخته و چشمانی سیاه و گشاده و مژه هایی پرمو داشت، اندامش متناسب و معتدل و سینه و شانه اش پهن بود.

به سرعت راه می رفت و هنگام راه رفتن چنان بود که گویی از زمین سراشیب فرود می آید یا از روی سنگی به نشیب می رود. چون به طرف کسی بر می گشت با تمام بدن بر می گشت. نگاهش به زمین بود و بوی مشک و عنبر از او بلند بود.[[21]](#footnote-21) از این رو، بود که امام حسین(علیه السلام) او را شبیه ترین مردم در خلقت و آفرینش، اخلاق و صفات روحی، گفتار و آداب اجتماعی به [رسول خدا](http://fa.wikishia.net/view/%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF) (صلی الله علیه و آله و سلم) معرفی می کرد.

**مقامات علی اکبر(علیه السلام)**

نقل حدیث

از آنجا که از جد خود امام علی(علیه السلام) سخنان بسیاری روایت می کرد،به عنوان [محدث](http://fa.wikishia.net/index.php?title=%D9%85%D8%AD%D8%AF%D8%AB&action=edit&redlink=1) شناخته شد.[[22]](#footnote-22)

حمایت علی اکبر از امام حسین(علیه السلام)

در روز عاشورا هنگامی که علی اکبر(علیه السلام) وارد میدان کربلا شد. مردی فریاد زد: «ای علی! تو با امیرالمؤمنین (یزید) نسبت خویشاوندی داری و ما قصد ملاحظه و مراعات حال خویشان او را داریم، اگر بخواهید شما را امان می‌دهیم.» آن حضرت در پاسخ فرمود: «اِنَّ قَرابَةَ رَسولِ اللهِ اَحَقُّ اَنْ تُرعی[[23]](#footnote-23)»رعایت خویشاوندی [رسول خدا](http://fa.wikishia.net/view/%D8%B1%D8%B3%D9%88%D9%84_%D8%AE%D8%AF%D8%A7) به حقیقت نزدیک‌تر است.

نخستین شهید بنی هاشم

وی نخستین شهید بنی هاشم در روز عاشورا بود؛[[24]](#footnote-24) در زیارت شهدای معروفه نیز آمده است:السَّلامُ علیکَ یا اوّل قتیل مِن نَسل خَیْر سلیل.[[25]](#footnote-25)

استواری در مسیر حق

در منزل [بنی مقاتل](http://fa.wikishia.net/index.php?title=%D8%A8%D9%86%DB%8C_%D9%85%D9%82%D8%A7%D8%AA%D9%84&action=edit&redlink=1) امام حسین(علیه السلام) اندکی به خواب رفت و بعد از بیدار شدن عبارت «انّا لله و انّا الیه راجعون و الحمدلله ربّ العالمین» را تکرار می‌فرمود، علی اکبر(علیه السلام) از علت این کارسوال کرد امام(علیه السلام) پاسخ داد: پسرم! مرا خواب ربود، ناگاه شنیدم سواری می‌گوید: این قوم حرکت می‌نماید و مرگ آنها را تعقیب می‌کند، از این گفتار فهمیدم که مرگ ما فراخواهد رسید. علی اکبر(علیه السلام) گفت: پدر جان! خداوند بر شما بدی نبیند، مگر ما بر حق نیستیم؟ امام(علیه السلام) فرمود: آری، به حق آن کسی که همه بندگان به سوی او باز می‌گردند. علی اکبر(علیه السلام) گفت: ای پدر! در هنگامی که بر حق استوار باشیم از مرگ ابائی ندارم. امام (علیه السلام) در حق علی دعای خیر فرمود: «خداوند بهترین اجر و پاداش فرزندی را از جانب پدر به فرزند خویش به تو عنایت فرماید.[[26]](#footnote-26)»

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل پنجم ؛ میلاد موعود

داستان ازدواج امام حسن عسکری (علیه السلام) به دو گونه روایت شده است، لکن آنچه با قرائن و روند طبیعی مسأله سازگاتر می آید آن است که: حکیمه خاتون خواهر امام هادی(علیه السلام) کنیزان فراوان داشت. امام هادی(علیه السلام) یکی از آنان را به نام «نرجس» که از آغاز زیر نظر وی فرائض و معارف دینی را به درستی فرا گرفته بود، به نامزدی فرزندش در آورد و با مقدماتی که در کتابهای تاریخی آمده است، به عقد ازدواج امام حسن(علیه السلام) درآورد.[[27]](#footnote-27)

میلاد موعود

مدتی از این ازدواج مبارک گذشت و دوستان و شیعیان در انتظار ولادت آخرین ستاره امامت، روز شماری می کردند؛ امام حسن (علیه السلام) گه گاه نوید مولودش را به یاران می داد:«...سیرزقنی الله ولدا بمنه و لطفه[[28]](#footnote-28)»به زودی خداوند به من فرزندی خواهد داد و لطف و عنایتش را شامل من خواهد کرد.

حضرت با تلاوت مکرر آیه:« يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.[[29]](#footnote-29)» به یاران امید و بشارت می داد که هیچ نقشه و مکری نمی تواند جلو این قدرت و حکمت خداوندی را بگیرد و روزی این وعده به تحقق می رسد.

از آن سو دشمن نیز آنچه در توان داشت به کار گرفت تا این وعده بزرگ الهی تحقق نیابد: قابله های فراوانی در خانواده های منسوب به امام حسن(علیه السلام) بویژه در منزل امام گمارد، امام را بارها به زندان افکند، مأمورانی را گمارد که اگر فرزندی پسری در خانه امام دیدند، نابودش کنند و...[[30]](#footnote-30)

اما بر خلاف این تلاشها، نرجس خاتون حامل نور امامت شد و جز امام حسن(علیه السلام) و افراد خاصی از وابستگان و شیعیان آن حضرت، از این امر آگاه نشدند. تقدیر الهی بر تدبیر شیطانی ستمگران پیروز شد و در شب نیمه شعبان سال 255 ه. ق. آن مولود قدم به عرصه وجود نهاد و نوید امامت مستضعفان و حاکمیت صالحان را داد.[[31]](#footnote-31)

امام حسن(علیه السلام) که آرزوی خود را بر آورده دید، فرمود: «زعمت الظلمه انهم یقتلونی لیقطعوا هذا النسل فکیف رأوا قدره اللّه...[[32]](#footnote-32)» ستمگران بر این پندار بودند که مرا بکشند تا نسل امامت منقطع گردد اما از قدرت خداوند غافل بودند...

مکان تولد و نگهداری

در این باره, چند احتمال وجود دارد:

الف. در سامرا به دنیا آمد و تا آخر عمر پدر بزرگوارش, در آن جا زیست.

ب. در سامرا متولد شد و پیش از درگذشت پدر به مکه فرستاده شد.

ج. در سامرا قدم به عرصه وجود نهاد و برای حفاظت و رشد او را به مدینه بردند.

د. در مدینه زاده شد و در همان جا ادامه حیات داد.

برای احتمال اول؛ دسته ای از روایات را که بیانگر تبریک و تهنیت شیعیان بر امام حسن(علیه السلام) است شاهد آورده اند؛ از جمله ابوالفضل الحسین بن الحسن العلوی می گوید: «دخلت علی ابی محمد(علیه السلام) بسرّ من رأی فهنأته بسیّدنا صاحب الزمان علیه السلام لما ولد.[[33]](#footnote-33)» ـ در سامرا به منزل امام حسن(علیه السلام) رفتم و ولادت سرورمان صاحب الزمان را به وی تبریک گفتم.

همچنین روایاتی که بیانگر دیدن امام زمان توسط گروهی از اصحاب در منزل امام حسن عسکری(علیه السلام) است؛ امام در پاسخ آنان که درخواست دیدن جانشین وی را دارند می فرماید: «.. هذا امامکم من بعدی وخلیفتی علیکم اطیعوه ولاتتفرقوا من بعدی فتهلکوا فی ادیانکم أما إنکم لاترونه بعد یومکم هذا. قالوا: فخرجنا من عنده فما مضت الاایام قلائل حتی مضی ابومحمد.[[34]](#footnote-34)»ـ پس از من این پسر امام شماست و خلیفه من است در میان شما. امر او را اطاعت کنید و از گرد رهبری او پراکنده نشوید که هلاک می گردید و دینتان تباه می شود. این را هم بدانید که شما او را پس از امروز نخواهید دید.

آن جمع گفتند: از نزد امام بیرون آمدیم و روزی چند نگذشت تا اینکه امام حسن(علیه السلام) درگذشت.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بخش ششم ؛ اشعار پندیات

با خدا خواهی شوی نزدیک، از خود دور باش  
قهر کن با تیرگی، آن­گه رفیق نور باش  
هر کجا رو آوری طور است «موسایی» بجو  
بی­خبر! موسی تو خود هستی مقیم طور باش  
حور، زیبایی ندارد پیش زیبایی دوست  
محو روی دوست شو، کمتر به فکر حور باش  
گر چه در خود از خدا مأمورها داری بکوش  
خود برای خود به دفع هر خطر مأمور باش  
مار آزارد زِ نیش و مور ماند زیر پا  
خوی آدم خوش بوَد نه مار شو، نه مور باش  
این سخن را از امیرالمؤمنین دارم به یاد  
هر مصیبت تا لب گور است، فکر گور باش  
گاه دیدار خدا از پای تا سر، چشم شو  
وز نگاه غیر او تا چشم داری کور باش  
هر کجا دیدی که خواهند از خدا دورت کنند  
تا قدم داری از آن دور از خدایان دور باش  
بر طناب دار خود «میثم» چو میثم بوسه زن  
نه به زر پابند، نه تسلیم حرف زور باش[[35]](#footnote-35)  
\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

با پا نتوان رفتن صحرای محبت را[[36]](#footnote-36)  
بی خون نتوان خوردن مینای محبت را  
دیوانه عاشق را دیوانه نباید خواند  
رسوا نتوان گفتن رسوای محبت را  
صد حاکم آب و گل دستش نرسد بر دل  
تسخیر نشاید کرد صحرای محبت را  
ما در خور قهر او، او از ره مهر خود  
بگشوده به روی ما درهای محبت را  
در عالم زر بردند ما را به کلاس عشق  
آنجا ز الف خواندیم تا یای محبت را  
با آن همه زیبائی بر خلد فروشد ناز  
هر کس که کند سیرِ صحرای محبت را  
صحرای قیامت را گلزار جنان بینی  
گر باز کنی برخود درهای محبت را  
خواهی که خدا بینی دانی که کجا بینی  
هر جا که به پا بینی آوای محبت را  
بردار بلا“میثم” اعلان ولا باید  
با یار اگر خواهی سودای محبت را[[37]](#footnote-37)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سال ها گفتیم و خندیدیم و از خود غافلیم[[38]](#footnote-38)  
دل به دنبال هوس ها ما به دنبال دلیم  
روز و شب دیوانه ی نفسیم و مست حُبّ مال

بدتر از این، این که پنداریم عقل کاملیم!  
دل به قصر سنگ، خوش کرده نمی دانیم خود  
عاقبت یک قبضه ی خاکیم یا مُشتی گلیم  
بارها کُشتیم خود را با دم تیغ هوی  
نفس دون را پرورش دادیم و خود را قاتلیم  
نوح، ما را خواند و طوفان کلّ عالم را گرفت  
کشتی از ما دور شد ما نیز دور از ساحلیم  
گه به دور کعبه می گردیم و گاهی دور بت  
گه مرید حقّ شده گاهی اسیر باطلیم  
بارها منزل عوض کردیم تا پیری رسید  
همچنان در فکر تجدید بنای منزلیم  
بس که “میثم” شانه ی ما خسته از بار خطاست  
در اطاعت ناتوان و در عبادت کاهلیم[[39]](#footnote-39)   
\*\*\*\*\*

لب تشنه ی محبّت دریا نمی پسندد[[40]](#footnote-40)  
مجنون حُسن دلدار لیلا نمی پسندد  
بر کفش وصله دار مولا علی نوشته  
این ملکِ بی بها را مولا نمی پسندد  
گر پیرو غدیری بگریز از سقیفه  
هر کس که این پسندید آن را نمی پسندد  
در بین اهل دنیا مؤمن همیشه تنهاست  
مردان آخرت را دنیا نمی پسندد  
بی شبهه خود پسندی از خود کشی­ست بدتر  
نادان اگر پسندید دانا نمی پسندد  
بانگ اذان شنیدن بر بی نماز سخت است  
بی بند و بار هرگز تقوی نمی پسندد  
دل بر علی سپردن بار گناه بردن  
این شیوه را خداوند از ما نمی پسندد  
محو جمال مولا با حور کی نشیند؟  
مست سبوی کوثر صهبا نمی پسندد  
گر صد هزار بارش دست و زبان ببُرّند  
“میثم” به غیر مولا مولا نمی پسندد[[41]](#footnote-41)   
\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

دیدار حق ز غیر خدا دل بریدن است  
پای هوس ز بوالهوسی ها کشیدن است  
از هر چه هست غیر خدا چشم خود ببند  
این معنی جمال خداوند دیدن است  
دانی چقدر فاصله حق و باطل است  
فرقی که بین دیدن و بین شنیدن است  
از اهل ظلم معنی مهر و وفا مپرس  
شاهین به فکر قلب کبوتر دریدن است  
پاداش ظلم خودکشی ظالم است و بس  
زالو هلاک گشتنش از خون مکیدن است  
بی چشمِ تر، وصال رخ یار خواستن  
از نخل خشک آرزوی میوه چیدن است  
چون آسیا گرسنه به سر می برد مدام  
هر کس به فکر رزق خلایق جویدن است  
از بد زبان مخواه به جز حرف نیش دار  
عقرب همیشه عادت نحسش گزیدن است  
معنای یار را به اجانب فروختن  
عفریت را به حور بهشتی گزیدن است  
“میثم” جواب صابر شیرین سخن که گفت  
یار رقیب دیده سزایش ندیدن است[[42]](#footnote-42)  
\*\*\*\*\*

دنیا چو یک دم است که آغازش آخر است[[43]](#footnote-43)  
هفتاد سال عمر ز یک لحظه کمتر است  
آینده­ی نیامده اش جز سراب نیست  
بگذشته یادواره­ی داغ مکرر است  
عمر گذشته پشت سر و مرگ پیش پا  
کوه گنه به دوش و اجل در برابر است  
جز یک کفن نمی بری از کل هست خویش  
گیرم که کوه ها به سر دستت از زر است  
دنیا! سرت به خاک و قدت خم که دیده ام  
هر کس که شد برای تو خم، خاک بر سر است  
ما راست خواب غفلت و دنیا بود شبی  
تا چشم خویش بازکنی، صبح محشر است  
باور کنیم روز قیامت دروغ نیست  
مائیم و دادگاه و خداوند داور است  
هر صبحدم که چشم گشایی به هوش باش  
شاید که عمر طی شده و روز آخر است  
“میثم” اگر خدات نبخشد، چه می کنی؟  
هر چند عفو او ز گناهت فزون تر است[[44]](#footnote-44)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

دلت را خالی از کبر و ریا کن  
سپس آن را حریم کبریا کن  
ز تاریکی برآ و نور بنگر  
به شیطان پشت نه رو بر خدا کن  
اگر فیض وصال دوست خواهی  
حساب خویش از دشمن جدا کن  
خدا هر شب تو را می خواند ای دوست  
تو هم یک شب خدایت را صدا کن  
گنه در ملک او در محضر او  
چه بی شرمی چه بی شرمی حیا کن  
عطا دیدی خطا کردی همه عمر  
بیا یک چند هم ترک خطا کن  
گنه کردی وَادعونی شنیدی  
بیا یکشب بخوان او را دعا کن  
خدا آغوش بگشوده بسویت  
باو بگریز و شیطان را رها کن  
دل بیمار خود را تا نکشتت  
بیاور با طبیبش آشنا کن  
به درمانگاه ثارالله بازآ  
تمام دردهایت را دوا کن  
خدایی شو درون را پاک گردان  
حسینی شو دلت را کربلا کن  
حیات جاودان این است “میثم”  
بپای دوست جان خود فدا کن[[45]](#footnote-45)  
\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بگذر ز جسم و حرمت جان را نگاه دار  
دست از جهان بشوی و جهان را نگاه دار  
یک حرف کفر خرمن دین را دهد به باد  
کمتر سخن بگوی و زبان را نگاه دار  
ای تاخته به جانب دوزخ تمام عمر  
یک دم به خود بیا و عنان را نگاه دار  
دین را اساس و پایه به جز حب و بغض نیست  
در سینه این دو گنج نهان را نگاه دار  
گنجی به پای گنج قناعت نمی رسد  
تا بی نیاز سازدت آن را نگاه دار  
تا پی بری به قدر گل و باغ و باغبان  
فصل بهار یاد خزان را نگاه دار  
تو از تبار دیو نه ای از فرشته ای  
از اصل خویش نام و نشان را نگاه دار  
خواهی که از تو پیر و جوان گیرد احترام  
خود احترام پیر و جوان را نگاه دار  
وقت گنه امام زمان بر تو ناظر است  
پس حرمت امام زمان را نگاه دار  
“میثم” به یاد سود و زیان حساب حشر  
اینجا حساب سود و زیان را نگاه دار[[46]](#footnote-46)  
\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بخش هفتم؛ اشعار منتخب

فصل اول ؛ ولادت امام حسین (علیه السلام)

بر عرش دوباره زیب و زین آمده است

محبوب رسول ثقلین آمده است

از کنگرۀ عرش به ذکر صلوات

گفتند حسینیان حسین آمده است[[47]](#footnote-47)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

شعبان مَه با صفای خاتم باشد

میلاد سه آزادۀ عالم باشد

نذر قدم حسین و عباس و علی

ذکر صلواتِ ما دمادم باشد[[48]](#footnote-48)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

یك نیم رخت، اَلست منكم ببعید

یك نیم دگر انّ عذابی لشدید

بر گرد رخت نوشته یُحیی و یُمیت

مَن مات مِن العشق فقد ماتَ شهید[[49]](#footnote-49)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وقتی که آمدی به جهان عشق پا گرفت[[50]](#footnote-50)

آزادگی و عزت و غیرت بها گرفت

روزی که شمس طلعت رویت طلوع کرد

نورش تمام ارض و سما را فرا گرفت

وقتی قدم به عرصه ی گیتی گذاشتی

هستی ز یمن مقدم پاکت صفا گرفت

از برکت ولادت تو ای امیر جود

فطرس دوباره بال و پری از خدا گرفت

وقتی قرار شد که شود نام تو حسین

شهر مدینه عطر و بوی کربلا گرفت

روح الامین زدیده ی خود اشک شوق ریخت

وقتی که بوسه از لب تو مصطفی گرفت

تصویری از محبت و عشق و علاقه بود

آندم که روی دست، تو را مرتضی گرفت

وقتی که ماجرای غم و غربتت شنید

روز ولادتت دل خیر النسا گرفت

تا عرشیان به محضرت عرض ادب کنند

قنداقه ی شریف تو در عرش جا گرفت

آنروز غرق شور و شعف عالمین بود

ذکر لب ملک همه دم یا حسین بود

ای نور چشم ام ابیها خوش آمدی

ای مظهر شجاعت و تقوی خوش آمدی

ای پور هل أتی پسر کوثر نبی

یاسین و کهف و فاطر و طاها خوش آمدی

بر سر در بهشت نوشتند قدسیان

صلِّ علیکَ سید و مولا خوش آمدی

آید صدای حضرت حق از فراز عرش

کای صاحب اختیار دو دنیا خوش آمدی

ای جبرئیل خادم صحن و سرای تو

شش گوشه ی تو کعبه ی دلها خوش آمدی

اعجاز انبیا همه با اذن از تو بود

ای مقتدای موسی و عیسی خوش آمدی

نام تو در زمان بلا ذکر نوح شد

یوسف چو دید روی تو را قبض روح شد

ای بحر لطف و جود تو بی انتها حسین

شرمنده ی عطای تو شاه و گدا حسین

ای شاهکار خلقت و خورشید بی غروب

ای منجلی ز روی تو نور خدا حسین

آنکس که وا کند گره از کار عالمی

با یک نگاه خویش تو هستی تو یا حسین

ای در جزا و روز حساب تمام خلق

سوی تو چشم سلسله ی انبیا حسین

آنانکه در عزای تو عمری گریستند

خوانند یکصدا همه آنجا تو را حسین

امشب بیا و دست دعا را بلند کن

بهر ظهور مهدی آل عبا حسین

در سینه شوق تربت شش گوشه ام بود

کی می بری مرا تو به کرببلا حسین؟

این آرزوی هر شب و روز غلام توست

در وقت جان سپردن و مرگم بیا حسین

ای نام اعظمت به زبانم علی الدوام

«ما جاءَ غَیرُ اِسمُکَ فی مُنتَهَی الکلام»

تو آمدی و دلبر اهل وفا شدی

آموزگار مکتب صبر و رضا شدی

بوسه گرفت از لب تو ختم الانبیا

دار و ندار حضرت خیر النسا شدی

کم داشت خانواده ی زهرائیان تو را

تو آمدی و خامس آل عبا شدی

پیش از زمان آمدنت هم امیر عشق

خلوت نشین مادر آئینه ها شدی

آری تو با درخشش شمس جمال خویش

خورشید روز و ماه شب تار ما شدی

هر چند در مدینه دلی خوش نداشتی

اما چه شد که راهی کرببلا شدی[[51]](#footnote-51)

.....

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مه منوّر شعبان مه رسول خداست

مه مبارك میلاد سیدالشهداست

به رهروان هدایت ز حق رسیده خبر

كه روی دست محمد عیان چراغ هداست

تمام دین به روی دست‌های ختم رسل

و یا كتاب خدا روی سینة زهراست

به عدل و عزت و آزادی و كمال و شرف

خلایقند همه تشنه، فیض او دریاست

ملك به حسن تماشائیش، شده مبهوت

كه این امام حسین است یا رسول خداست

نسیم خلد برین می وزد ز اطرافش

كه بوی عطر خدا در مشام باد صباست

اگر تمام ملائك ز گاهوارة او

پر دوباره چو فطرس طلب كنند رواست

نبی به طلعت زیباش خنده كرد و گریست

خدا به یمن قدومش بهشت را آراست

ز گاهواره به گودال خون نگاهی كرد

به خویش گفت كه میلاد ما شهادت ماست

تمام خلقت یك لحظه بی حسین مباد

كه بی حسین زمین بی‌كس و زمان تنهاست

به حلق تشنه و لب ‌های خشك او سوگند

كه خون او به گلستان وحی، آب بقاست

گرفت جام بلا را ز دست حضرت دوست

از آن تمام بلاها به چشم او زیباست

مگو چرا ز همه هست خود گذشت حسین

خدای داد به او هست و هست او را خواست

اگر ز بار غمش آسمان خمید چه باك

كه گشت قامت اسلام با قیامش راست

وضو گرفت ز خون، پیش تیر قامت بست

كه تا قیام قیامت از او نماز به پاست

همیشه حج به وجود حسین می‌بالد

كه كربلاش صفا بود و مروه شام بلاست

نماز و روزه و حج و جهاد می‌گویند

حیات ما همه مرهون سیدالشهداست

به پور هند جگر خواره چون گشاید دست

كسی كه رشد و نموّش به دامن زهراست

زهی جلال كه در روی خون گرفتة او

به چشم اهل نظر صورت خدا پیداست

مگر نه خوردن خاك آمده به شرع حرام

چه حكمتی است، چرا تربت حسین شفاست؟

به تحت قبّه او كن بلند دست نیاز

بگیر حاجت خود را كه مستجاب دعاست

همه به حشر صدا می‌زنند یا زهرا

ولی ز فاطمه آید ندا، حسین كجاست

اگر چه سوم شعبان جمال خویش گشود

بدان ولادت او ظهر روز عاشوراست

قسم به ذات خداوند قادر بی چون

كه خونبهاش خداوندگار بی همتاست

تمام اهل قیامت به چشم می‌بینند

حسین با تن بی سر شفیع روز جزاست

هنوز نغمة قرآن او بلند ز نی

هنوز نعرة هیهات او به اوج سماست

هنوز خنجر قاتل ز خون اوست خجل

هنوز از عطشش، شعله در دل دریاست

هنوز نالة هل من معین اوست بلند

هنوز رأس منیرش به نیزه راه نماست

هنوز پرچم گلگون او به قلة عرش

هنوز پیكر صد چاك او به دوش شماست

حسین رهبر آزادگان به هر عصری

حسین راه نمای تمام نهضت ‌هاست

حسین مشعل تابندة هدایت خلق

حسین مصحف نور است و آیت عظماست

حسین جان دعا، جان ذكر، جان نماز

حسین روح حرم، روح مروه، روح صفاست

گواه زندة من، ارجعی الی ربك

كه بر حسین همانا خدا مدیحه سراست

حسین سورة فجر و حسین آیه نور

حسین نجم فروزان حسین شمس ضحاست

حسین زندة حق و حسین كشتة حق

حسین بر همه باطل ستیزه ها مولاست

به وصف او كه خدایش ثنا كند میثم

قصیدة تو بود نارسا اگر چه رساست[[52]](#footnote-52)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل دوم؛ ولادت حضرت اباالفضل (علیه السلام)

تو عارف اولیا شناسی عباس

تندیس وفا، صفا شناسی عباس

درگوشه پرچمت نوشتی با خون

عبدالصالح، خداشناسی عباس[[53]](#footnote-53)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ای از همــه انبیــا درودت ای روح ائمــه در وجـودت[[54]](#footnote-54)

عالـم همه بـر در تـو سائل فرزنــد علــی!‌ ابوالفضائل!

شمشیر حسین و شیر حیدر سر تا بـه قدم حسین دیگـر

رخسـار تـو مـاه آل هـاشم خـود میـرسپـاه آل هـاشم

عشق از نفست وضو گرفته خـون از رخـت آبرو گرفته

اوصـاف تو بهترین عبادت هر روز تـو را شـب ولادت

پاینده ز توست تـا قیـامت توحیـد و نبـوت و امـامت

ایثـار، چـراغ مکتـب تـو دانش زده بوسه بر لب تو

شد علم ز دور شیرخواری با شیر بـه سینۀ تو جاری

تو علم پدر بـه سینه داری تا عرش خـدا زمینه داری

ای دست علی در آستینت آیینــۀ کبــریــا جبینـت

تـو تشنه و آب را حیـاتی مصبـاح سفینةالنجـاتی

ای قلب حسین حـائر تـو زهرا شب جمعه زائـر تـو

فرزند دو فاطمه اباالفضل نازد به تو علقمه اباالفضل

تـــو آیــنۀ خـــدانمـــایی تــو پشـت ولــی کبریایــی

عالــم همــه یــادوارۀ تــو هــر روز بــود هــزارۀ تــو

مدح تو کنـد امام سجّاد این قدر و شرف مبـارکت باد

پـرواز تـو در همــه زمان‌ها با خیـل مـلک در آسمـان‌ها

توحیــد، تمــام سیــرت تو سرمشـق همـه بصیـرت تو

وقتـی کـه میـان آب بودی لبخند به تشنگـی گشـودی

دریـا بـه وفـات آفرین گفت در وصف تو آب، این‌چنین گفت

حقـا کـه تـو نجــل بوترابی لـب‌تشنـۀ تشنگــی در آبی

دریا ز غمت به پیچ و تاب است داغ لب تـو به قلب آب است

تنهــا نــه ز آب درگـذشتی یک لحظه ز جان و سر گذشتی

دست و سر و چشم تو فدا شد تقـدیم بــه حجـت خـدا شد

ای ســورۀ آیــه‌آیــۀ نــور وی صحن و سرات، قبلۀ طور

دست همگـان بـه دامـن تو قــرآن ورق ‌ورق تــن تــو

میراث شجاعتت زحیدر ارث ادبـت بـــود ز مـــادر

دنیا بـه هـزار رنگ و نیرنگ بگـرفت ز حیلـه راه تو تنگ

آورد خــط امـــان بــرایت کز جان جهـان کنـد جدایت

او را ز درت بـه خشم راندی در یاری دوست جان فشاندی

پیوستـه حسین را تـو دستی تا حشـر بـر او بــرادر استی

هرچند که هستی‌ات فدا شد دست و سرت از بدن جدا شد

روزی کـه امـام عصـر آیـد بـر خلــق، ره فـرج گشـاید

می‌بینمت ای حسین را یـار آن روز تویـی بر او علمـدار

آن روز تـو بـا لوای نصری صاحب علم امـام عصـری

"میثم"به ثنات خو گرفته از خــاک تـو آبـرو گرفته[[55]](#footnote-55)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ای بام صبح، خورشید، ای شب، سحر مبارك

در دامن ستاره، قرص قمر مبارك

بر گلبن ولایت یاس دگر مبارك

طوبی ثمر مبارك، دریا گهر مبارك

میلاد ماه آمد، خورشید راه آمد

یوسف ز چاه آمد، میر سپاه آمد

شمشیر آل هاشم، شیر حسین و حیدر

دریای معرفت را در كف گهر ببینید

بعد از طلوع خورشید قرص قمر ببینید

شیر خدا علی را، شیر دگر ببینید

در ماه روی عباس، روی پدر ببینید

روح فتوت است این، جان محبت است این

دریای غیرت است این، سقای عترت است این

دادند بوالحسن را امشب حسین دیگر

گلبوسة ولایت، بر چشم و فرق و دستش

ناخورده شیر، دادند، پیمانة الستش

شد در نگاه اول، وقف حسین هستش

از اشك شوق لبریز، شد جام چشم مستش

از عشق رنگ و بو داشت، در مهد های‌ و هو داشت

با یار گفتگو داشت انگار آرزو داشت

ناخورده شیر، گردد، قربانی برادر

امّ ‌البنین گرفته، در دست ماهپاره

ای آسمان بیفشان، در مقدمش ستاره

آغوش یار بر او، گردیده گاهواره

گوید هزار نكته، چشمش به یك اشاره

من جان نثار یارم، سر روی دست دارم

این قلب بی‌قرارم، این چشم اشكبارم

از گاهواره روحم، در كربلا زند پر

در هر نی وجودم، آوای نی نوایی است

شورم همه حسینی، عشقم همه خدایی است

جانم، تنم، وجودم، دستم، سرم، فدایی است

عالم همه بدانند، عباس كربلایی است

ایثار دین و دینم، زخم است زیب و زینم

مرگ است نور عینم، من عاشق حسینم

كو مرگ تا بگیرم، او را چو روح در بر

دریای سرخ غیرت، روح وفاست عباس

خون حسین یعنی، خون خداست عباس

عشاق جان به كف را، فرمان رواست عباس

باب الحوائج خلق، مشكل گشاست عباس

مهر و وفاش عادت، دلداده‌اش عبادت

از لحظة ولادت، تا لحظۀ شهادت

عشق حسین در دل، شور حسین در سر

ناخورده شیر مادر، زد ساغر بلا را

در مهد ناز می‌دید، صحرای كربلا را

خوشتر ز شیر نوشید، صهبای سرخ لا را

از لحظۀ ولادت، بشنید این صلا را

تو كشتۀ ولایی، تو عاشق بلایی

عطشان بحر لایی، سقای كربلایی

زیبد كه بوسدت دست، شیر خدا مكرر

تا حشر می‌درخشد، در موج بحر، نامت

در عین خشك كامی، دریاست تشنه كامت

حسرت برند عشاق، در حشر بر مقامت

از اولیا درودت، از انبیا سلامت

خون برادر تو، جوشد به پیكر تو

از پای تا سر تو، زهراست مادر تو

بهر شفاعت آرد، دست تو را به محشر

ای تشنۀ لب تو، آب حیات، عباس

باب المراد عباس، باب النجات، عباس

گردیده دور قبرت، آب فرات، عباس

خون خدات فرمود، جانم فدات، عباس

خوی حسین خویت، روی حسین رویت

چشم حسین سویت، میثم گدای كویت

لطفت نمی‌گذارد، او را برانی از در[[56]](#footnote-56)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

صفحات امکان به هلال شعبان ز نگاه رضوان شده دلرباتر

ز تبسم گل ز نوای بلبل خبرم رسیده ز بهار دیگر

دو پسر عطا شد به دو مام والا دو قمر خدا داد به رسول و حیدر

دو یم عنایت دو مه هدایت دو بزرگ آیت دو نکو برادر

صلوات حیدر صلوات احمد صلوات قرآن صلوات داور

به جلال هر دو به جمال هر دو به کمال هر دو شب و روز و هر دم

به زمین اگر چه به سما اگر چه سخن از حسین است و ولادت او

به نگاه دیگر به دو دست حیدر بنگر به عباس و ارادت او

به اخّوت او به فتوّت او به بزرگی او به سیادت او

به محبّت او به مودّت او به شهامت او به رشادت او

به حقیقت او به ولادت او به عبادت او به شهادت او

صلوات خالق صلوات مخلوق صلوات عالم صلوات آدم

ثمر ولایت به ریاض قرآن به گل و بهاران به شجر مبارک

به سما ستاره کند این اشاره که طلوع خورشید به سحر مبارک

به سما مبارک به زمین مبارک به ملک مبارک به بشر مبارک

شب عید عباس به حسین تبریک گل روی فرزند به پدر مبارک

به ادب مبارک به وفا مبارک به جهاد تبریک به ظفر مبارک

ادب و وفا و ظفر و جهادند هم از او مشرف هم از او مکّرم

به کدام مضمون به کدام منطق لب خود گشایم به ثنای عباس

نه دُّر است قابل نه گهر مقابل خجلم که ریزم چه به پای عباس

همه های و هویم که شده هوائی دل بی هوایم به هوای عباس

همه کربلایم ز بلای عشقش همه نینوایم به نوای عباس

به صفای عباس به وفای عباس به ندای عباس به خدای عباس

که محبتش را که ولایتش را که مودّتش را ندهم به عالم

همه لحظه گوشم پی گفتگویش همه عمر چشمم به خیال رویش

چه شود غباری ببرم زخاکش چه شود که جامی زنم از سبویش

من و خاک کویش من و آب جویش من و های و هویش من و عطر و بویش

به شرار قهرش به نگاه مهرش به صفای خلقش به خصال و خویش

به جبین و دستش به دو چشم مستش به بهار حسنش به شکنج مویش

نگهم دهد جان به تمام امکان اگر او نگاهی فکند به من هم

هله ای که زیبد ز مقام و رفعت به جهان حسین دگرت بخوانم

تو که به زمهری، تو که به ز ماهی به کدام جرأت قمرت بخوانم

به خدا که زیبد به وفا و عشق و ادب و شهامت پدرت بخوانم

لب خود بشویم به گلاب و آنگه به رسول و زهرا پسرت بخوانم

به حسین یاور به حسن برادر به علی فروغ بصرت بخوانم

شرف و ولایت ز تو جلوه کرده کمر شجاعت به تو گشته محکم

تو علی شمایل تو حسن خصایل تو ابوالفضائل تو گره گشائی

تو جهان فروزی تو به سینه سوزی تو به جسم جانی تو به دل صفائی

تو سپهر غیرت تو امید عترت تو شفیع امّت به صف جزائی

تو بزرگ مردی تو دوای دردی تو محیط مهری تو یم وفائی

تو امیر لشکر تو شهید داور تو عزیز حیدر تو پناه مائی

ز تو درد درمان ز تو زخم مرهم ز تو شعله لاله ز تو نار خرّم

به خدای منّان به تمام قرآن که به سینه شوق حرم تو دارم

اگرم که بر رو بود آبروئی زصفای خاک قدم تو دارم

چه غم از نشورم چه غم از صراطم چه غم از جحیمم که غم تو دارم

شرف عیان را شرر نهان را به خدا ز لطف و کرم تو دارم

دل آسمانی گهر معانی دم مدح خوانی ز دم تو دارم

به ریاض حسنت به بهشت رویت که برون زکویت نروم مسلم

به جلال داور به دل پیمبر به نماز زهرا به خلوص حیدر

به حطیم و کعبه به مقام و زمزم به صفا و مروه به منی و مشعر

به حسین و عباس به زهیر و یحیی به حبیب و مسلم به علیِّ اکبر

به سرشک طفلان به فرات خونین به رباب محزون به علیِّ اصغر

اگرم برانی اگرم بخوانی نروم از این کو، نروم از این در

به تو سر سپردم به تو دست دادم به تو رو نهادم ز تو می زنم دم

تو که می بری دل تو که می دهی جان گهی از تبسّم گهی از نگاهت

تو که روز محشر شهدا سراسر ببرند حسرت به مقام و جاهت

تو که خلق عالم شده هم گدایت شده هم غلامت شده هم سپاهت

چه شود که منّت به سرم گذاری ز غبار کویت ز تراب راهت

زکرم بخوانی من بینوا را که شبی نهم رو سوی بارگاهت

بگشا خدایا ره کربلا را چه به روی عالم چه به روی (میثم)[[57]](#footnote-57)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

گل زهرایی باغ ولایت ، یاس آوردی[[58]](#footnote-58)

صفای بیت خیر الناس خیر الناس آوردی

تعالی الله که امشب یک جهان احساس آوردی

عروس فاطمه بنت اسد عباس آوردی

ز دریا گوهر آوردی ، به گیتی محشر آوردی

ز حیدر حیدر آوردی ، حسین دیگر آوردی

نبی فطرت علی غیرت حسن سیرت حسین سیما

به چشم دل نگاهش کن که تفسیر حسین است این

سراپا پای تا سر کلّ تصویر حسین است این

بنازم هیبت عباسی اش شیر حسین است این

دو تیغ ابرویش گوید که شمشیر حسین است این

جهاد و تیغ سرمستش ، جوانمردی است پابستش

علم دلداده ی دستش ، نثار راه حق هستش

نمی بندد دمی چشم از جمال یوسف زهرا

ادب را زیب و زین است این مبارک باد میلادش

پناه عالمین است این مبارک باد میلادش

علی را نور عین است این مبارک باد میلادش

علمدار حسین است این مبارک باد میلادش

ملاحت محو گفتارش ، سماحت عکس رخسارش

شجاعت مست پیکارش ، عبادت کلّ رفتارش

جمال چارده معصوم در ماه رخش پیدا

گل عباسی است و بوی ختم المرسلین دارد

شهامت ، دست ، بازو از امیرالمؤمنین دارد

ارادت را ، ادب را ، ارث از امّ البنین دارد

بحق دست امیرالمؤمنین در آستین دارد

کرامت سائل کویش ، مروّت آبی از جویش

وفا توصیفی از خویش ، علی چون گُل کند بویش

ببوسد چشم و رخسار و جبین و بازوی او را

دل از فرزند زهرا برده چشم نیم باز او

سرافرازان عالم تا قیامت سرفراز او

سروش نینوا دارد نوای دلنواز او

پیام ظهر عاشورا در آهنگ حجاز او

به لب شیر و به کف جانش ، نگه بر روی جانانش

شفاعت عهد و پیمانش ، شهادت عید قربانش

زمام مهد ناز او به دست زینب کبری

زهی عزت زهی غیرت زهی اجلال و آقایی

نگردد جمع جز در او علمداری و سقایی

ز دریا تشنه لب آید برون با چشم دریایی

تو گویی آب هم می کرد در چشمش دل آرایی

که ای عباس من آبم ، مرا دریاب بیتابم

که کامی از لبت یابم ، ببین از خجلتت آبم

بریز از لعل لب آبی به قلب آتش دریا

بنازم تشنه کامی را که با لبهای خشکیده

به دریا از سرشک دیده ی خود آب بخشیده

درون موج ، تصویر امام خویش را دیده

نه دست از آب شسته از حیاتش چشم پوشیده

ببین رسم اخوت را ، تماشا کن فتوت را

فتوّت را مروّت را ، وفا ایثار غیرت را

که دیده تشنه لب از بحر پا بیرون نهد سقا

درود آب بر عباس و بر ایثار و ایمانش

سلام بحر تا صبح جزا بر کام عطشانش

به خشم بحر توفنده ، به چشم ابر بارنده

که تا هستی است پاینده ، از او دریاست شرمنده

زهی غیرت ، زهی غیرت ، زهی ایمان ، زهی تقوا

مگر در عالم هستی دوباره حیدری آید

و یا در این جهان ام البنین دیگری آید

که چون عباس ، ثاراللهیان را رهبری آید

برای کربلا میر شجاعت پروری آید

پدر مدحت گرش گردد ، فلک دور سرش گردد

ملک خاک درش گردد ، ولایت رهبرش گردد

امامت متکی بر او شود در ظهر عاشورا

....

زهی هاشم که چون تو در بنی هاشم قمر دارد

امیرالمؤمنین نازد که مثل تو پسر دارد

ز ایثار تو پیش از صبح میلادت خبر دارد

بهشت وحی می نازد که با خود این ثمر دارد

کلامت آیت محکم ، پیامت منجی آدم

حریمت قبله ی عالم ، مزارت کعبه ی «میثم»

جمالت تا صف محشر چراغ روشن دلها[[59]](#footnote-59)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

الا اى مادر باب الحوائج[[60]](#footnote-60)  
تويى تاج سر باب الحوائج  
تويى سرچشمه جود و سخاوت  
كه هستى مصدر باب الحوائج  
بيا امشب كه چشمت گشته‏ روشن  
ببر ما را بر باب الحوائج  
بخوان ما را در اين ميلاد عباس  
غلام و نوكر باب الحوائج  
بگو از اين عزيز آل حيدر  
بگو در مقدمش از حال حيدر

على بار دگر زيور گرفته  
عطا از حضرت داور گرفته  
ببوسد دستهاى نازنينش  
چو اين نوزاد را در بر گرفته  
اگرچه نيست زهرا هست زينب  
برادر را بغل خواهر گرفته  
حسين و مجتبى مدهوش اويند  
كه دل از هر دل و دلبر گرفته  
كريمى حسن در دستهايش  
كه او را ذوالكرم كرده خدايش

كسى همپايه آن با وفا نيست  
كسى مانند او اهل دعا نيست  
به پيشانى نشان سجده دارد  
دلى چون او گرفتار خدا نيست  
به كامش ريخته علم لدنى  
اگر چه اوج علمش بر ملا نيست  
بدون نام او سوگند بر عشق  
كه نامى از حسين و كربلا نيست  
«ز بس از خود نشان داده كرامت  
دلم باور ندارد او خدا نيست

خدايى خدا در دست عباس  
تمام ماسوى سرمست عباس[[61]](#footnote-61)»

مقامش در سما باب‏ الحسين است  
براى انبياء باب الحسين است  
تمام اختيار عشق با اوست  
كه از سوى خدا باب‏ الحسين است  
اگر از حضرت زهرا بپرسى  
بگويد پور ما باب‏ الحسين است  
ز خاك علقمه گرديده معلوم  
كه او در كربلا باب‏ الحسين است  
چو سقّا بود اما تشنه آب  
«بنفسى انت» بر او گفته ارباب

«حماسه آفرين كربلا اوست  
امير دومين لافتى اوست[[62]](#footnote-62)»

نشد شمشير در دستش بگيرد  
عيان سازد همان شير خدا اوست  
حريم علقمه در ياد دارد  
عزيز حضرت خيرالنساء اوست  
بگويد مشك پاره پاره با ما  
عطش گويد به عالم با وفا اوست  
به وصفش اين كلام آخر بيان‏ است  
عموى حضرت صاحب ‏زمان است[[63]](#footnote-63)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

رسیده لحظه ی زیبای پرواز[[64]](#footnote-64)

که سرمستی دلها گشته آغاز

به لطف حضرت باب الحوائج

دوا می گردد امشب کل امراض

در اقیانوس چشمان رئوفش

تلاطم می کند امواج اعجاز

به روی نوکران ... با لطف سقّا

شده دروازه ی لطف خدا باز

شبیه آذری ها دم گرفتم:

"ابالفضل عاشقی مشگلده قالماز[[65]](#footnote-65)"

بیا و درد دل ها را دوا کن

شبی هم حاجت ما را روا کن[[66]](#footnote-66)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل سوم ؛ میلاد امام سجاد (علیه السلام)

نشیب های دل من فراز می خواهد[[67]](#footnote-67)

فراز اشک مرا در نماز می خواهد

مؤید است به روحُ القُدس قلم اما

برای شعر سرودن نیاز می خواهد

برای سفره ی بازش نیامدم اینجا

گدای این در، آغوش باز می خواهد

اگر چه این دو شب از جام کربلا مستم

دلم دوباره شراب حجاز می خواهد

پیاله ای بدهیدم که دم زنم حق را

دوباره زنده کنم قصه ی فرزدق را

نسیم پنجم شعبان ز راه آمده است

صدای پای بهاران ز راه آمده است

ببین بدون پیمبر بدون جبرائیل

دوباره آیه ی قرآن ز راه آمده است

میان بیشۀ شیران هاشمی امشب

غزال عرصه ی ایمان ز راه آمده است

فقط نه اینکه ز راه آمده عزیز عرب

عزیز دختر ایران ز راه آمده است

شب تولد فرزند شاه دختر ماست

زبان مادری او زبان کشور ماست

کسی که شد ششمین نور سورۀ انسان

کسی که خسته شد از سجده های او شیطان

کسی که هست تجلی پنج تن در او

کسی که شد پدر هشت قبله ی ایمان

کسی که با نفس یک غلام ساده ی او

نفس گرفته زمین مدینه از باران

کسی که موقع انفاق بین سائل ها

ملقّب است دل شب به صاحب انبان

به حق او حجر الاسودی شهادت داد

که جز به حق علی وا نکرده است دهان

به حیرت است کنار حَجر دو چشم هشام

ز اهتمام خلایق به احترام امام

بخوان که ضبط کند آسمان صدایت را

صحیفه پخش کند بعد این نوایت را

برای این که بخوانیم «لا تؤدّبنی»

بخوان برای ابوحمزه ها دعایت را

تو با زبان خدا حرف می زنی آخر

چگونه یاد بگیریم ربنایت را

بیا و بعد دعا روضه هم بخوان آقا

بیا و شرح بده داغ کربلایت را

بیا بگو چه کشیدی تو در چهل منزل

بگو که بست به زنجیر دست و پایت را

کسی که حرف خدا و کتاب می آورد

کنار یک سر تشنه شراب می آورد[[68]](#footnote-68)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

نسیم آمد این بار از خوش مسیری[[69]](#footnote-69)

رسانَد به ما مژده ی دلپذیری

خبر خوش خنک کرد کام زمین را

بهاری شد این خطّه ی گرمسیری

به یک خانه ی ساده کنج مدینه

چه زائرسرایی چه مهمانپذیری

به دامان شه بانویی آسمانی

چنین مادر پاک و روشن ضمیری

به ارباب دلها خدا هدیه داده

چه شمس الضّحایی چه ماه منیری

اماما تو خود زینت عابدینی

پناه و امید صغیر و کبیری

کریمی، عزیزی، امیری، بزرگی

امامی، رئوفی، صبوری، بصیری

تو خود خانه ی کعبه را مستجاری

به درگاه ایزد اگر مستجیری

تو عطر اقاقی در این خاکدانی

تو گرمای عرفان در این زمهریری

تو بُغض غریب دعای کمیلی

تو روح بلند دعای مجیری

مقام رفیع تو را غبطه خوردند

همه کهکشانهای این راه شیری

تو دریای صبری، تو موج وقاری

تو علم لدنّی، تو خیر کثیری

تو سبزینه ی برگ شاداب عصمت

تو خود میوه ی بوستان غدیری

دعا را تو یاد ابوحمزه دادی

چه می شد که دست مرا هم بگیری

زبور است آری بر آل محمد

کتاب صحیفه به آن بی نظیری

تو سیراب سرچشمه های دعایی

تو از باده ی سرخ سجاده سیری

معلم تویی؛ از تو آموخت شیعه

ولایت مداری ولایت پذیری

به وقت خطابه بسی سربلندی

به گاه عبادت گهی سر به زیری

جسارت نباشد سؤالی بپرسم

چرا در جوانی بدین مایه پیری

چهل سال گریه تو را پیر کرده

چرا چلّه ی اشک باید بگیری

تویی یادگار غم اهل خیمه

تویی دفتر خاطرات اسیری

تو با دست بسته به همراه زینب

رسالات خون خدا را سفیری

تو تب کردی و صبر کردی و گفتی:

حسینٌ امیری و نعم الامیری

نشد تا که در بزم نامردم شام

سر خویش یک لحظه بالا نگیری

به جالوتیان سنگ داود بودی

خوشا این شجاعت، زهی این دلیری

اماما مدد کن به صحرای محشر

ز ما استغاثه ز تو دستگیری

گدای شمایم که تقدیرم این شد

تو را شاهی و نوکران را فقیری[[70]](#footnote-70)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ای که خورشید جمالت پرتو افشانی کند

عالمی را جلوه ات زیبا و نورانی کند

تو همان خورشید تقوائی که عرش و فرش را

از فروغ و جلوۀ تو حق چراغانی کند

جای دارد رهگذارت را ز گلهای بهشت

جبرئیل از عالم بالا گل افشانی کند

ای بهشتی رو عجب نبود اگر رضوان خلد

از جنان گرد سرت اسپند گردانی کند

می زند لبخند بر رویت حسین بن علی

تا تماشا در رخت آیات قرآنی کند

امشب از یمن قدوم با شکوه تو حسین

هرکجا سائل بود دعوت به مهمانی کند

زینت عبادی و شایسته باشد تا خدا

نام زین العابدین را برتو ارزانی کند

شب همه شب بر دعا و نغمه ات مرغ سحر

گوش جان را می سپارد تا غزلخوانی کند

سر زند از چشم تو تا عرش یک رنگین کمان

هر زمانی دیده ات را اشک بارانی کند

هیچ کس را با چنین تقوا ندیدم غیر تو

سجده های خویش را اینقدر طولانی کند

ای شهید زنده جز تو کیست بعد از کربلا

تا از این گلشن به اشک خود نگهبانی کند

شمع جمع محفل امروز مائی و ز ما

غیر تو فردا چه کس رفع پریشانی کند

کوثر توفیق می خواهد ز درگاه خدا

تا «وفائی» درمدیح تو ثنا خوانی کند[[71]](#footnote-71)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مژده ای شیعه که باشد شب میلاد امشب

پا نهاده به جهان حضرت سجاد امشب

شهربانو بکند فخر به نسوان جهان

که خدا طرفه گلی ناز به او داد امشب

مرحبا پنجم شعبان شد و روز صلوات

زین بشارت دل عشاق بود شاد امشب

ای گدایان به در حضرت زهرا بروید

عیدیانه[[72]](#footnote-72) دهد آن مادر عباد امشب

کاخ ظلم از برکات قدمش ویران امشب

خانه آل امیه شده بر باد امشب

دوش رو بر به سجاد ((کلامی)) می گفت

باد ای ساجد حق خانه ات آباد امشب[[73]](#footnote-73)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*  
هر دیده ای به دیده ی گریان نمی رسد[[74]](#footnote-74)  
فصل خزان به فصل بهاران نمی رسد  
در بین گریه حاصل ما رشد می کند  
باران بدون سیل به پایان نمی رسد  
یک جا اگر تمامی خلقت گدا شود  
نقصی به آستان کریمان نمی رسد  
روزی ما کم است که مصحف نخوانده ایم  
عیب از کریم نیست که مهمان نمی رسد  
بفرست سمت دشت غلام سیاه را  
یک چند وقتی است که باران نمی رسد  
کیسه به دوشی تو اگر کار هر شب است  
این پینه های شانه به درمان نمی رسد  
ما مستمند کیسه ی خیراتی توأیم  
ذاتاً فقیر آن کرم ذاتی توأیم  
  
آقای من! حریم تو از عرش برتر است  
با این که خاکی است، بهشت معطر است  
عادت نموده ایم به این گنبدی که نیست  
حیف از حریم تو که بدون کبوتر است  
با تربت حسین به «تسبیح» می رسیم  
این تربت حسین عجب بنده پرور است  
اول فدایی قدمت مادر تو بود  
پس مادرت به تو ز همه با وفاتر است  
تو یادگار فاطمه بودی برای او  
حالا که شد فدای تو عالم فدای او

یعقوب کربلا! چه قدر گریه می کنی  
«از صبح زود تا به سحر گریه می کنی[[75]](#footnote-75)»  
یعقوب را که غصه ی یوسف شکست و تو  
داری برای چند نفر گریه می کنی  
وقتی که چشم هات می افتد به معجری  
حق داری ای عزیز اگر گریه می کنی  
از صبح تا غروب فقط نیزه می زدند  
داری به «قتل صبرِ» پدر گریه می کنی  
چشمت چرا ضعیف شده بی رمق شده  
یعقوب کربلا چقدر گریه می کنی؟!  
با دیدن اسیر کجا می رود دلت؟!  
با دیدن فقیر کجا می رود دلت؟![[76]](#footnote-76)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل چهارم ؛ میلاد حضرت علی اکبر (علیه السلام)

هرگز ندیده چشم فلک چون تو دلبری

پور حسین فاطمه و روح پروری

لب وا کنم به مدح کدامین صفات تو

کز حدّ وهم و فهمِ خلائق تو برتری

ای آفتاب عارض تو گفتگوی مهر

مه راست آرزو که به رویش تو بنگری

از خاندان عصمتی و نسل بوتراب

در بحر علم و حلم و شجاعت شناوری

نی فرشیان بسان تو دیدند گوهری

نی عرشیان چو روی تو دیدند اختری

آن قامت است نی به حقیقت قیامت است

سرو بلند قامتِ بستان حیدری

خویت حسن، جمال دل آرای تو حسن

در خَلق و خُلق و منطق خود، چون پیمبری

مرآت مرتضائی و هنگام کارزار

والله یک تنه دو سپه را برابری

چون راه می روی به نظر پای تا به سر

چون آینه مقابل زهرای اطهری

یوسف خطاب گر کنمت مدح یوسف است

کز صد هزار یوسف مصری فراتری

من روسیاه و غرق گناهان بی شمار

تو... کشتی نجات به دریای محشری[[77]](#footnote-77)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

پسران جلوه بیشتر دارند همگی خصلت از پدر دارند[[78]](#footnote-78)

پدرانی که دل به حق دادند مهر اولاد در جگر دارند

...

همه خانواده زهرا دور خود چند تا قمر دارند

نوه های عشیره حیدر همه جنگاورند و سردارند

با علی این پسر بزرگ شده که شبیه پدر بزرگ شده

دست لیلا بهار آورده دامن افتخار آورده

اسدالله زاده این مادر واقعا ذوالفقار آورده

به گداهای شهر مژده دهید پسری سفره دار آورده

گفت ام البنین به لیلا که فاتح کارزار آورده

هر کجا رو به سوی میدان برد خصم رو به فرار آورده

عمه اش مشک و مجمر اسفند دور این گاهوار آورده

عمه اش شادمان تر از همه است یار، رو سوی یار آورده

دور گهواره اش عجب حالی است جای مادر بزرگ او خالی است....

ربنا ربنا کنیم همه همه شکر خدا کنیم همه

حضرت شاهزاده آمده است نیت کربلا کنیم همه

باید از خاک پاش برداریم دل خود را بنا کنیم همه

علی اکبر حضور غرق خداست خویش را مبتلا کنیم همه

دسته جمعی از این حسینیه عزم پایین پا کنیم همه

آمده اشک حسرت ارباب عرض تبریک حضرت ارباب[[79]](#footnote-79)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

امشب به شباب رهبر آمد میلاد علی­اکبر آمد

در ماه نبی علی عیان شد یا آمنه را پیمبر آمد؟

یا فاطمه باز مجتبی زاد؟ یا آن که حسین دیگر آمد؟

خورشید حسین و ماه لیلا با چهرۀ نور گستر آمد

از گلبن سبز عشق و ایثار بوی گل و عود و عنبر آمد

از مدح ملک بسی نکوتر از وصف بشر فراتر آمد

در دامن کعبه ولایت امروز دوباره حیدر آمد

عقلی که به دیده­اش توان دید روحی که بود مصور آمد

با دیدن او عزیز زهرا جان دگرش به پیکر آمد

از دامن مادری مکرم زیبا پسری مطهر آمد

آئینۀ روی احمد است این سر تا به قدم محمد است این

ای بحر شرف، گهر مبارک وی نخل کمال، بر مبارک

بر چرخ ادب، ستاره و در بر برج ولا، قمر مبارک

در حسن بشر، ملک گرامی با خوی ملک، بشر مبارک

بر شیر خدا و بر حسینش دیدار پیامبر مبارک

مرآت جمال دادگر باد بر حجت دادگر مبارک

در باغ نبوت و ولایت سر سبزترین شجر مبارک

از این شجر همیشه سر سبز بر آل علی ثمر مبارک

فرزند بدین جلالت و قدر بر مادر و بر پدر مبارک

زینب شده بود پای بستش عباس گرفت روی دستش

این حسن نبی است یا رخ اوست این تیغ علی است یا دو ابروست؟

این رشته جان ماست یا زلف این سلسله دل است یا موست؟

این قامت اوست یا قیامت یا سرو بلند بر لب جوست؟

زیبائی انبیا خلاصه در مصحف روی آن خدا روست

هم چار امام محو رویش هم ختم رسل وِ را ثناگوست

در بر بگرفته همچو جانش از بس که حسین داردش دوست

رویش همه را چراغ ایمان کویش همه را بهشت مینوست

گلبوسه باب برجبینش هر چیز به جای خویش نیکوست

از او نشوم جدا اگر چه دشمن کند از تنم جدا پوست

خاک در اوست آبرویم هر جا که روم کنار اویم

ای یوسف مصر عشق بازی عشق از تو نموده سرفرازی

افتاده به پات سربلندی گردیده گدات بی­نیازی

یوسف به ثنات لب گشوده در مصر به نغمۀ حجازی

از ماست هماره چاره جوئی از توست همیشه چاره سازی

رخسار تو شمع دلفروزی لبخند تو روح دلنوازی

بر دادن جان به راه جانان پیش از شهدا پیشتازی

بی فیض محبت تو باشد یک عمر نماز، بی نمازی

جز عشق تو ای حقیقت عشق عشق دگران، بود مجازی

لبخند تواز شب ولادت با قلب حسین کرده بازی

اوصاف تو را حسین گوید ما را نرسد زبان درازی

تنها نه علی اکبری تو زهرا و حسین و حیدری تو[[80]](#footnote-80)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

عطر خدا دوباره در عالم وزیده است[[81]](#footnote-81)

کاسه بیاورید که باران چکیده است

امشب خدا دوباره زمین را بهشت کرد

این هم ز برکت قدم نورسیده است

خورشید بهر بوسه زدن بر قدوم او

از آسمان بسوی مدینه دویده است

سجده بیاورید به شکرانه عاشقان

امشب خدا دوباره علی آفریده است

حال تمام هاشمیان خوب و عالی است

صد حیف جای حضرت صدیقه خالی است

گرچه حسین بود به مادر شبیه تر

اکبر ولی شده به پیمبر شبیه تر

جمع علی و احمد و زهراست این پسر

جاریست مثل رود به کوثر شبیه تر

عباس مرتضای دگر بود تاکنون

اکبر ولی شده ست به حیدر شبیه تر

در بین خاندان علی چون عموی خویش

بازوی او به شیر دلاور شبیه تر

ای غنچه های لب همه وقت شکفتن است

وقت مدینه رفتن و تبریک گفتن است

یوسف کجاست یوسف زهراست این پسر

یونس کجاست مونس دلهاست این پسر

عیسی کجاست تا که بگیرد نفس از او

موسی کجاست ماه دلاراست این پسر

از یک طرف شبیه ترین به پیمبر است

از یک طرف شبیه به مولاست این پسر

مثل عموی خویش حسن با سخاوت است

از بسکه با کرامت و آقاست این پسر

در اوج گریه ساکت و آرام می شود

آن لحظه ای که خیره به سقاست این پسر

...

کرببلا رسید ودلش بیقرار بود

روی عقاب حیدر دلدل سوار بود

مانند رعد و برق به قلب سپاه زد

لشکر نگو بگو همه جا تار و مار بود

اکبر نگو بگو اسدالله کربلا

تیغش که هیچ هیبت او ذوالفقار بود

سربند یا علی به سرش بسته بود پس

روز تمام لشکریان شام تار بود

هرکس که در مقابل او صف کشیده بود

با دیدنش هر آینه فکر فرار بود

از این طرف کنار حرم عمه زینبش

پیش حسین خسته و چشم انتظار بود

یک مرتبه زعالم بالا خبر رسید

آقا برس که عمر عزیزت به سر رسید**[[82]](#footnote-82)**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل پنجم ؛ میلاد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

آفرینش از گل نرگس گلستان است امشب

آسمان دریا ولی دریای غفران است امشب

سامره سرسبزتر از باغ رضوان است امشب

گام گامش بوسه گاه حور و غلمان است امشب

گوش جانم این شنفته جبرئیل وحی گفته

قوموا ای دلهای خفته لاله نرگس شکفته

قبله کن بیت الحسن را تا ببینی ذوالمنن را

گوش شو تا بشنوی مدّاحی روح الامین را

چشم شو تا بنگری آئینه حق الیقین را

سرو بستان تمام لاله های باغ دین را

طفل دلبند عروس رحمة للعالمین را

پای تا سر داور است این یا مگر پیغمبرست این

حیدر است این، حیدر است این، یا حسین دیگر است این

یا که نرگس در بغل بگرفته چون زهرا حسن را

هستی از نور خدا شد نائره با یاد مهدی

لحظه‌ها دارند صدها خاطره با یاد مهدی

لاله افشانده بتول طاهره با یاد مهدی

کعبه می‌گردد بدور سامره با یاد مهدی

شاهد مقصود آمد، جود بخش جود آمد

حجت معبود آمد، مهدی موعود آمد

انجمن انجم شده جوئید ماه انجمن را

بوی گل در بوستان می‌آید از پیغام نرگس

زنده گردیدند خونین لاله‌ها از نام نرگس

حُلّه‌های نور پوشاندند بر اندام نرگس

نور مهدی می‌رود بر آسمان از بام نرگس

آسمان‌ها چون ستاره، گرد آن دارالزّیاره

زائر آن ماه پاره، تا مگر با یک اشاره

غرق در موج نگاه خود کند چرخ کهن را

محو او شد مست او شد هم ملاحت هم حلاوت

لاله را گفتا قضاوت کن قضاوت کن قضاوت

سرو دیدی گل فشاند؟ گل سخن بر لب براند؟

نسترن هستی ستاند؟ یاسمن قرآن بخواند

من به چشم خویش دیدم گرم قرآن یاسمن را

ای هزاران آفرین بر حُسن از حُسن آفرینت

ای زده گلبوسه وجه الله اعظم بر جبینت

ای به گرد شمع رخ پروانه جبرئیل امینت

کعبه عمری چشم در راه صدای دل نشینت

پر گشا و دلبری کن، رخ نما روشنگری کن

سر بر آر و سروری کن، داوری کن داوری کن

داوری کن تا بر آری ریشه نخل فتن را

رخ نما ای یوسف گم گشتة کنعان کعبه

جلوه کن ای آفتاب حُسن از دامان کعبه

بازآ تا بازگردانی به پیکر جان کعبه

سر برآور تا به سرآید غم هجران کعبه

ای خدا پیدا ز ذاتت ای ملک محو صفاتت

ای همه حجّاج ماتت کعبه مشتاق صلاتت

بر سر پا نه که تقدیم تو سازم جان و تن را

آفتاب عالم آرایی نمی‌دانم کجایی

دور از مائی و با مائی نمی‌دانم کجایی

در دل جمعی و تنهایی نمی‌دانم کجایی

پیش من با من هم آوایی نمی‌دانم کجایی

تو امام عالمینی، جان جانی عین عینی

سامره یا کاظمین، زائر قبر حسینی

کعبه را گردم به شوقت یا مزار بوالحسن را

ای خزان دین بهار از فیض چشم اشکبارت

ای بسان لاله‌ها دل‌های خونین داغدارت

ای معطّر آفرینش یاد گلهائ بهارت

مصلح عالم بیا ای عالمی چشم انتظارت

وارث ملک نبوّت سرو بستان مروّت

مشعل بزم اخّوت گوهر بحر فتوّت

کی شود عدل تو گیرد هم زمین را هم زمن را

تا بکی از لاله‌های باغ خون عطر تو بویم؟

تا بکی با اشک هجران گرد غم از رخ بشویم؟

تا بکی در اشک خود گم گردم و روی تو جویم؟

تا بکی نادیده وصف روی زیبای تو گویم؟

ای بخاکت جان فدایی، از تو زیبد مقتدایی

تا بکی اشک جدایی؟ بت زند لاف خدایی

کن برون از آستین یکباره دست بت شکن را

چشم شیعه پر بود از اشک گوهر بار تا کی؟

آه زهرا آید از بین در و دیوار تا کی؟

صوت جدت بر سر نی از لب خونبار تا کی؟

شیعه بر مظلومی اسلام گرید زار تا کی؟

سینه ها را آه تا کی؟ پشت پرده ماه تا کی؟

هجر وجه الله تا کی؟ یوسف اندر چاه تا کی؟

پاک کن از دیدگان «میثمت» اشک مَحَن را[[83]](#footnote-83)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

باز قدسی نفسان زمزمه پرداز شدند

به سوی سامره آماده پرواز شدند

چهره ها با گل لبخند همه باز شدند

بلبلان چمن حُسن در آواز شدند

نور شادی به زمین و به فلک موج زند

از فلک تا به زمین فوج ملک موج زند

باز هم شاهد غیبی به شهود آمده است

پیک شادی به سلام و به درود آمده است

چه وجودی است که اکنون به وجود آمده است

این خبر چیست که جبریل فرود آمده است

محشری گشت بپا گر که قیامت کردند

همـه در هاله ای از نور اقـامت کردند

نوری از بیت ولایت شده پیدا امشب

که از او گشته جهان غرق تجلا امشب

همه عالم شده چون وادی سینا امشب

مات از این نور بود دیده موسی امشب

عشق پرسید چرا همهمه برپا شده است

همه گفتند که مهدی است هویدا شده است

بر همه خلق جهان خیر کثیر آمده است

سوره ی نور خداوند قدیر آمده است

به محمد به علی باز نظیر آمده است

هاشمیون همه را ماه منیر آمده است

او بود جنت ما، کعبه ی ما، مقصد ما

خال رخساره ی او شد حجرالاسود ما

هستی از یمن قدومش ز غم آزاد بود

خرم از جلوه او گلشن ایجاد بود

این همان وعده موعود و خداداد بود

هر که شد منتظر مقدم او شاد بود

آری ای اهل ولا موسم دیدار شده

آیت نصــر مــن الله پــدیــدار شده

غرق آیات مبین است رخ رخشانش

شب نشینان سماوات همه حیرانش

عرشیان مات ز قدر و شرف و ایمانش

کرده در عرش خداوند سه شب مهمانش

در سماوات کنون فصل گل و هم عهدیست

میزبان خالق و مهمان عزیزش مهدیست

خیز کز مقدم مولا همگی بنده شویم

همچو گلها ز نسیم سحری زنده شویم

پیرو مکتب آن دولت پاینده شویم

نکند روز وصالش همه شرمنده شویم

دل او را همــه با پیــرویش گرم کنیم

همه درمحضر اوئیم از او شرم کنیم

همه گویند «وفائی» گل توحید کجاست

مروه پرسید کجا کعبه بپرسید کجاست

آن دل انگیزترین مایه امید کجاست

آفتاب دل زهرا گل خورشید کجاست

کاش ما را ز وفا ره به حضورش بدهند

عیدی ما همه را حکم ظهورش بدهند[[84]](#footnote-84)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

شب شکست و نور حق شد جلوه گر

در دل شب پرتو افشان شد قمر

خاک پای او همه در و گهر

آمد آنکه از پی اش آید سحر

نام او همنام ختم المرسلین

وارث علم امیر المومنین

آمده مشکل گشای دیگری

کوثری دیگر ز نسل کوثری

حیدری با جلوه ی پیغمبری

احمدی با جلوه های حیدری

شد ز بوی نرگسی اش سینه مست

وز جمالش دیده ی آیینه مست

عالم امشب جان پر احساس داشت

عطر نرگس جلوه های یاس داشت

عسکری در خانه، خیرالناس داشت

در بغل آیینه ی عباس داشت

سامرا شد رشک جنات برین

شد بهشت دیگری روی زمین

در رکابش عالمی حلقه به گوش

برده خالش از دو عالم عقل و هوش

دشمن حیدر بگو دیگر خموش

خون حیدر در رگش اندر خروش

در میان معرکه باشد چنین

هم علی و هم یل ام البنین

هر نفس با یاد دلبر می زند

در هوایش مرغ دل پر می زند

چون گدا این خانه را در میزند

می ز جام پور کوثر می زند

فاش می گویم امامم مهدی است

تا دم آخر کلامم مهدی است[[85]](#footnote-85)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ما را در این شب ها تمنا می نویسند[[86]](#footnote-86)

مجذوب وصف و وصل لیلا می نویسند

من قطره ای ناچیزم اما مطمئنم

آخر مرا هم پای دریا می نویسند

ایل و تبارم را که نوکر می نویسند

ایل و تبارت را که آقا می نویسند

امشب برای ما کمی باران بخواهید

هر آنچه می گویی همان را می نویسند

این طاق نصرت ها که بالا رفته ما را

پروازهای رو به بالا می نویسند

چشم من و دست کریمت مهربانا

امشب صدایت می زنم من یا ابانا

باید فراق و سوختن باشد همیشه

در به دری از مرد و زن باشد همیشه[[87]](#footnote-87)

پیغمبرانه دلبری کن مثل اینکه

باید اویسی در قرن باشد همیشه ...

آواره ی صحرا نماییدم چه باک است

مجنون اگر دور از وطن باشد همیشه

بی یوسفش تا کی دمادم چشم یعقوب

دلخوش به بوی پیرهن باشد همیشه

من خواستم ذکر نمازم تا دم مرگ ...

یا بن الحسن یا بن الحسن باشد همیشه

اصلا میان ما دو تا باید همیشه

حرف حسینِ بی کفن باشد همیشه

امشب سخن از جمکران جایی ندارد

جز کربلا این دل تمنایی ندارد[[88]](#footnote-88)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

امشب دل بیدارم دارد سحری دیگر

وز زمزمه ام بر دل ماند اثری دیگر

در سامره می بینم قرص قمری دیگر

وز بیت ولا بر لب دارم خبری دیگر

از نسل علی آمد خیر البشری دیگر

یا آمنه آورده پیغامبری دیگر

طوبا ثمر آورده سینا شجر آورده

چشم همگان روشن نرجس پسر آورده

من رحمت بی حد را در سامره می بینم

من خلد مخلّد را در سامره می بینم

من جلوه ی سرمد را در سامره می بینم

من عبد مؤیّد را در سامره می بینم

من طلعت احمد را در سامره می بینم

من حسن محمّد را در سامره می بینم

ای منتظران خیزید با خصم در آویزید

در مقدم مهدی گل از پارۀ دل ریزید

ای گمشده پیدا شو پیدایش حق را بین

آیینه شو و آنگه آئینه ی یکتا بین

رخسار دو صد یوسف در آن رخ زیبا بین

بالای دو صد آدم در آن قد و بالا بین

هم نوح پیمبر را در دامن دریا بین

هم موسی عمران را در وادی سینا بین

در یک رخ زیبا بین خوبان دو عالم را

خوبان دو عالم نه پیغمبر خاتم را

امشب من و دل گشتیم در کوی گل نرگس

برگرد گل روی دلجوی گل نرگس

خُلق نبوی دیدیم در خوی گل نرگس

خوردیم شراب نوراز جوی گل نرگس

تا روی خدا دیدیم در روی گل نرگس

دل گشته بهشت گل از بوی گل نرگس

ای دسته گل نرگس از مات سلام الله

ای زینت هر مجلس از مات سلام الله

پیوسته درود از ما بر نرجس و مولودش

بر نرجس و مولودش بر مهدی موعودش

بر مهدی موعودش بر حجّت معبودش

بر حجّت معبودش بر مقصد و مقصودش

بر مقصد و مقصودش بر سیرت محمودش

بر سیرت محمودش لطف و کرم و جودش

لطف و کرم و جودش حکم و سخن و عزمش

حکم و سخن و عزمش تیغ و عَلَم و رزمش

مهر رخ دلجویش هنگام سحر تابید

روشنتر و زیباتر از قرص قمر تابید

از قلب ملک سر زد در چشم بشر تابید

گفتی یم هستی را پاکیزه گهر تابید

چون شعله به کوه طور از شاخ شجر تابید

هنگام طلوع فجر بر دست پدر تابید

در طلعت او دیدند آئینه ی احمد را

مانند علی می خواند قرآن محمّد را

اوّل سخن توحید از خالق اکبر گفت

هم حمد الهی کرد هم وصف پیمبر گفت

هم آیه ی قرآن خواند هم مدحت حیدر گفت

هم نام امامان را تا خویش سراسر گفت

از ظاهر و باطن گفت از اوّل و آخر گفت

آنگه به زبان دل آن حجّت داور گفت

من شاهد و مشهودم من حجّت معبودم

من مقصد و مقصودم من مهدی موعودم

من طوطی گویای گلزار شهیدانم

من روشنی چشم بیدار شهیدانم

من آینه سرخ رخسار شهیدانم

من محیی ایثار و آثار شهیدانم

من وارث مظلوم انصار شهیدانم

من منتقم خون سالار شهیدانم

گلواژه ی جاء الحق بر دست جهانگیرم

نقش زهق الباطل بر تیغه شمشیرم

حق وعده به من داده تا ملک جهان گیرم

بر دوست امان بخشم از خصم امان گیرم

مهر آرم و خشم آرم جان بخشم و جان گیرم

یار همگان باشم داد همگان گیرم

در سلک شبان آیم در کعبه مکان گیرم

حلقوم ستمگر را در پنجه چنان گیرم

تا نقش زمین گردد اهریمن خود کامی

و ز ظلم و ستم هرگز باقی نبود نامی

ای روی تو نادیده دل برده ز دلداران

ای کار تو پنهانی یاری ز همه یاران

بشکفته دل از نامت چون لاله که در باران

از جام تولاّیت سر مستی هوشیاران

بازآ که براندازی بنیاد ستمکاران

با تیغ تو ریزد خون از سینۀ خونخواران

خورشید رخت در ابر پوشیده چرا مهدی

ای کعبۀ دل رویت از کعبه درآ مهدی

ای با همگان مونس ای در همه جا تنها

ای بی تو ز خون دل دریا شده دامن ها

تا چند زمام دین در سلطه ی رهزنها

تا چند جهان لبریز از گریه و شیون ها

تا چند خزان حاکم در دامن گلشن ها

تا چند بود قرآن بر نیزه ی دشمن ها

ای نالۀ مظلومان در گوش تو یا مهدی

ای پرچم ثارالله بر دوش تو یا مهدی

بازآی که بنمائی بر ما رخ زیبا را

بازآ که کنی از عدل پُر عرصه ی دنیا را

بازآ که همه بینند آن روی دل آرا را

بازآ که کنی پیدا دو گمشدۀ ما را

هم تربت محسن را هم تربت زهرا را

حیف است نبیند عبد رخسار تو مولا را

من «میثم» این کویم اوصاف تو را گویم

اوصاف تو را گویم تا وصل تو را جویم[[89]](#footnote-89)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

یک شب كه عشقت باز از دل در گذر شد[[90]](#footnote-90)

نام تو را بردم پیا پى تا سحر شد

تا صبحدم آن شب به یادت گریه كردم

هر قطره اشكم در پى تو در سفر شد

قابل نبودم تا جمالت را ببینم

امّا قسم بر تو كه شوقم بیشتر شد

شد علّت دورى من از تو، عُیوبم

دل مبتلا هر روز بر عیب دگر شد

هر بار آهم شد مؤثّر بر دل تو

كار بدى كردم كه آهم بى اثر شد

خود واقفم یارى ز من بدتر ندارى

دست ولایت از سر من بر نداری

زاده شدم تا با غم خوبان بمیرم

زشتم، به پایت، خوبتر از جان بمیرم

خواهم به محرابم به هنگام نمازم

یا در تلاوت كردن قرآن بمیرم

آلوده باشد دیده‏ام اما مدد كن

در موقع جان دادنم گریان بمیرم

سلطان عشق آید به بالینم بگوید

خوش آمدى، با دیدنش عطشان بمیرم

من دوست دارم مرگ را با دیدن تو

هر غصّه را با لحظه ‏اى خندیدن تو

من دوست دارم تا حضورت را ببینم

مستى ایّام ظهورت را ببینم

اى عابر پس كوچه‏ هاى دل كجایى؟

خواهم متانت در عبورت را ببینم

من دوست دارم در شعاع نورِ پاكت

سر خوردگى خصم كورت را ببینم

منّت كش عالم نگردم لحظه‏ اى من

در خانه ی دل گر حضورت را ببینم

اى حاضر و ناظر به اعمالم، كجایى؟

گریه مكن دیگر به افعالم، كجایى؟

اى گمشده در كوچه ‏هاى غفلت دل

اى گوهر نشناخته در حیرت دل

اى سفره دار آفرینش بى‏نگاهت

شد رزق ما محدود، رفته بركت دل

ما را براى انتظارت آفریدند

ممزوج شد با انتظارت فطرت دل

جانا به راه عشق تو، ایمان ببازیم

یادى ز ما كن تا بیادت جان ببازیم

اى آیه ‏ها صبح و مساء در انتظارت

قرآن، مناجات و دعا در انتظارت

دست خدا، دیگر به در از آستین شو

اى ذوالفقار مرتضى در انتظارت

اى ذرّه‏ هاى آفرینش بى قرارت

مروه، صفا، زمزم، منا در انتظارت

كو پرچم هل من معین آل زهرا؟

اى سرزمین كربلا در انتظارت

اى شارع احكام دین برگرد برگرد

اى رشته حبل المتین برگرد برگرد

گویند مى‏آیى ولى مُردیم، بازآ

در شام هجران تو افسردیم، بازآ

بى تو صفا از زندگى‏ها رخت بسته

از دل طراوت رفت، پژمردیم، بازآ

عشق على و شیعه‏گى جرم است، آرى

ارثِ غریبى از على بردیم بازآ

طعنه‏كِش ایّام هجران تو گشتیم

ما خونِ دل در خونِ دل خوردیم، بازآ

بشنو تمناى دل بیچارگان را

گرچه تو را صد بار آزردیم، بازآ

ما مُجرمیم امّا تو خوب و با گذشتى

دیدى بدى از ما فزون، امّا گذشتى

نور خدایى تو، به بدخواه تو لعنت

بدرالدّجایى تو، به بدخواه تو لعنت

سر تا قدم تصویر قرآن خدایى

شمس الضّحایى تو، به بدخواه تو لعنت

هر جا كه هستى، جانِ ما، جانت سلامت

اصلِ بقایى تو، به بدخواه تو لعنت

بین قنوتت یك دعا بهر گدا كن

روح دعایى تو، به بدخواه تو لعنت

بر سرزمین قلب عشّاق حسینى

فرمانروایى تو، به بدخواه تو لعنت

اصلِ ولایت در وجودت منجلى شد

لعنت به هر كس مُنكرِ آل على شد

بگذار تا چشم انتظار تو بمانم

بگذار من هم بى قرار تو بمانم

جان را به كف بنهاده و سوى تو آیم

اذنم بده تا جان ‏نثارِ تو بمانم

جانم سپر گردد تو را در هر بلایى

گردم فدایى، پاى كار تو بمانم

ننگت نباشم، گُل شوم بر سینه تو

تا زنده‏ام در انتظار تو بمانم

از حق بخواهم «تا مرا پاكم نمایى» [[91]](#footnote-91)

در كربلا با دستِ خود خاكم نمایى[[92]](#footnote-92)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بخش هشتم ؛ گلچین مجالس مداحان

فصل اول ؛ میلاد امام حسین (علیه السلام)

ترک 01ـ شعر[[93]](#footnote-93)

چشم تو گشت و از همه ما را خطاب کرد

لطفش بلند باد که کار ثواب کرد

هر کس که بندگی تو را انتخاب کرد

او را نگاه مادرت عالیجناب کرد[[94]](#footnote-94)

گفتیم بعد حضرت زهرا حسین جان

آشفته زلفم و شب طوفانم آرزوست

کنعانم آرزوست، سلیمانم آرزوست

یک بار از لب تو حسن جانم آرزوست

با خون رقم زنم که دو سلطانم آرزوست

امشب بیا بزن رگ ما را حسین جان[[95]](#footnote-95)

مست است آن که بر در میخانه ایستاد

مرد است آنکه تا ته پیمانه ایستاد

سر نیست آن سری که روی شانه ایستاد

بر پای عشق جز تو که مردانه ایستاد

کو نیست غیر زینب کبری حسین جان

تو می رسی و با تو خبرها یکی یکی

لبخند می زنی به پسرها یکی یکی

افتاده اند پیش تو سرها یکی یکی

با ماه هاشمیت قمرها یکی یکی

عباسَ نوکرم شب فردا حسین جان

شعرم رسیده است به ابیات آذری

هر کیم الر محضر آقام نوکری

زهرا الر خادم عباس مادری

زینب واری نقد ابالفضل یاوری

نقش اولدی روی بیرق سقا حسین جان

ما پیر می شویم شبیه حبیب تو

امشب سلام ما به لب بی نصیب تو

ما را که کشته است صدای غریب تو

شبهای جمعه ایم پر از بوی سیب تو

جان خواستی به چشم بفرما حسین جان[[96]](#footnote-96)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02ـ شعر[[97]](#footnote-97)

ای همه پیغمبران کنید از جا قیام

نهید رو با شعف به بیت خیرالأنام

همه به ذکر و دعا همه به عرض سلام

که روی دست نبی حسین دارد مقام

مسیح در هر نفس کلیم در هر کلام

زنند دم از حسین به اشتیاق تمام

شب سرور خداست جهان پر از این نداست

ظهور نورالهدی است حسین روحی فداست

جهان اسلام بود در آرزوی حسین

رسول اکرم زند خنده به روی حسین

ام ابیها کشد شانه به موی حسین

گشوده شیر خدا دیده به روی حسین

گرفته دین آبرو از آبروی حسین

نهند پیغمبران جبین به کوی حسین

حسین فوزالعظیم حسین نور مبین

حسین عین الحیوة حسین حق الیقین

نهاد پا در جهان امام عفو و کرم

ز مقدمش آمده مدینه رشک ارم

صورت زیبای او سوره ی نون و القلم

به آبرویش قسم به خاک کویش قسم

که ما نبودیم و او به ملک دل زد قدم

به هر دلی ساخته خدا برایش حرم

حسین یار دل است گل بهار دل است

به مهر او دل خوشم که عشق کار دل است

نفس از او دم از او نشاط از او غم از او

او ز رسول خدا رسول اکرم از او

تمام او از خدا تمام عالم از او

حیات عالم از او نجات آدم از او

حسین خود قلب ماست قلوب ما هم از او

منم که تا روز حشر تمام هستم از او

قعود یعنی حسین قیام یعنی حسین

سجود یعنی حسین سلام یعنی حسین[[98]](#footnote-98)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03ـ شعر[[99]](#footnote-99)

ای آسمان عصمت شمس الضحی مبارک

ای وسعت دو عالم نور خدا مبارک

ای انبیاء مبارک ای اولیاء مبارک

زهرا، علی، محمد، عید شما مبارک

حق الیقین خوش آمد نورالهدی خوش آمد

بر پیکر ولایت، خون خدا خوش آمد

لبریز شد ز کوثر پیمانه ی محمد

با دست حق شکفته ریحانه ی محمد

تابیده از دو دریا دردانه ی محمد

قرآن نهاده صورت بر شانه ی محمد

مرآت داور استی جان پیمبر استی

چشم بد از رخش دور انگار حیدر استی

آیینه ی الهی از عرش اعظم آمد

مسجود پیش از آدم از صُلب آدم آمد

برخاتم نبوت الحق که خاتم آمد

روح مصور آمد جان مجسم آمد

امشب رسول صورت از اشک شوق شوید

در موج اشک و لبخند جانم حسین گوید

این است آن که خوانند پیغمبران امامش

این است آن که گوید ذات خدا سلامش

این است آنکه قرآن زنده است با قیامش

این است آنکه در عرش مشهور بود قیامش

دوش رسول جایش بر چشم عرش پایش

کار خدا سنایش جان جهان فدایش

اشک محبت اوست آب حیات امت

خوانند از الستش باب نجات امت

مقبول با ولایش حج و ذکات امت

مردود بی نگاهش صوم و صلاة امت

گل بوسه های احمد گل کرده بر وجودش

عرش خدای رحمان بالیده بر سجودش

تنهای عالم است او عالم همه سپاهش

خورشید وام گیرد از بنده ی سیاهش

پیغمران به محشر محتاج یک نگاهش

برکعبه می کند ناز زَوّار بارگاهش

نیل و فرات و زمزم لب تشنه ی لب او

تا حشر آفرینش مدیون زینب او

ای رحمتت هماره ای بحر بی نهایت

تو کیستی که داری بر انبیاء ولایت

هم کشتی نجاتی هم مشعل هدایت

از ما همه توسل از تو همه عنایت

هر چند لحظه ای دل از تو جدا نکردیم

حق ولایتت را هرگز ادا نکردیم

هر چشمه پر ز اشک است یک بحر رحمت او

تا صبح روز محشر هر روز نهضت او

حور و ملک تبرک جوید ز تربت او

حتی شهادت او باشد ولادت او

اطراف حائر او می گردد استجابت

از خاک زائر او روید گل اجابت[[100]](#footnote-100)

هم وجه کبریایی هم جان مصطفایی

هم جان مصطفی هم جانان مصطفایی

هم روی دست و سینه قرآن مصطفایی

هم بین حق و باطل فرقان مصطفایی

رخ وجه کبریایت آئینه ی خدایت

در عالم غریبی خلقند آشنایت

بی مهر تو عبادت غیر از زیان ندارد

بی خون حنجر تو ایمان روان ندارد

بی زخم پیکر تو اسلام جان ندارد

گر تو سخن نگویی قرآن زبان ندارد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04 ـ شعر[[101]](#footnote-101)

تا آبشار زلف تو را شب نوشته اند

مارا اسیر خال روی لب نوشته اند

در اعتکاف گیسوی تو سال های سال

مشغول ذکر و سجده و یا رب نوشته اند

در محضر نگاه الهی تو مرا

در خیل نوکران مهذب نوشته اند

شبهای جمعه که دل من مست کربلاست

از اشتیاق وصل لبالب نوشته اند

با یک نگاه مادرت اینجا رسیده ایم

با این دلی که فاطمه مذهب نوشته اند

«از هرچه بگذریم سخن دوست خوش تر است[[102]](#footnote-102)»

مارا فدای دلبر زینب نوشته اند

من را که بی قرار حرم می کنی بس است

اصلا مرا غبار حرم می کنی بس است

شرط نزول کوثر رحمت دعای توست

اصلاً تمام خلقت عالم برای توست

بالاتری ز درک تمام جهانیان

وقتی که انتهای جهان ابتدای توست

بی حب تو کسی به سعادت نمی رسد

رمز نجات اهل زمانه ولای توست

آسوده خاطران هیاهوی محشریم

وقتی رضای حضرت حق در رضای توست

فردوس ماست تا به ابد روضة الحسین

تنها بهشت اهل ولا کربلای توست

در آستانة تو کسی نا امید نیست

صحن امیر علقمه دارالشفای توست

 از ابتدای صبح ازل فضل میکنی

ما را گدای دست اباالفضل می کنی

 وقتیکه هست دوش نبی آسمان تو

یعنی تو از پیمبری و او از آن تو

فرزند خویش را به فدای تو کرده است

بسته ست جان حضرت خاتم به جان تو

معلوم کرد نزد همه حرمت تو را

با بوسه های دم به دمش بر دهان تو

فرمود هفت مرتبه تکبیر عشق را

تا بشنود ترنم عشق از زبان تو

 آوای«من أحب حسینا» وزیده است

هر روز پنج مرتبه از آستان تو

 ما از در حسینیه جایی نمی رویم

هستیم تا همیشه فقط در امان تو

هر شب نشسته فطرس اشکم به راه عشق

آنجا که صبح می گذرد کاروان تو

این اشکها برای دلم توشه می شود

اذن طواف مرقد شش گوشه می شود

از همان روز که از دامن مادر زادم

بود زخمت به جگر نعمت مادر زادم

بوده ام هیچ و همه بود و نبودم از توست

آن زمانی که نبودم به غمت دل دادم

سالها بود که در بند تعلق بودم

از زمانی که اسیر تو شدم آزادم

هرچه دارم همه از پاکی مادر دارم

رحمت حق به روانش که حسینی زادم

پیش از آنی که پدر جانب مکتب بَرَدَم

الف قامت عباس تو شد استادم[[103]](#footnote-103)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05ـ سرود[[104]](#footnote-104)

داره میاد بوی گل شقایق شده شب دیوونه های عاشق

منم و دل دم ساحل دریا دو سه شبه منتظر یه قایق

قایقی که مارو به دریا می کشونه ما رو به کشتی نجاتت می کشونه

حضرت صدیقه ی طاهره نذرت آقا وان یکاد آیة الکرسی می خونه

دارم پر رهایی تو دلم غم نداره جایی

به دور تو پر حور و پری همه مشغول گدایی

آروم و قرارم حسین بن علی ماه شب تارم حسین بن علی

دار و ندارم حسین بن علی

دارم همه ش یه آرزو تو سینم دوباره اون حرمتُ ببینم

می خوام ازت تا که بیام ای آقا رو به روی ضریح تو بشینم

قبله نگو قبله ی من ایوون طلاته آخر آسمون همون پایین پاته

هرکی میره خونه ی بخت خوشبخت شه اما خونه ی بخت من فقط کرب و بلاته

با شهپر فرشته روی قلبم خدا نوشته

کرب و بلا نگو بگو خود خود خود خود بهشته

آروم و قرارم حسین بن علی ماه شب تارم حسین بن علی

دار و ندارم حسین بن علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ سرود[[105]](#footnote-105)

امشب تو بین الحرمین خبر عشقه فاطمه مادر و علی پدر عشقه

اگه دست به دعا بگیریم قول کرب وبلا بگیریم

مثل فطرس شفا بگیریم

بخدا چی بهتر از این که زیارت بشه تضمین

زیارت شاه کربلا آرزومه آرزومه آرزومه

خدا می دونه اسم شما توگلومه توگلومه توگلومه

اسفند می سوزونه براش زینب عقیله ساقی ما رو دوست دارن از هر قبیله

بزنید نغمه ی یا هو بکشید کوچه رو جارو

شفا می خوام علمش کو

علم فرزند حیدر شیر نَر مانند حیدر

الهی به زیر قدمات من بمیرم من بمیرم من بمیرم

توی ضریح قاب چشات جا بگیرم جا بگیرم جا بگیرم

از کربلا پر بگیریم راهی شیم مدینه امامی که معروف به قبله نشینه

ذکر هر روزتُ عشقه سحر و سوزتُ عشقه

نماز و روزه اتُ عشقه

دلمُ پرنده کردی وقتی به من خنده کردی

نوای دل دیوونه ام ذکر عرفانی یا زین العباده

آرزومه یک سحر بیام تا مدینه یک سفر پای پیاده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07ـ سرود[[106]](#footnote-106)

دیوونه ی دیوونم می خونم نغمۀ دل آگاه السلام علیک یا اباعبدالله

از زمین تا به ثریا تا دل سفیدِ ابرا دشت و کوه دامن و صحرا

خشکی و جنگل و دریا هرچی که هست توی دنیا

حال مجنون حال لیلا

انگار امشب یه جور دیگند همه دارن ذکرتُ میگن

گلایی که تو گلدونه صدا دونه های بارونه دل دیوونه ها می خونه

یا حسین یا حسین

دوباره شب مهتابه نور خدا داره می تابه شب تولد اربابه

یا حسین یا حسین

حسین حسین بخدا دل تو دلم نیست

حسین حسین عاشقم دست خودم نیست

دیوونه ی دیوونم می خونم نغمه ی دل آگاه السلام علیک یا اباعبدالله

برای دلای شیدا اومده حضرت آقا به روی دامن زهرا دمیده خورشید مولا

اومده شفای دلها نغمه و دعای دلها

به هوای دیدن دلبر مرغ روح ما می زنه پر

مدینه چه گل بارونه لبای علی خندونه قناری داره می خونه

یا حسین یا حسین

نوای شب می خونه ساغر و لب پیمونه باده توی خم می خونه

یا حسین یا حسین

حسین حسین سیر نیمه نگاتم

حسین حسین من همون غلام سیاتم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08ـ سرود[[107]](#footnote-107)

اسم تو از زبون مادرم شنیدم اربابی من به خوبی شما ندیدم[[108]](#footnote-108)

نوکری تو به کل عالم نمیدم

دل دیوونه مستته که زندگیم تو دستته خاطرت برام عزیزه

غلام خونه زادتم روز و شبم به یادتم مادرم برات کنیزه

تو سر و سامونمی برکت خونمی عزیز تر از جونمی اربابم اربابم

حسین آقام آقام آقام آقام

...

جوونیمو دادم و عشقتو خریدم مزه ی عشقُ سر سفرتون چشیدم

نوکریتُ به کل عالم نمیدم

سینه زناتُ دوست دارم گریه کناتُ دوست دارم بخدا صفاتُ عشقه

هرکسی که عزیزته اونی که چای ریزته همه نوکراتُ عشقه

پائیزم بهارمی تو دار و ندارمی یه عمره کنارمی اربابم اربابم

حسین آقام آقام آقام آقام

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09ـ شور[[109]](#footnote-109)

مست می ناب شدم دوباره بی تاب شدم

امشب اون شبی که صاحب ارباب شدم

شاه و سرورم حسین صاحب کرم حسین

کاش تا نفس دارم تنها بگم حسین

منت رو سرم بذار ارباب من یه بار

تو بین نوکرا اسم منم بیار

اربابم تولدت مبارک اربابم اربابم

حضرت والا حسین عزیز زهرا حسین

میشه عاقبت بخیر هرکی باشه با حسین

اسم تو مقدسه عشقت برام بسه

حرف دلم همون حرفای عابسه

ای آب و گل و سرشت معنی سرنوشت

شیش گوشه ی توئه شیش گوشه ی بهشت

اربابم تولدت مبارک اربابم اربابم

اول و آخر حسین شفیع محشر حسین

کاش از باب قبله من سلام بدم بر حسین

کاش مارُ نگاه کنی حاجت روا کنی

باز زینبیه رُ راهش رُ وا کنی

رو دستام یه پرچمه چشمام یه زمزمه

امشب دلم پی رزق محرمه

اربابم تولدت مبارک اربابم اربابم

فطرس و ببین داره پر می گیره برگ آزادی از این در می گیره

منم از گناه پرام سوخته شده چشم من به دست تو دوخته شده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک10ـ شور[[110]](#footnote-110)

ای عشق شور انگیز ای شور آتش خیز

مجنون مجنونم مستونه می خونم

من با تو آرومم بی تو سرگردونم

ای عشق شور انگیز ای شور آتش خیز

تو یاس و یاسینی من محتاج و غمگین

تو ذکر جان بخشُ من دست بی جونم

ای عشق شور انگیز ای شور آتش خیز

تو دلدار نازُ آهنگ پروازُ

من بی دست و پا و درگیر زندونم

ای عشق شور انگیز ای شور آتش خیز

تو مثل بارون و من مثل پاییزم

تو مثل رویا من از حسرت لبریزم

من افتاده از پا لطفی تا برخیزم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11ـ شور[[111]](#footnote-111)

امشب که شب دلدادگی و مستورگی مجنون شدنه

امشب ستاره از عشق حسین تا دم صبح چشمک می زنه

رو دامن طاها خوابه گل مولا لالایی زهرا یابن علی لالا

بین آسمونا بی تابن پریا میخونن یه صدا

حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

بی همگان به سر شود بی تو به سر نمی شود

عشق تو دارد این دلم جای دگر نمی شود

من همه دار و ندارم تویی آقا اونی که زیر پاش سر می ذارم تویی آقا

خدای عاشقا امیر عالمین خوش اومدی حسین

حسین حسین حسین

حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

کم کم که داره از یاد لبش حسرت به دلش زمزم می زنه

نم نم رو گلا از رایحه لبخند حسین شبنم می زنه

نور خدا اومد ذکر شفا اومد ذکر جنون ما دیوونه ها اومد

ای سرمنزل عشق شکل کامل عشق تنها ساحل عشق

دوباره شد سرم هوایی حسین رو سینه حک شده فدایی حسین

تا روز حشر رهبر آزادگیست خون جوانان او جوهر آزادگیست

خاک شهیدان او مظهر آزادگیست قامت عباس او محور آزادگیست

قتلگه ش تا ابد سنگر آزادگیست پیکر صد چاک او منظر آزادگیست

پیرو او کیست کیست کسی که آزاد زیست بنده ی درگاه او جز به خدا بنده نیست

حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

من مجنونم تو لیلایی من رو خاکم تو بالایی

تو زهرا و تو مولایی تو طاها و تو آقایی

بی تو زندگی حرومه بی تو کار من تمومه با تو بودنم تمومه

آبرومه آرزومه

خدای عاشقا امیر عالمین دوست دارم حسین

حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

تویی که خدای دلهایی تویی که برای همۀ عاشقا دنیایی

تویی که آبروی همۀ ماها جلوی علی و زهرایی

تویی که غمای ما رو می دونیُ تویی که دلای ما رو می خونیُ

تویی که برای ماها می مونیُ تویی که تویی که تویی که آقایی

خدای عاشقا امیر عالمین دوست دارم حسین

حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

شاه عرفات کشتی نجات جانم به فدات عالم به فدات

رو کرده خدا هرچی که داره رحمت می باره پیش قدمات

بی تو گرفتارم ماه شب تارم قلبم پریشونه از بس دوست دارم

عشق تو رو دارم اسمت تاج سرم آقایی تو بِرَم

حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل دوم ؛ میلادحضرت اباالفضل (علیه السلام)

ترک 01 ـ شعر[[112]](#footnote-112)

خدا جلوه دارد به پیشانی تو فدای مناجات پنهانی تو[[113]](#footnote-113)

...

به لب آورد جان داوودها را نوای تو الحان قرآنی تو

تو بر کوهسار معارف نشستی زمین تشنۀ دست بارانی تو

حسینیه ای سفره دار حسینی که هر شب بود شامِ مهمانی تو

فراوانی از تو سلیمانی از تو مسلمانی از تو ادب دانی از تو

دعاهای روحانی از تو

به کعبه رجزخوانی از تو احادیث طوفانی از تو

روایات نورانی از تو عنایات سبحانی از تو

نفسهای رحمانی از تو و سلمانی از تو

علی گویی از تو علی خوانی از تو

دل ما و دربار سلطانی از تو

چه خوش سرفرازی چه خوش سر به زیری

امیری حسینٌ و نعم الامیری

طلوع شکوهت بدایت ندارد کرم خانۀ تو نهایت ندارد

نگاه تو قبل از دعا داده حاجت به اظهار محتاج عادت ندارد

به جایی که یوسف دریده گریبان دل ما نیازی به غارت ندارد

از این محشری که به پا کرده پیداست که رنگی به پیشت قیامت ندارد

به چشم تو غیرت به تیغ تو صولت به نامت صلابت به دامن سخاوت

به بازوت قدرت به پای تو همت به دستت کرامت پری از رشادت

شهامت سعادت بصیرت محابت فتوت مروت به میدان مسلط رجزها مسمط

که از برق چشمت همه غرق حیرت تو از آل عصمت تو از بیت عترت

تو قامت قیامت علی در هدایت علی در عنایت علی در قداست

علی در مهارت

و ناد علی دارد از تو حکایت بدون تو عطری محبت ندارد

چنان سرفرازی چنان سر به زیری

امیری حسینٌ و نعم الامیری

....

من از جنس شب های پر التهابم که در بند گیسوی پر پیچ و تابم

اگر بر حریم حرم مستجیرم فقط با نگاه شما مستجابم

من و لطف باب الحوائج همین بس بگو با تو باشد حساب و کتابم

دعا کن حرم آیم و بر نگردم که این عشق کرده است خانه خرابم

خرابم خرابم خراب جوابم تویی انتخابم که عالیجنابم

غم بی حسابم ز داغت کبابم و مشکت عذابم

...

کجایی سحابم کجایی نقابم

دل زینبیه شده قرص با تو که در سایۀ بیرق آفتابم

تو و سرفرازی تو و سر به زیری

امیری حسینٌ و نعم الامیری

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ شعر[[114]](#footnote-114)

بنفسی انت ای سر تا قدم ایثار و آقایی

جمالت با نگاه یوسف زهرا تماشایی

حیا را تا صف محشر حیا از گردش چشمت

خجالت می کشد از ماه زیبای تو زیبایی

گرفته در بغل امبنینت دم به دم گوید

که عباس من از روز ولادت هست زهرایی

امیرالمومنین نفس نبی بوسیده دستت را

که این دست است روز رزم یک لشکر به تنهایی

تو ای سر تا قدم غیرت چه کردی در دل دریا

که بر لبهای خشکت چشم غیرت گشته دریایی

به جز تو ای علی خصلت ندارد هیچ فرمانده

مقام پاسداری و علمداری و سقایی

تو آن ماه دل افروزی که در جمع بنی هاشم

به دنبال سرت خورشید کرده راهپیمایی

تو هم باب المراد عالمی هم اشجع الناسی

تو عباسی تو عباسی تو عباسی تو عباسی

بنفسی انت ای دست علی در آستین تو

شجاعت سجده آورده است بر خاک زمین تو

کی ام من تا فدایی تو گردم ای که در وصفت

بنفسی انت فرموده امام راستین تو

از آن رو سجده می بالد به خود تا دامن محشر

که نقشش مانده ای روح عبادت بر جبین تو

سزد بر خود ببالد تا قیامت ظهر عاشورا

به یاد دست و تیغ و حملۀ فتح المبین تو

امیرالمومنین دست خداوند است و می بیند

که جای بوسه اش مانده به دست نازنین تو

امامت پیش رو خیزد ادب پشت سرت آید

شرافت در یسار تو شجاعت در یمین تو

تو آن عبد خداوندی که در دامان گهواره

تولای حسین بن علی بوده است دین تو

اگر اذن شهادت می گرفتی از امام خود

به دشت کربلا خون می گذشت از صدر زین تو

درود تشنگی بر لب سلام آب بر خاکت

که گردد تا قیامت بحر دور تربت پاکت

سلام الله بر دستی که با آن در صف محشر

شفاعت می کند از شیعیان صدیقۀ اطهر

اگر زهرای مرضیه تو را فرزند خود خوانده

یقین دارم به فرزندی قبولت کرده پیغمبر

سزد جبریل هنگام نبردت ظهر عاشورا

بر آرد از جگر پیوسته فریاد هوالحیدر

تو داری از امیرالمومنین ارث شجاعت را

تو بردی از همان اول ادب را ارث از مادر

تو و بابت امیرالمومنین هستید دو ساقی

تو سقای بیابان بلا او ساقی کوثر

بغیر از تو که سر نشناختی از آب موج خون

که یک لحظه به راه دوست داده دست و چشم و سر

بسا عاشق شنیدم در همه دوران عمر خود

خدا داند ندیدم عاشقی را از تو عاشق تر

گرفتی چون علم بر دوش خود انگار می دیدم

امیرالمومنین آورده رو در قلعۀ خیبر

ندیده دیدۀ تاریخ جز روز نبرد تو

که از یک تن گریزد در صف پیکار یک لشکر

چگونه حمله آوردی که دشمن شد ثناگویت

سلام «میثم» بی دست و پا بر دست و بازویت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ شعر[[115]](#footnote-115)

کار دارند عاشقان با شب بهترين فرصت تمنا شب[[116]](#footnote-116)

مزد امشب نماز فردا شب من مناجات مى­ کنم با شب

شب مناجات مى کند با ماه

 سر ماه «است عمامۀ خورشيد[[117]](#footnote-117)» دست ماه است نامۀ خورشيد

تن ماه است جامۀ خورشيد ماه يعنى ادامۀ خورشيد

مى شود آفتاب شب ­ها ماه

سر و کارم که با سحر افتاد جگر من به دردسر افتاد

خواب در چشم­ ها اگر افتاد بار ما گردن قمر افتاد

همه خوابيده­ اند الا ماه

...

 تاکنار حسين ما رفتيم تا که باب الحسين را رفتيم

با اباالفضل کربلا رفتيم هر کجا رفت و هر کجا رفتيم

جلو انداخت کار ما را ماه

 همه در محضرش وضو دارند از سر کويش آبرو دارند

و توسل به دست او دارند بعد ازين اهل ­بيت عمو دارند[[118]](#footnote-118)

چه عمويي ببين سرا پا ماه

چشم­ هايش همان جلالش باد ماه قربان آن جمالش باد

«صلوات خدا به بالش باد[[119]](#footnote-119)» شير ام­ البنين حلالش باد

کيست عباس؟ کوه، دريا، ماه

بيشتر جلوه مى ­کنى در شب مى شود با تو ديدنى ­تر شب

وقت وصل است وقت آخر شب شب که از راه مى رسد هر شب...

ماه را مى کند تماشا ماه

کوچه کوچه پى گدا مى ­گشت سنگ در دست او طلا مى ­گشت

سايبان سه ­ساله ها مى­ گشت آنقدر بين کربلا مى ­گشت

دور زينب به­ جاى زهرا ماه[[120]](#footnote-120)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ شعر[[121]](#footnote-121)

ای چارم شعبان ز محمد صلواتت

هر روز و شب از خالق سرمد صلواتت

از فاطمه و حیدر و احمد صلواتت

وز خون خدا آمده بی حد صلواتت

دامان تو گلزار دل اهل یقین است

بوی خوشت از دست گل ام بنین است

این یاس که گل کرده به گلخانۀ حیدر

قرآن حسین است سر شانۀ حیدر

آری همه سجده به دردانۀ حیدر

فردوس برد رشک به ریحانۀ حیدر

از پارۀ دل برگ گل یاس بیارید

ناز قدم حضرت عباس ببارید

این قلب حسن جان حسین است ببینید

این سورۀ فرقان حسین است ببینید

این سرو گلستان حسین است ببینید

این ماه درخشان حسین است ببینید

این پیش بلاها سپر یوسف زهرا است

این باب مراد است و در یوسف زهرا است

گرچه صدف ام بنین را گهر است این

بر حیدر و زهرا و پیمبر پسر است این

در محفل ذریّۀ زهرا قمر است این

یا که حسن و یا که حسین دگر است این

این است که حیدر زده گل بوسه به دستش

تقدیم بنی فاطمه گردد همه هستش

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ شعر[[122]](#footnote-122)

روزی شعر من امشب دو برابر شده است  
چون که سرگرم نگاه دو برادر شده است  
چون که بانوی کلابیه پسر آورده  
چشم وا کن پدر خاک قمر آورده  
هر که از قافلۀ فطرسیان جا مانده  
نظرش خیره به گهوارۀ سقا مانده  
زور بازوی تو بی حد و عدد خواهد شد  
بعد از این ام بنین ام اسد خواهد شد  
با وجود تو زمین حیدر دیگر دارد  
کعبه جا دارد اگر باز ترک بردارد  
از در خانۀ او پا نکشیدم هرگز  
چون «حسینی تر از عباس[[123]](#footnote-123)» ندیدم هرگز

کاشف الکرب تویی خنده ارباب تویی  
پدر خاک علی و پدر آب تویی!  
ساقی ما چه شرابی چه سبویی دارد  
بنویسید رقیه چه عمویی دارد

روی چشم «تو بود[[124]](#footnote-124)» جای حسن جای حسین  
هست ما بین دو ابروی تو بین الحرمین

پیش خورشید و قمر سایۀ تو سنگین است  
و فقط محضر زینب سر تو پایین است

وسط جنگ زمین را به زمان دوخته ای  
فن شمشیر زنی را ز که آموخته ای؟[[125]](#footnote-125)!  
\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ سرود[[126]](#footnote-126)

شب مستیم امشب شب خیلی خاصه

هر چی جون دارم امشب تو طبق اخلاصه

شب قدر عاشقای رایه العباسه

سر سال عاشقیمه صد سال به این سالا یاد قدیما می خونم گاهی وقتا

صدای بارون داره میاد یکی غزل خون داره میاد

آی عاشقا خبر خبر یه پهلوون داره میاد

برای شبای دلم ماه اومده بیایید واسه دلا دلخواه اومده

وزیری که به یاری شاه اومده

اونیکه مایۀ آبرومه آقام اباالفضله

بابا حرف حساب یک کلومه آقام اباالفضله

آقام آقام آقام ابا الفضل

شب مستیم امشب شب خیلی خاصه

هر چی جون دارم امشب تو طبق اخلاصه

شب قدر عاشقای رایه العباسه

سر سال عاشقیمه صد سال به این سالا یاد قدیما می خونم گاهی وقتا

طپشای دل من می خونه شب ولادته پهلوونه

زمین و آسمونا رُ دلای دشمنامونُ اسم اباالفضل می لرزونه

توی شبای تنهایی من ماه دل من ماه بنی هاشمه

خدا می دونه آرزوم اینه برم حرم علمداره علقمه

بنام هیبت اباالفضل بنام غیرت اباالفضل

بنام حضرت اباالفضل می ریم زیارت اباالفضل

قمر عشیره آقام اباالفضل

شب مستیم امشب شب خیلی خاصه

هر چی جون دارم امشب تو طبق اخلاصه

شب قدر عاشقای رایه العباسه

سر سال عاشقیمه صد سال به این سالا یاد قدیما می خونم گاهی وقتا

السلام علی ساقی العطاشا قمر اومده از راه بیاید تماشا

دلُ برده غصه مرده به به ام بنین پسر آورده

کشته منو کشته منو چشم سیاه ش

از برق نگاهش شیدا شده این دل

سقای حرم شاه کرم حامی زینب ساقی مودب جانم ابوفاضل

مجنون یاریم مایه بذاریم سقا اومده ساقی بشه مشک بیارید

گر بی قرارید پرچم بکارید اومده علمدار حسین علم بیارید

شب مستیم امشب شب خیلی خاصه

هر چی جون دارم امشب تو طبق اخلاصه

شب قدر عاشقای رایه العباسه

سر سال عاشقیمه صد سال به این سالا یاد قدیما می خونم گاهی وقتا

کسی که یاری مثل تو داره بیاره یه سر زلفتُ تموم عالم نداره

من مست گل یاسم سراپا احساسم

دیوونه ام دیوونه ام دیوونۀ عباسم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ سرود[[127]](#footnote-127)

امشب شب دیوونگیه امشب شب عاشق شدنه

امشب با ابوفاضلم و شب مستیه منه

قبلۀ من شده پرچم و علم

پای پرچم و علم پرپر می زنم

جشن دلدادگی لحظۀ شادیه

همه می دونن دیوونگیمون مادر زادیه

من غلام اباالفضلم مست جام اباالفضلم

من بنام اباالفضلم  
رفع الله رایه العباس

روشن دیگه دنیای غمه عباس ماه شب های منه

عباس صاحب قلب منه آخه آقای منه

من به عشق نگاش دیوونه شدم

با خیال حرم بی خونه شدم

لحظۀ عاشقی جشن آزادیه

همه می دونن دیوونگیمون مادر زادیه

من گدای اباالفضلم من فدای اباالفضلم

خاک پای اباالفضلم

رفع الله رایه العباس

امشب دل من پر می زنه مثل سائلا در می زنه

امشب دل مجنون شده به سیم آخر می زنه

تو اباالفضلی و آقای دلم

ماه آسمونم و دنیای دلم

من خراب غمم وقت آبادیه

همه می دونن دیوونگیمون مادر زادیه

من غلام اباالفضلم مست جام اباالفضلم

من بنام اباالفضلم  
رفع الله رایه العباس

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08 ـ سرود

ماه بنی هاشمیون همینه ماه اومده صورتشُ ببینه

تک یل تک سواره همتا نداره حیدر تباره یا اباالفضل

من تشنه تو سقایی تو فرزند زهرایی

به به به چه آقایی

ساقی و علمدار ابوفاضل ابوفاضل ابوفاضل

وقتی اباالفضل علمش رو دوشه خون علی توی رگاش می جوشه

دل خوشی حرم تو شاه کرم تو تاج سرم تو یا اباالفضل

عشقت دین و دنیامه ذکر تو نفسهامه

صحنت توی رویامه

ساقی و علمدار ابوفاضل ابوفاضل ابوفاضل

دلم به عشق کربلا اسیره

براتُ از دست شما می گیره

زدم به سیم آخر شیر دلاور عباس حیدر یا اباالفضل

تو میدون یه سرداره سقا و علمداره

شور حیدری داره

ساقی و علمدار ابوفاضل ابوفاضل ابوفاضل

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09 ـ سرود[[128]](#footnote-128)

رو دست دریا تصویر ماهُ ببین رو دست حیدر کودک ام بنین

این شبها صدای ارباب آهنگ لالایی شه

می رسه یه روز تو دنیا این آقا سقا میشه

از روز اولم با وفاست عباس عباس عباس

باب الحوائج ما سواست عباس عباس عباس

مثل باباشه پهلوونه عربه پیش داداشش بی همتا تو ادبه

می بینم دل یک خواهر خیلی خوشحاله امشب

غم دیگه نداره وقتی عباسُ داره زینب

هرکس پر از غم و مشکل عباس عباس عباس

ذکرش فقط ابوفاضل عباس عباس عباس

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10 ـ شور[[129]](#footnote-129)

از شرم تو ای مه جبین پشت ابراست ماه زمین

سر زد ماه آل علی چشمش روشن ام البنین

ای خاک پات داروی درد باب حاجات ای مرد مرد

از عشقت عشق شد دوره گرد نور چشمات عین الیقین

چشمت روشن ام البنین

ای سقای فضل و ادب بچه شیر شیر عرب

اومد با تو شمشیر دین چشمت روشن ام البنین

ای فانی در مولای خود ای باقی در اسرای خود

تو مولا و من هم همین چشمش روشن ام البنین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل سوم ؛ میلاد امام سجاد علیه السلام

ترک 01 ـ شعر[[130]](#footnote-130)

مهتابِ شگفت شب طاعات رسیده[[131]](#footnote-131)

خورشید خداوند عبادات رسیده

سر حلقه ای از حلقه ی سادات رسیده

فصل می و مستی و مباهات رسیده

زین بعد چنین بزم مگر خواب ببینیم

لبخند تماشایی ارباب ببینیم

...

ای باغ محبت گل محراب نیایش

عیسی نفسان را نفس ناب نیایش

ای چشمه ی جوشنده ی سیراب نیایش

ای قبله ی تابنده ی ارباب نیایش

ای آینه حی جلی حضرت سجاد

ای زین حسین ابن علی حضرت سجاد

خورشیدترین قبله ی خورشید تویی تو

آسوده ترین ساحل امید تویی تو

عیدانه ترین عید در این باده تویی تو

آن سوی سراپرده ی توحید تویی تو

از روز ازل بود که با چشم تو مستیم

تا جام به دست تو بود باده پرستیم

....

فانوس خیالیم همه در سر راهت

دنبال دل گمشده بر زلف سیاهت

تنها دل ما نیست به دنبال پناهت

جبرییل کبوتر شده در چتر نگاهت

خم را همه با نام تو سر مست شکستند

در عرش به عشق تو سر و دست شکستند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02ـ سرود[[132]](#footnote-132)

دوباره می باره اشکای شوق از چشمام تو سینه می شینه شور شیرین آقام[[133]](#footnote-133)

شب سجاده می دونم دستمُ خدا می گیره

سومین شبه که دنیا بوی کربلا می گیره

منه عاشق امشب دوباره مهمونم منه عاشق اهل حسین آبادم

منه عاشق دیوونه ی اباالفضلم منه عاشق امشب دخیل سجادم

یا علی ابن الحسین یا مولا

میون گهواره خوابیده خورشید عشق رو دست اربابش قرص ماه عید عشق

علی دوم ارباب شده آیینه ی بابا

عمو عباس می خنده وقتی که می خنده لبهاش

منه عاشقم مدیون لطف آقامم منه عاشق از بند غصه آزادم

منه عاشق مهمون سفره ی عشقم منه عاشق امشب دخیل سجادم

یا علی ابن الحسین یا مولا

...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ سرود[[134]](#footnote-134)

علی دوم آمده دل مدینه پر ز نور

به عشق این علی حسین گرفته محفل سرور

بهار خانه ی حسین ذکر ترانه ی حسین

علی علی

مهی که خانه ی حسین ز مقدمش صفا گرفت

مدال زین العابدین به عزت خدا گرفت

عزت هر دو عالمین نور دو چشمان حسین

علی علی

جلوه ی این سه دسته گل مدینه را مدینه کرد

سه عشق پاک و آتشین مکان به طور سینه کرد

مژده به جمع مومنین رسیده زین العابدین

علی علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04ـ شور[[135]](#footnote-135)

هرجا که حرف تو باشه غصه میره تو اگه نباشی دلم باز می گیره

پر می زنه دلای ما تا آسمون به زیر سایه ی شما ماه رمضون

صحیفه ی تو می سازه قلب منو هر روز و شب

نافله ی شبه منه آقا به تو عرض ادب

الهی که آقاجون باشه دلم خونه ی تو

منو همه بدونن اسیر و دیوونه ی تو

قبله ی سیار زمین جلوه ای از حبل المتین یا زین العابدین

انت سرور العارفین انت نجات المذنبین یا زین العابدین

تو مکتب عشق تو زانو می زنم من که با مادر تو هم وطنم

تا که دوتا دست توئه یاورمون ترسی نداره از کسی کشورمون

یه جور دیگه داری عنایت به ما ایرونیا

الهی که ضریح تو ساختن بشه قسمت ما

خداکنه تو بقیع بشم یه روز کارگرت

بگیره دست منو دعای خیره مادرت

ماه امیرالمومنین عشق یل ام البنین یا زین العابدین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل چهارم ؛ میلاد حضرت علی اکبر (علیه السلام)

ترک 01ـ شعر[[136]](#footnote-136)

ای طلعات حق از طلوع تو پیدا[[137]](#footnote-137)

وی زهق الباطل از عدوی تو گویا

ای لمعات نبوت از تو ملمع

ای جلوات امامت از تو مجلا

گرچه پیمبر نِه ای ولی به پیمبر

اشبه ناس آمدی تو خَلقاً و خُلقا

بر سر قبرش گذر مکن که هراسم

رای دهد بر نبوت تو بُحیری

عقل و خرد را به وصف تو طلبیدم

دل به قضاوت دوید و با همه گفتا

بر سرتاج عزیزمصر نویسید

یوسف کنعان غلام یوسف زهرا[[138]](#footnote-138)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02ـ شعر[[139]](#footnote-139)

نیمه شبها سجده بر پروردگارش دیدنیست[[140]](#footnote-140)

خضر در قاب زلال چشمه سارش دیدنیست

مثل وقتی که پیمبر بود با آن احترام

بین مردم در مدینه اعتبارش دیدنیست

دست و دل بازیش رفته به کریم اهل بیت

نور آتش سر در دارالقرارش دیدنیست

خود به استقبال مهمان عزیزش می رود

لقمه ای از دستهای سفره دارش دیدنیست

زندگی هشت معصوم خدا در یک کتاب

حاصل عمر حسین و انتشارش دیدنیست

به به این شاگرد ممتازِ یل امِ بنین

کم ندارد چیزی از آموزگارش دیدنیست

میمنه تا میسره وقتی که جولان می دهد

لشکری از ترس خشم این جوان جان می دهد

با دو ابروی کجش شمشیر بازی می کند

لحظه های غارت دل یکه تازی می کند

انتظار دیگری هم نیست از این طایفه

این پسر مثل پدر بنده نوازی می کند

در مسیر بازگشت از محضر بخشنده اش

سائل احساس سرور و بی نیازی می کند

داده لیلا را ز آقایی خود حس غرور

پایِ این بالا بلندش سرفرازی می کند

وقت قرآن خواندنش چشم حرم بارانی است

شورشی با نغمه ی شور حجازی می کند

بچه ها دل گرم و اهل خیمه خوش وقتی که هست

بین گهواره علی هم خواب نازی می کند

وقت میدان رفتنش کار پدر را ساخته

آتشی بر دامن اهل حرم انداخته

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03ـ شعر[[141]](#footnote-141)

منطقش منطق رسول خدا

در نهیبش ولی صدای علی

پدر ارجمند او فرمود

بس که دارم به دل ولای علی

پسرانِ مرا نباشد اسم

بجز از ع و ل و یای علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ سرود[[142]](#footnote-142)

علی علی علی اکبر بابا خوش آمدی

علی علی علی دلبر لیلا خوش آمدی

ای بی همتاعلی علی علی علی علی

عشق زهرا علی علی علی علی

علی یا علی

تویی تو آمدی حضرت شهزاده اکبری

و یا که سر زده ماه جمال پیمبری

حسین و کربلا هر دو دل آرا و دلبرند

ولی علی علی از دوتاشون دل تو می بری

ای بی همتا علی علی علی علی علی

عشق زهرا علی علی علی علی

علی یا علی

علی اکبری یوسف محبوب کربلا

اسیر عشق توحضرت یعقوب کربلا

اگر عموش شده امیر لشگر برای او

تویی تو یا علی وزیر یعسوب کربلا

ای بی همتا علی علی علی علی علی

عشق زهرا علی علی علی علی

علی یا علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05- سرود[[143]](#footnote-143)

بار دیگر دل به سینه با صفا شد

کوچه کوچه شهر یثرب دلربا شد

صدای شور و غوغا به عشق پور لیلا

زکوی آل هاشم رود تا عرش اعلا

ای گل حیدر شبه پیمبر یا مولا علی اکبر

یا علی اکبر

ماه شعبان آسمان را کن نگاهی

پور زهرا دارد امشب قرص ماهی

ماه حسین بهتر ز هر چه ماه و اختر

همان که اسم نازش بود علی اکبر

ای گل حیدر شبه پیمبر یا مولا علی اکبر

یا علی اکبر

بار الها دست ما را پر عطا کن

قسمت ما مدینه و کربلا کن

خدا به نور مهدی به راه دور مهدی

بیا به رسم عیدی رسان ظهور مهدی

ای گل حیدر شبه پیمبر یا مولا علی اکبر

یا علی اکبر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06ـ سرود[[144]](#footnote-144)

دنیای من به تو وابستگی داره و دنیای تو تب دلواپسی داره و

دنیای من بی تو داغونه

شورعشقت با دل من چه ها کرده و اسمت آقا شده نقش قلب عاشق و

دنیا بی تو مثل زندونه

من بی تاب توام تو دنیای منی

من مجنون توام تو لیلای منی

من از اول بخوای نخوای مبتلاتم من از اول یکی از اون نوکراتم

من از اول دیوونه ی کربلاتم

چشم عالم شده مبهوتِ چشم تو ماه ارباب شده ماه جمال تو و

دنیا مجنون و تو لیلای

تو ارباب دل پاک جوونایی و روی ماهت شده آیینه ی احمد و

تو آروم جون بابایی

ای عشق مادر و ای دنیای حسین

دل بردی از پدر ای لیلای حسین

من از اول دیوونه و جون فداتم من از اول گدای لطف و عطاتم

من از اول دیوونه ی کربلاتم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل پنجم ؛ ولادت امام زمان (علیه السلام)

ترک 01ـ شعر[[145]](#footnote-145)

برخیز که باز هم خدایی باشیم[[146]](#footnote-146)

در حال و هوای کبریایی باشیم

سرمست ز جام آشنایی باشیم

یعنی که مهیّای گدایی باشیم

سلطان کریم انس و جان آمده است

بر خیز که صاحب الزمان آمده است

امشب رخ مهر و ماه همراه ببین

خورشید به شام نیمه ی ماه ببین

...

منقوش بود در آسمان این کلمات

بر ماه رخ حضرت مهدی صلوات

هر چند که در شور و نواییم همه

مشتاق حریم سامراییم همه

از لطف خدا غرق صفاییم همه

در خطه حضرت رضاییم همه

در این حرم انوار خدا می جوییم

تبریک به حضرت رضا می گوییم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02ـ شعر[[147]](#footnote-147)

هر دل شده را بگو فرستد صلوات

خواهد اگر آبرو بگو فرستد صلوات

هر کس صلوات می فرستد یکبار

ده بار خدا بر او فرستد صلوات

عالم شده لبریز ز بوی گل نرگس

ای ماه بزن خنده به روی گل نرگس

جبرییل زند بال به سوی گل نرگس

فردوس شده زائر کوی گل نرگس

ای منتظران شاخه نباتی بفرستید

نذر گل نرگس صلواتی بفرستید

در بزم سحر شمس به جای قمر آمد

وز غار حرا باز رسول دگر آمد

طوبای امید نبوی را ثمر آمد

ای منتظران منتظران منتظَر آمد

این یوسف زهراست شتابید حضورش

باشید همه منتظر روز ظهورش

دامان جهان باز گل ناز شد امشب

صبحی که خبر دادند آغاز شد امشب

با دست خداوند گره باز شد امشب

رازی که خدا گفته ابراز شد امشب

جان هدیه بیارید برای گل نرگس

ریزید گل و لاله به پای گل نرگس

در بزم خدا بوی خوش عود مبارک

بر بحر شرف گوهر مسعود مبارک

لطف و کرم حضرت معبود مبارک

دیدار رخ مهدی موعود مبارک

بُشرا که امام شهدا عید گرفته

تبریک بگویید خدا عید گرفته

عید است ولی عید جهان بشریت

برگشته به تن روح و روان بشریت

جان داده خدا باز به جان بشریت

این بیت شده ورد زبان بشریت

ای مردم عالم ره توحید بگیرید

امشب شب مهدیست همه عید بگیرید

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03ـ شعر[[148]](#footnote-148)

لب ما و قصه ی زلف تو چه توهمی چه حکایتی

تو و سر زدن به خیال ما چه ترحمی چه عنایتی

به نماز صبح و شبت سلام و به نور در نسبت سلام

و به خال کنج لبت سلام که نشسته با چه ملاحتی

به جمال وارث کوثری به خدا محمد دیگری

به روایتی خود حیدری چه روایتی چه اصالتی

بلغ العلی به کمال تو کشف الدجا به جمال تو

به تو و قشنگی خال تو صلوات هر دم و ساعتی

شده پر دو چشم تو از ازل یکی از شراب و یکی عسل

نظرت چه کرده در این غزل که چنین گرفته حلاوتی

تو که آینه تو که آیتی تو که آبروی عبادتی

تو که با دل همه راحتی تو قیام کن که قیامتی

زد اگر کسی در خانه ات دل ماست کرده بهانه ات

همه جا گرفته نشانه ات به چه حسرتی به چه حالتی

غزلم اگر تو بسازیم و نی ام اگر بنوازیم

به نسیم یاد تو راضی ام نه گلایه ای نه شکایتی

نه مرا نبین رصدم نکن و نظر به خوب و بدم نکن

ز درت بیا و ردم نکن تو که از تبار کرامتی[[149]](#footnote-149)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04ـ شعر[[150]](#footnote-150)

مجنونم و راه خانه می گیرم از لیلی خود نشانه می گیرم[[151]](#footnote-151)

صیدم که ز دست های صیادم آزادم و آب و دانه می گیرم

چون اشک روان گاه بی گاهم بارانم و بی بهانه می گیرم

هر بار که یاد یار می افتم با آتش دل زبانه می گیرم

یک روز چنان غبار می آیم بر دامنت آشیانه می گیرم

من گرد و غبار راه دلدارم دریاب مرا که دوستت دارم

در سینه ام امشب آسمان دارم صد حرف نگفته بر زبان دارم

از کوفه و سهله می روم تا قم زیرا که هوای جمکران دارم

عمریست گدای خانه ات هستم عمریست از این تنور نان دارم

می خواهم که تمام هستم را می خواهم هر چه در توان دارم

در پای نگاه دوست بگذارم دریاب مرا که دوستت دارم

در عید رسیدن تو حیرانم هم شادم و هم کمی پریشانم

از اینکه تو هستی و نمی بینم از اینکه کجایی و نمی دانم

دل گرم به ریسه و چراغانی سر گرم به کوچه و خیابانم

مشتاق شبیه طاق نصرت ها بی تاب در انتظار مهمانم

این چند خط ارادت من هم عرضی است برای نیمه شعبانم

ای مقصد حرف های بسیارم دریاب مرا که دوستت دارم

سرمست تو کی شراب می خواهد کی تشنۀ عشقت آب میخواهد

در باغ تمام میوه ها کالند باغ دلم آفتاب می خواهد

تا آمدن تو زنده می مانم این پرسش من جواب می خواهد

سربازی دولت کریم تو از خون جگر خضاب می خواهد

هرچند که دولت تو چون عیسی رزمندۀ پا رکاب میخواهد

با این همه من فدایی یارم دریاب مرا که دوستت دارم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05ـ شعر[[152]](#footnote-152)

بیشتر از بیشتر از بیشتر می شود از عشق دلم ریشتر[[153]](#footnote-153)

من که اویسم ز قرن آمدم وقت ندارم به خدا بیشتر

لیلۀ قدرحسن عسکری کاش قرار تو شود پیشتر

وای که دیوانه شدم یک کلام سورۀ والعصر علیک السلام

تا که پدر بر لب تو بوسه داد بوی گل نرگسی آورد باد

در شب میلاد تو جودت شکفت لطف تو شد از سر عالم زیاد

دم پر جبرئیل شدم بال زد بال زدم از در باب الجواد

برد مرا اول شب کاظمین برد مرا کرب و بلا بامداد

ای علوی جود و جوادی مرام سورۀ والعصر علیک السلام

آمدم ای شاه پناهم بده خط امانی ز گناهم بده

پنجره فولاد مرا راه داد جان رضا خوانده و راهم بده

کنج حرم یا دم پایین پا باز از آن لطف نگاهم بده

ماه مبارک من و دست تهی سوز جگر آتش آهم بده

می رسد عطر رضوی بر مشام سورۀ والعصرعلیک السلام

کعبۀ هفتم شد و حاجات داد باب حوائج شد و خیرات داد

مادر من سفرۀ نذرش گرفت حاجت ما اکثر اوقات داد

ندبۀ تعجیل فرج رزق ما با نفس جدۀ سادات داد

افضل اعمال بود انتظار ذکر فرج حال مناجات داد

من به مناجات توام مستدام سورۀ والعصر علیک السلام

کاش که مردان ظهورت شویم صاحب یک سیرت و صورت شویم

کاش که در غیبت تو استوار مثل زمان های حضورت شویم

حضرت صادق تویی و کاش ما شیعۀتو، مرد تنورت شویم

گفت که دربانی تو می کند کاش کمی خاک عبورت شویم

تو خود معراجی و ما زیر گام سورۀ والعصر علیک السلام

با قلمت علم تناور شود علم و عمل ریشۀ باور شود

شام غم و جهل و خرافات ها با نفس باقری ات سر شود

فصل شکوفایی عقل است و دل جای روایات پیمبر شود

نور زمین، نور زمان، سایه نور خاک از این معجزه ها سر شود

لحظه شماریم برای قیام سورۀ والعصر علیک السلام

دست من و برکت آبادی ات از پر سجادۀ سجادی ات

لطف دعای تو شده مستدام بر سر ما سایۀ شمشادی ات

مثل علی ابن حسینی تو و می رسد آوازۀ آزادی ات

فخر خدا می کند از سجده ات کاش شوم محرم این وادی ات

روی تو شد سجدۀ بیت الحرام سورۀ والعصر علیک السلام

چشم تو در کار حسین است و بس کار تو تکرار حسین است و بس

بیرق سنگین تو وقت قیام دست علمدار حسین است و بس

قلب تو انگار گرفتار اوست هر که گرفتار حسین است و بس

پرده گشا دیدن روی شما لحظۀ دیدار حسین است و بس

رو به دل زینبی ات صبح و شام سورۀ والعصر علیک السلام

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ شعر[[154]](#footnote-154)

زائر همسفرۀ غم ها حسن عشق تو آقای کرم ها حسن

روز ظهور تو مهم است چون دارد از آن روز حرم ها حسن

می رسد آن روز که بینیم باز بین بقیع نقش علم ها حسن

روی ضریحی که تماشایی است نقش نمایند قلم ها حسن

ای حسنی جلوه و حُسن تمام سورۀ والعصر علیک السلام

جای حرم غربت زهرا که هست یک نفر از عترت زهرا که هست

پیش تو گیریم نداریم جای خب قسم حضرت زهرا که هست

گرچه گره در گره ام نیست غم دست شما تربت زهرا که هست

ما که نباشیم چه غم تو بیا دیدن تو قسمت زهرا که هست

روز تقاص است و تویی انتقام سورۀ والعصر علیک السلام

هیبت تو رفته به مولا علی حیدری و وقت تماشا علی

می رسد از هر دو لب ذوالفقار لات و هبل را بشکن یا علی

خاطرۀ رزم علی در نبرد مثل تو می گشت مهیا علی

نیست تو را کعبه ای الا حسین نیست تو را قبله ای الا علی

می رسی و تیغ دو دم بی نیام سورۀ والعصر علیک السلام

جلوه گر قامت ختمی مأب حضرت خورشید، محمد بتاب

خاتم انگشتری خاتمی جذبۀ فیروزۀ احمد رکاب

جاذبۀ گنبد خضرا بیا تا بدرد سینۀ خود آفتاب

ای شرف الشمس پیمبر لبت راز مسلمانی اهل کتاب

ذکر سلام و صلواتم مدام سورۀ والعصر علیک السلام

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ زمزمه[[155]](#footnote-155)

بیا آفتاب پس ابر تا تموم شه غروبای دلواپسی

یه حسی همش داره میگه بهم یکی از همین جمعه ها می رسی

یعنی میشه آقا یه روز بشنوم که از جمع یارا یکیشون منم

اگه اونی باشم که از من میخوای خود تو میای واسه ی دیدنم

به این حس دلتنگی جمعه ها به این دلخوشی راضیِ عاشقت

دیگه ما کی باشیم تو این معرکه اگر بهجت و قاضیِ عاشقت

همین چشمای خیس کم طاقتم نشونه است که حتما ندیدن تو رُ

چقد را که چشم انتظار پیر شدن چقد را که رفتن ندیدن تو رُ

خودم می دونم با گناهام چقدر همیشه توی زحمت انداختمت

خدا می دونه تو همین کوچه ها چقد دیدمت اما نشناختمت

یه روزایی توی همین آب وخاک شنیدم علی اکبرا دیدنت

میگن که همین بیست، سی سال پیش یه عده توی سنگرا دیدنت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08 ـ سرود[[156]](#footnote-156)

منجی عالم شاه مکرم اباصالح بقیة الله الاعظم

ای گل نرگس بهشت خرم اباصالح بقیة الله الاعظم

یا مهدی

ای که به عیسای نبی روح سلامی ای که کلیم الله را روح کلامی

نیمۀ ماه شعبان ماه تمامی خوشا به حال ما که ما را تو امامی

من برگ زردم سر تا پا دردم

کجایی تا خودم بیام دورت بگردم

یا مهدی

یه عمریه به عشق روی تو اسیرم تویی امیرم بخدا تویی امیرم

خدا می دونه به همین امید زندم که تو بیای و در رکاب تو بمیرم

تو جاودانی سِر نهانی

تو حضرت مهدی صاحب الزمانی

یا مهدی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09ـ سرود[[157]](#footnote-157)

ای ولی عصرُ امام زمان ای سبب خلقت کون و مکان

ای گل زهرا کجایی سرور من کی میایی

یابن الحسن گل نرگس بیا بیا

همه عالم صفا گرفت به صفای نگاه تو

بوده است و بود هنوز چشم عالم به راه تو

شادی دل های پر از غم تویی منجی عالم گل عالم تویی

پرچم پیغمبری تو ذوالفقار حیدری تو

یابن الحسن گل نرگس بیا بیا

چه شود ای عزیز من جان به جسم جهان دهی

به گدای همیشه ات خیمه ات را نشان دهی

عشق تو آقا به سرشت من است خیمۀ سبز تو بهشت من است

با تو چیزی کم ندارم تا تو هستی غم ندارم

یابن الحسن گل نرگس بیا بیا

همۀ دنیا فنا شود گر نباشد حضور تو

تو دعا کن که زود بیاد روز خوب ظهور تو

بی تو بود کار دو عالم فلج الهی عجل لولیک الفرج

تو دعا کن جون بگیرم در رکاب تو بمیرم

یابن الحسن گل نرگس بیا بیا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10ـ سرود[[158]](#footnote-158)

بازم زیر بارونم قدم قدم می خونم تو لیلی من مجنونم مجنونم

عجب شبی حالا که قصه به پایان می رسه

عجب شبی داره یوسفم به کنعان می رسه

عجب شبی یار من نیمۀ شعبان می رسه

دوریم از هم ولی آقا تو دلم یاد تو سبزه

آبی آسمونی هم واسه میلاد تو سبزه

امشب به سوی تو دل من داره پر می کشه

«پیمونه رو میخواد یه دفعه بره سر بکشه[[159]](#footnote-159)»

بهار دل ها مهدی امید زهرا مهدی شعار ما یا مهدی یا مهدی

آقا بیا همۀ جهان در انتظارته

آقا بیا شیعه تو رکاب ذوالفقارته[[160]](#footnote-160)

آقا بیا زینبیه خیلی بی قرارته

آقا جون روز ظهورت روز جشن عالمینه

علم سرخ قیامت یا لثارات الحسینه

شمشیر حیدرُ تو باید توی دست بگیری

برگرد تا حق مادرتُ دیگه پس بگیری

حکم تو از قرآنه ولایتت میزانه عدالتت طوفانه طوفانه

به خاطر دلای پر شور و واهمه بیا

به خاطر دعای هر شب فاطمه بیا

به خاطر ماه بی افول علقمه بیا

بیا از کنار کعبه انقلابتُ بپا کن

با انا بقیه الله یاورانتُ صدا کن

آمادۀ جهاد میتونی ببینی ماهارُ

از جمکران به کرب و بلا برسون دلارُ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11ـ سرود[[161]](#footnote-161)

شب شب قدره قدر خودتُ بدون شب نمازه نماز بارون بخون[[162]](#footnote-162)

دنیا که پیره ولی تو جوون بمون آهای جوون آهای جوون

یوسف زهرا که سحر دم اذون میاد ابرای نور و رحمتش تو آسمون میاد

چتر گناهتُ ببند داره بارون میاد

میاد یه روزی اونی که دلارُ بهاری کرده

میاد به همراش اونی که نشون داد که خیلی مرده

دوباره آسمون پر از ستاره ها میشه رو به زمین در بهشت دوباره وا میشه

تموم روزا یه روزی روز خدا میشه

میاد یه روزی که یه نفر از عشق خبر میاره تو این شب تار دوباره یه خورشید سحر میاره

باید که امشب بخونی دعای عشق ایشالله دستت برسه به پای عشق

پیچیده عطرش تو حال و هوای عشق خدای عشق خدای عشق

یوسف زهرا که میاد دلا آروم میشه هرچی به جز رحمت و عشق دیگه حروم میشه

قصۀ این شب سیاه دیگه تموم میشه

میاد یه روزی که دیگه غمامون خاطره میشه یه روز میاد که دوباره زمین خوش منظره میشه

ای آرزوی دل عاشقا بیا کبوتر خوش خبر خدا بیا آسمون امشب میخونه بیا بیا آقا بیا آقا بیا \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 12ـ سرود[[163]](#footnote-163)

دیده به راهم از آسمون منتظرم خبر بیاد

می خواد یه ماه مهربون از دل ابرا در بیاد

میاد ذخیره ی خدا آقا آقا پناه همه عاشقا آقا آقا

آیه های جاء الحق رُ روی شونش بیا ببین

خال زیبای سیاهی رو گونه اش بیا ببین

نسیم عاشقی وزیده دلم صدای پا شنیده پسر فاطمه رسیده

اباصالح آقام ای آقام

آرزومه ببینمت ای آخرین نور خدا

کنار تو با تو باشم یه شب تو صحن کربلا

تویی که صاحب منی آقا آقا تو یار غائب منی آقا آقا

تو همونی که دلارُ می بری با یه اشاره

منم اونی که یه عمره برای تو بی قراره

عاشقونه برات می خونم منتظر شما می مونم بیای به پات خون بریزم

اباصالح آقام ای آقام

به عشق طاووس اهلبیت بهشتُ کردن چراغون

برای مهدی فاطمه ملائکه مدیحه خون

نغمۀ همه لبا آقاآقا قرار همۀ دلا آقاآقا

دلای ما زبون ما برای تو غزل خونه

مهربونیت منو سوی خیمۀ تو میکشونه

آیۀ نور تو یا علی ذکر ظهور تو یا علی نغمۀ شور تو یا علی

علی علی علی یا علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 13ـ سرود[[164]](#footnote-164)

شب داره به سر میشه نوبت سحر میشه

از تن همه یک روز خستگی به در میشه

یه روزی میشه دوا تموم دردای ما

یک شب جمعه میریم با آقامون کربلا

اللهم کن لولیک حجت ابن الحسن خبر پیچیده تو آسمونا داره میاد آقای من

تو دلا صفا میاد بوی آشنا میاد

یک غروب جمعه ای خنده رو لبا میاد

ساحل دریا میاد خوشی دلها میاد

گریه نکن آسمون یه روزی آقا میاد

اللهم کن لولیک حجت ابن الحسن خبر پیچیده تو آسمونا داره میاد آقای من

شر غصه کم میشه قد کینه خم میشه

آخرش امام حسن صاحب حرم میشه

یوسف گمگشتمون می رسه از آسمون

یه روزی پیدا میشه یه تربت بی نشون

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 14ـ سرود[[165]](#footnote-165)

عمریه هرجمعه آقا عاشق تو چشم به راهه

یا که تو هر روز و هر شب کشتۀ یک نیم نگاهه

دل سرگردون شده باز حیرون از فراقت

با چش گریون می گیره مجنون باز سراغت

آقا عاشقت شده بی قرار آقا می خونه شب انتظار

آقا بیا آقا بیا

از قدم پاک مهدی آسمونم غرق نوره

حسی بهم میگه دنیا منتظره یک ظهوره

آخرین خورشید شمیمت پیچید کی میایی

با دوریت ساختم خودمو باختم کی میایی

آقا انیس خواب و رویاهام آقا کی میشه پابوسی بیام

آقا بیا آقا بیا

عهدم اینه با تو آقا تا دعای عهد می خونم

جون می گیرم با نگاهت منتظر تو می مونم

بیا آقا جون به ما امشب تو یک نظر کن

بیا با ما تا حرم ارباب یک سفر کن

آقا زائر حرم حسین آقا وارث علم حسین

آقا بیا آقا بیا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 15 ـ سرود[[166]](#footnote-166)

با ذوالفقار حیدر با هیبت پیغمبر بیا به پا کن محشر بیا بیا

دلم می گیره آقا به غم اسیره آقا بیا که دیره آقا بیا بیا

تویی تو شمس الضحی قسم به خون خدا

می شه یه روز مرکز حکومتت کربلا

العجل العجل ای غریب جمکران

ای امام عاشقان صاحب الزمان

به زیر طاق نصرت شده دعای شیعه ت تموم شه کاش این غیبت بیا بیا

نباشی تا وقتی که جهان ما تاریکه ظهور تو نزدیکه بیا بیا

...

العجل العجل ای غریب جمکران

ای امام عاشقان صاحب الزمان

دعای ندبه بر لب به یادتم من هر شب بیا به حق زینب بیا بیا

میایُ میشه پیدا با دستای تو مولا مدینه قبر زهرا بیا بیا

کاری ندارم به این که دشمنت چی میگه

اگه بیاد کربلا حلالِ خونش دیگه

العجل العجل ای غریب جمکران

ای امام عاشقان صاحب الزمان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 16ـ سرود[[167]](#footnote-167)

اشک شوقِ تو چشای پر ستاره ام تو شبی که غرق شور و انتظارم

میارم سبد سبد گلای نرگس می نویسم رو همه ش دوستت دارم

اگه برگردی لیلی مجنون میشه اگه برگردی لبا خندون میشه

اگه برگردی همۀ شهرمون پیش پای تو آینه بندون میشه

ای که روشنای شام انتظاری

وقتی برمی گردی علم عموتُ داری

روز میلاد تو روز عشق دنیاست اومدی تو دلامون چه شوری برپاست

می ریزم پای تو پولک ستاره شادتر از همه بی بی حضرت زهراست

اگه برگردی گره ها وا میشه اگه برگردی دنیا زیبا میشه

اگه برگردی تربت مخفیه مادرت زهرا دیگه پیدا میشه

عشق مادری تو روح کوثری تو

دوست دارم ببینم هیبت حیدریتُ

برا کل انبیا هم نور عینی وارث تیغ یل بدر و حنینی

بنازم به بازوی حیدری تو چون فقط تو طالب خون حسینی

اگه برگردی پا به غم می زنی اگه برگردی یه حرم می زنی

اگه برگردی با دم یا علی بالای کعبه یه علم می زنی

من هستم غلام و تو هستی امیرم

کاش روز ظهورت رکاب تو رو بگیرم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک17ـ سرود[[168]](#footnote-168)

دلمون شاده خونمون آباده

خدا به ما یاوریُ غیره تو نداده

ای که قدمات رنگ خنده هات مژدۀ فصل گرماست

وقتی که از راه می رسی آخر عمر سرماست

هیچکی مثه تو به خدا هوامونُ نداره

تا تو دعامون می کنی هر روزمون بهاره

نگاه مهربونتُ صد تا مسیح نداره

منتظره اومدنته شبای بی ستاره

به خدا آقا بدون تو دنیا دنیا نمی شه

تا نباشی تو درد دل خسته دوا نمی شه

بعد هزار سال هنوزم وقتی میای جوونی

ما هر چی ام عوض بشیم تو هر دفعه همونی

بازم پا در میونی کن آشتی بده دلارو

وقتشه از راه برسی نگاه کن آدمارُ

یا اباصالح مولا اباصالح مولا اباصالح ای گل نرگس

ای کس و کارم مونس و غمخوارم

جز تو نداره دلخوشی این دل بیچارم

وقتی بیای جوون میشه دل تموم دنیا

زمین دل مرده میشه مثل بهشت به مولا

وقتی تو از راه می رسی غصه و غم می میره

کوچه به کوچه شهرمونُ بوی خدا می گیره

تا نباشی تو روزای ما آقا شبای تاره

از همه دنیا هر روز و شب بی تو غصه می باره

قیامتی به پا شده میون قلب تنگم

تمام آرزوم اینه برای تو بجنگم

من که آقا یه عمریۀ میگیرم از تو روزی

ایشالله تو رکاب تو شهید بشم یه روزی

یا اباصالح مولا اباصالح مولا اباصالح ای گل نرگس

الهی بشه قسمتِ منم کنار تو بشینم

آرزومه که لحظۀ ظهورتُ ببینم

تویی خورشیدم تموم امیدم

موی سرم سفید شد و خوابتم ندیدم

بیا بده نجاتم از مردم این زمونه

اسیر بی کسی شده این دل پر بهونه

بیا برا امام حسن با هم حرم بسازیم

پیش تموم دشمنا فقط به تو بنازیم

ای گل زهرا تا تو نیای آقا همینه دنیا

یا عزیزالله متی ترانا و نراک مولا

یا اباصالح مولا اباصالح مولا اباصالح ای گل نرگس

وقتی به دنیا برسی همه روزا بهاره

دشنۀ دستات به خدا شمشیر ذوالفقاره

تکیه به کعبه بزن و کوری چشم دشمن

مثل علی مرتضی همه بتا رُ بشکن

یا اباصالح مولا اباصالح مولا اباصالح ای گل نرگس

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 18 ـ شور[[169]](#footnote-169)

فصل بهارانه دنیا گلستانه شب طلوع ماه

ذکر لب عالم هم نوا و هم دم یا بقیه الله

عاشقا باید مژده بدید جوونه زده یاس امید

که می رسه اون صبح سپید ان شاءالله

آهای دلای جمکرونی عاشقای صاحب زمونی

میاد آقای آسمونی ان شاءالله

ایشالله موسم هم عهدی میاد از افق بانگ انا المهدی میاد

اباصالح بیا

دیگه ندارم غم خوب اینُ می دونم که روشن این راه

هر طپش قلبم هم نوا با عالم یا بقیه الله

با نور پیمبر می رسه با شکوه حیدر می رسه

با دعای مادر می رسه اباصالح

عدالتُ همراش میاره تو دست آقام ذوالفقاره

هیبت اباالفضلی داره اباصالح

میاد آقا سوی بین الحرمین با شعار یا الثارات الحسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 19 ـ شور[[170]](#footnote-170)

من و هر جمعه ندبه و یارم اینه تنها سفارشت امشب[[171]](#footnote-171)

و علیکم بعمی العباس و علیکم بعمتی زینب

کاش جشن ظهور تو زود تر به پا شه

«پایتخت دولتت کرببلاشه[[172]](#footnote-172)»

معلوم نیس که تو بیای من زنده باشم

کاش پا رکاب تو رزمنده باشم

آقا بیا آقا بیا آقا بیا آقا جان

...

یکم از عاشقی سرم میشه با تو دنیا پر از کرم میشه

سامرا و بقیعُ می سازیم مادرت صاحب حرم میشه

می خونم دعای عهد هر روز با گریه

ای منتقم بیا جان رقیه

می بری روز ظهور از دل تو غم رُ

سید علی میده دستت عَلم رُ

آقا بیا آقا بیا آقا بیا آقا جان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بخش نهم ؛سبک های تولیدی

ترک 01 ـ سرود امام حسین[[173]](#footnote-173)

بارا رُ ببندید می خوایم بریم کربلا

بشینیم روبرو ضریح و گنبد طلا

خدا رُ شکر دلا آماده و مبتلا

شب شادیه و مقصد ما کربلا

کربلا کربلا ما داریم میاییم

هرکی از دوری کربلا گشته خسته

دوتا گنبد طلا منتظرش نشسته

هرکی به سر داره شور حسین بسم الله

هرکی می خواد یه بین الحرمین بسم الله

کربلا کربلا ما داریم میاییم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ سرود میلاد امام حسین[[174]](#footnote-174)

دلم بی قراره توی سینه می خواد پر بگیره تا مدینه

بره یک سری خونه مولا به اون جایی که عرش برینه

خوابیده رو دستای مولا گل زهرا سید و سالار دو دنیا گل زهرا

برات آزادی رُ امشب گل زهرا عیدی میده خدای اعلی گل زهرا

رسیده همونکه نورعینه حسینه

همونکه چراغ مشرقینه حسینه

همونکه فداییاش زیادن حسینه

حریمش پناه عالمینه حسینه

به دام زلف تو اسیرم گل زهرا دست به دامنت می گیرم گل زهرا

وقتی همه می گیم حسین جان گل زهرا زهرا می گه براش بمیرم گل زهرا

حسین یا بن الزهرا

کرم عادت خوی حسینه دو چشمام فقط سوی حسینه

بهشت آرزوی دلم نیست بهشتم فقط روی حسینه

نوکر ارباب کریمم گل زهرا عاشق تو من از قدیمم گل زهرا

نوکریه تو رُ آقاجون گل زهرا به شاهی جهون نمی دم گل زهرا

تویی زینت دوش پیامبر حسین جان

تویی کوثر ساقی کوثر حسین جان

شده جبرئیل لالایی خونت حسین جان

تو محشر کنی تو روز محشر حسین جان

دل به ضریحت گره خورده گل زهرا کرببلات دلم رو برده گل زهرا

من چی دارم بگم آقا جون گل زهرا داری یه دنیا کشته مرده گل زهرا

حسین یابن الزهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ سرود حضرت سجاد[[175]](#footnote-175)

توی آسمونا لحظه رویاییه نوه فاطمه چقد تماشاییه[[176]](#footnote-176)

فرشته های آسمون اومدن تو دنیا

همه می گن مبارکه ای عروس زهرا

امشب بیت حسین بن علی شد مثل مهتاب

اومد تولد گل پسر حضرت ارباب

علی بن الحسین

...

با دست بسته هم آقا تو بازم امیری برام تو از بابات می شه کربلا بگیری

ای وای بیچاره اون دلی که از چشم تو افتاد

ذکرم یا سیدی یا سیدی حضرت سجاد

علی بن الحسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ شور ولادت امام سجاد[[177]](#footnote-177)

فرشته باز حیرون شده ستاره سرگردون شده چشا پر از بارون شده شب مراده

امام سوم شاده و می ریزه امشب باده و[[178]](#footnote-178) رو لبها یا سجاده و زین العباده

مدینه پرشد از پر فرشته ها

می ریزه «برف شادی[[179]](#footnote-179)» رو سر فرشته ها

امام چهارم دنیا رسیده نوه خونه زهرا رسیده

برای ساجدین آقا رسیده

ای شیعه اومد دلدار و شفیع پر زد دلامون تا بام بقیع

بازم به سر مستی زده میون صحن میکده علی اوسط اومده برای ارباب

محبتش مال منه روزی هر سال منه همیشه دنبال منه دعای ارباب

از آسمون بازم «سینجلی[[180]](#footnote-180)» اومد

تو خونه ارباب حسین دوم علی اومد

همه سرامون زیر قدماش دعامون می کنه توی ربناش

نیاز دل ماس اذن کربلاش

فخر هممون تو هر زمونه این که مادرش اهل ایرونه

نجاتمون دست علی حیاتمون دست علی مماتمون دست علی شعار شیعه س

تو کور سوی این دنیا به عشق شاه لافتی نجف تو ایوون طلا قرار شیعه س

رمز بهشت ماس تو عرصه محشر

دخیلک یا سیدی ابوتراب حیدر

شده ذکر لبم والی الولی همه جا می خونم با صوت جلی

میشه دنیا بهشت با اسم علی

امشب مدینه غرق شعفه با اسم علی انگار نجفه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ سرود میلاد حضرت علی اکبر[[181]](#footnote-181)

جانم این علی اکبره یا جوونی خود پیمبره

جانم این علی اکبره یا جوونی علی حیدره

 به نبی ثمر به علی گهر به حسن جگر به حسین پسر  
چه نجابتی چه اصالتی

علیا اسدالله     علیا اذن الله   
علی اکبرارباب    علی نه! ولی الله

جانم این یم فاطمیه    همه میگن که دُر سرمدیه

جانم این یل هاشمیه همه میگن که گل احمدیه  
به ملک مطاع به خدا مطیع به مرض شفا به جزا شفیع  
به چه بندگی و اطاعتی  
علیا عین الله     علیا وجه الله  
علی اکبر ارباب   علی نه! ولی الله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ س[رود میلاد حضرت علی اکبر](http://gushvarehshekasteh.blogfa.com/post/70)[[182]](#footnote-182)

قلب منه شیدا شده بیچاره ش یوسف شده درمونده و آواره ش[[183]](#footnote-183)  
به جز عرشیا و اهالیه بالا زهرا رو ببینید پای گهوارهش  
مثل عباس براى حسين کاشف مشکله  
حيدره يا که پيغمبره يا ابوفاضله  
مى مونه روى ماهش مثل وجه الله  
مى خونه براش قل هوالله ثارالله  
يا على اکبر على اکبر ليلا  
  
مردن برا غير تو برام ننگه قلبم با محبتت هماهنگه  
همينکه برسه پات وسط ميدون انگار خود حيدر داره مى جنگه   
اين عليه يا پيغمبره تو سپاه همهمه است  
نقش بازوش مثه مرتضى الدخيل فاطمه است  
نيازى به شمشير و نيزه نداره   
آخه هر يه تار ابروش ذوالفقاره  
يا على اکبر على اکبر ليلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ سرود میلاد حضرت علی اکبر[[184]](#footnote-184)

مست و خرابم بده باده نابم برای نوکری تو کردی انتخابم

حسین زهرا مبارکه دلت شاد امشب علی اکبر و خدا بهت داد

چشمامون پره کوثر تا اومد شده محشر

شد ذکر بیت ارباب یا مولا علی اکبر

دین و دنیایی آقای مایی تو شهزاده کربلایی

یا علی اکبر مدد

تو عرش اعلی به مادر تو لیلا می گن مبارکت باشه عروس زهرا

شبه پیمبر عجب تو دلربایی موذن قافله کرببلایی

قنداقت بوسه بارون رو دستای عموجون

خال کنج لب تو شد جای سجده هامون

ای ماه هر شب ای محمل داره عمه زینب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08 ـ سرود نیمه شعبان[[185]](#footnote-185)

ساقی بده تو جامی که از ره رسیده یارم

مطربا بزن باز دف و نی[[186]](#footnote-186) اومده دلدارم

اومد پناه هر مشکلی وارث تیغ مولا علی

ساقی بده یک جرعه ساغر از می مولا

گل نغمه ی شادی رو «بشنو از نی[[187]](#footnote-187)» زهرا

صدای بلبل اومد از آسمون گل اومد مژده بدید به عالم که مصلح کل اومد

یابن الحسن یا مهدی

دوباره بانگ جاءالحق شد از فلک نازل

از قدم ابا صالح دین حق شده کامل

تویی تموم امید ما تویی خلاصه ی انبیاء

این نوکر حلقه به گوش امیر دلهاس

امشب شب حاجت گرفتن از بی بی زهراس

امشب ندایی اومد نور خدایی اومد از ذریه زهرا مشکل گشایی اومد

یابن الحسن یا مهدی

ای جمالت بهشت جهان مولا اباصالح

روی گلت شد از من نهان مولا اباصالح

ملائکه توعرش خدا می خونن اباصالح بیا

عالم شده پرنور ز نور حضرت مهدی

نزدیک بود روز ظهور حضرت مهدی

ز یادت مست مستم بده جامی به دستم که در پایت بریزم تمام بود و هستم

یابن الحسن یا مهدی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09 ـ سرود ولادت امام زمان[[188]](#footnote-188)

اسمت رو دلم مثل یک قاب طلاکوبه

اسمت که میاد همه جا یکسره آشوبه

عطر حضور تو تو عالمین شد حس

اومد گل نرگس

آقام اباصالح

دنیا تاریکه بدون تو مثل سایه

یادت روز وشب تو دلم آیه به آیه

فقط با این باور خوشم تو این دنیا

دوست دارم آقا

آقام اباصالح

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10 ـ سرود میلاد امام زمان[[189]](#footnote-189)

امید خلق بشر مهدی اومده

از پشت ابر سیاه خورشید سرزده

گدا بازم امشب خونشو در زده

مهدی اومده

ماه شب چارده امشب جلوه می کنه

غارت دلامونُ با این شیوه می کنه[[190]](#footnote-190)

دل از دوری اون داره شکوه می کنه

صاحب عصر و زمونه عشق هر پیر و جوونه

هر کی دیده شد گرفتار خال هاشمی رو گونه[[191]](#footnote-191)

گل نرگس بیا

دوباره باز ستاره چشمک می زنه

دلا برا دیدنش باز لک می زنه

خدا به آفرینش یه نمک می زنه[[192]](#footnote-192)

عشق فاطمه ست / منجی همه ست

شاید سر برسه امشب این اشک و دعا

بیاد آقامون و یاریش کنن عاشقا

بعدش با هم یک سری بریم کربلا

دیدن عرش خدامون به زیارت آقامون

می رسه به اذن آقا به گوش عالم صدامون

گل نرگس بیا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11 ـ سرود میلاد امام زمان[[193]](#footnote-193)

سپیده تو آسمون دمیده رسیده به زهرا نور دیده

به غیر از پیمبر و عزیزاش دیگه هیچ کی همتاشُ ندیده

خیره شده چشای دنیا ابا صالح به مقدم عزیز مولا ابا صالح

ملائکه همه می خونن ابا صالح تهنیت ای حضرت زهرا ابا صالح

اومد آخرین جلوه سرمد آقاجان برا عالمین رهبر اومد آقاجان

بگیر دستاتُ بالا بگو تو آقا جان اومد یوسف آل محمد آقاجان

سامره غرق توی نورِ اباصالح سور و بساط شادی جورِ ابا صالح[[194]](#footnote-194)

به دور گهواره آقا ابا صالح پر شده از پری و حورِ ابا صالح

مدد ای گل نرگس

شب قدر شب نزول قرآن شب وصل شب قدیم الاحسان

چه امشب شده نور علی نور سه شنبه شب و نیمه شعبان

تو نیمه ماه پیمبر ابا صالح هی می زنم به این در و اون در ابا صالح

آی گداها بیایید که امشب ابا صالح عیدی می ده ساقی کوثر ابا صالح

تموم شد دیگه چشم انتظاری آقاجان شده چشمای پدر بهاری آقاجان

جاء الحق «رو بازوهات نوشتن[[195]](#footnote-195)» آقاجان یعنی تو ز نسل ذوالفقاری آقاجان

مایه آرامش هستی ابا صالح تو قلب و جون من نشستی ابا صالح

نمی دونم چه جوری «دادم اباصالح به تو دلم رو دستی دستی[[196]](#footnote-196)» ابا صالح

مدد ای گل نرگس

به نرگس به باباش نور عینه اومد اونکه روح عالمینه

اومد اونیکه یه روز به دستش بلند پرچم سرخ حسینه

ای آخرین نشون خالق ابا صالح زمزمه های دل عاشق ابا صالح

خادمی محضرت آقا ابا صالح شد آرزوی دل صادق ابا صالح

تو خوب می دونی باغ و بهارم آقاجان

به جز تو دیگه یاری ندارم آقاجان

دعام اینه که وقت رفتن آقاجان

سرم رو روی پاهات بذارم آقاجان

آرزوی منه تو سینه اباصالح روز ظهور تو ببینه ابا صالح

پارکابت بیام آقاجون اباصالح کرببلا و هم مدینه ابا صالح

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 12 ـ شور میلاد امام زمان[[197]](#footnote-197)

روشنی هر انجمن ترنم لبهای من  
چاووش عشاقت اینه بیا بیا یابن الحسن  
توشاهی و من سائلم فراق تو شد قاتلم  
تا که من از دست نرفتم بزن یه قفلی رو دلم  
نگیری از من نگاتُ سند زدم دلو برا تو  
خاک پاهاتم آقا جون نگاه بکن زیر پاتُ  
نیست امیدی به فردامون دستی بکش رو دلامون  
چی میشه من برا تو باشم تو هم دعا کنی برامون  
گل نرگس گل نرگس بیا بیا بیا بیا

محبت شما هستمه کلید جنت دستمه  
حاجت دنیایی نمی خوام نگاه کنی آقا بسمه  
غم تو دلم راه نداره دلم تو دست نگاره  
تا وقتی من با تو هستم تموم فصلام بهاره  
به کل شاهان سروری برای دلبرا دلبری  
شهره عشقت ارثیه چون که تو وارث حیدری  
دوستت دارم آقا خدایی قرار قلب شیعه هایی  
برای عشاق عباس برات کرببلایی  
گل نرگس گل نرگس بیا بیا بیا بیا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 13 ـ شور میلاد امام زمان[[198]](#footnote-198)

می کنم از امشب بوی خدا رو حس

پیچیده تو عالم بوی گل نرگس  
یه عمره که این دل دنبال اربابه  
عکس رخ مهدی توی دلم قابه  
آی مردم زمان هم عهدی اومده  
دلها رو قُرق کنید مهدی اومده  
درب دلها سمت خدا بازه بازه  
هر کی توی دنیا به یکی می نازه  
قبله ی قلب ما فارس الحجازه  
سیدی یا مولا

روی هلال ماه عکس رخ یاره  
جمعه ها هرهفته بی تو برام تاره  
فاتح دلها و ناجی دنیایی  
تو آخرین نور حضرت زهرایی  
از شوق وصال تو در تاب و تبم  
تا سحر ذکر یا مهدی رو لبم  
قد و بالات مثل ساقی آب آور  
روی ماهت رفته به جمال مادر  
نقش بازوبندت مددی یا حیدر  
سیدی یا مولا

بسیجیم و وقت فتنه ها بیداریم  
اهل نجاتیم تا سید علی داریم  
ولایتش بر ما معنی ایمانه  
بصیرتش تنها حافظ ایرانه  
اونی که عشقش تو هر سینه ایه  
نایب بر حقش خامنه ایه  
مهدی که وارثه فاتح خیبره  
دست حمایتش پشت این کشوره  
پرچمش میون دستای رهبره  
سیدی یا مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 14 ـ شور امیرالمومنین[[199]](#footnote-199)

پر می گیره دل من دوباره امشب تا علی

تکیه گاه دل ما همیشه و هرجا علی

هر کسی که می خواد با فاطمه هم نفس بشه

صد و ده مرتبه باید بخونه هو یا علی

ای بانی شور و شعف ادرکنی یا شاه نجف

صفدر تویی حیدر تویی فرمانده خیبر تویی

روحی لک الفدا یا حیدر یا مولا

به هوای تو دلم شده اسیر «شور و شین[[200]](#footnote-200)»

تو دعام کردی که باشم بلاگردون حسین

آرزومه که یه روز از دم ایوون نجف

آقا جون راهی بشم به سمت بین الحرمین

این خانه را در می زنم تا کربلا پر می زنم

من در پی ره تو شه ام دل بسته شش گوشه ام

روحی لک الفدا یا حیدر یا مولا

همه دار و ندارم شور و احساس توئه

تموم دنیا پر از عطرگل یاسه توئه

سفره دار همه عالم و آدم یاعلی

نمک سفره ما برکت عباس توئه

دنیا علی عقبی علی ذکرلب سقا علی

امشب دلم مثل همه پر می کشه تا علقمه

روحی لک الفدا یا حیدر یا مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

منابع

1. قرآن.
2. دعائم الاسلام، قاضی نعمان مغربی، قاهره،1383ق.
3. کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی ابن بابویه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ١٣۵٩ش.
4. بحار الانوار، محمد باقر مجلسى، بيروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق .
5. اسد الغابة، ابن اثیر، بیروت ـ لبنان ،۱۲۸۰ق.
6. ینابیع الموده، سلیمان بن ابراهیم قندوزی،قم، بصیرتی، ۱۳۰8ق.
7. الغیبة النعمانی، [محمّد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%AD%D9%85%D9%91%D8%AF_%D8%A8%D9%86_%D8%A7%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%87%DB%8C%D9%85_%D8%A8%D9%86_%D8%AC%D8%B9%D9%81%D8%B1_%D9%86%D8%B9%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C)، چاپ مکتبه الصدوق تهران، ۱۳۹۷ هجری.
8. سفینة البحار، شیخ عباس قمی، دار الاسوة للطباعة والنشر، 1416.
9. طبقات کبری، محمدبن سعد، دار الفكر، بیروت، 1414ق.
10. کشف الغمه فی معرفه الائمه، على بن عیسى اربلى، کتابچی حقیقت، 1381ش .
11. زندگانی علی بن الحسین(ع)،شهیدی، تهران، 1380.
12. صفة الصفوة، ابن جوزی، بیروت، 1426ق.
13. حلیة الاولیاء، ابونعیم اصفهانی، 4 و 5 ق.
14. طبری،محمد بن جریر طبری، سال سوم بعد از هجرت.
15. مناقب،ابن شهر آشوب، نجف ـ قم،1376ق.
16. مقاتل الطالبین،ابن هیثم، قم، 196ق.
17. ترجمه (العباس) ،علّامه مقّرم، نجف ـ قم.
18. کامل الزّیارت، ابن قولویه، نجف ـ تهران، 1377.
19. سرالسلسلة العلویه،بخاری، مكتبه آيه‌الله العظمي المرعشي النجفي،89.
20. مستدرك سفینه البحار، علی نمازی، قم،1375.
21. أعلام النّساء المؤمنات، محمد حسون و امّ علی مشكور، انتشارات: اسوه، قم، 1411 ق.
22. فرسان الهیجاء،ذبیح الله محلاتی، تهران،1389.
23. ترجمة الحسین، ابن عساکر، مؤسسة المحمودی للطباعة و النشر ، بیروت ، 1398ق.
24. منتهي الامال، شيخ عباس قمي، بي‌جا، مطبوعاتي حسيني، 1370ش.
25. وقعة الطف، ابی مخنف، معاونت امور فرهنگي مجمع جهاني اهل بيت،1427ق.
26. تاریخ الامم و الملوک، طبری، ناشر:اساطیر،1390.

**محصولات تولیدی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | نام کتاب | موضوع |
| 1 | بهشت خاکی ـ باران غربت | شوال |
| 2 | امام مهربانی ـ سلسله عاشقی ـ مهربانترین پناه | ذی القعده |
| 3 | بهار ولایت ـ حرای غدیرـ همای غدیر | ذی الحجه |
| 4 | آتش عشق ـ الظلیمه ـ نوحوا علی الحسین | محرم |
| 5 | صفرنامه ـ منبر اشک ـ حماسۀ وارثین | صفر |
| 6 | خورشید عالمتاب ـ ربیع الایام ـ طلوع رحمت | ربیع الاول و ربیع الثانی |
| 7 | یاس کبود ـ یاس کبود2ـ یاس کبود3 | میلاد حضرت زینب(سلام الله علیها)  ایام فاطمیه |
| 8 | مادر آسمانی ـ بانوی باران ـ مادرانه | میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها)  وفات حضرت ام البنین (سلام الله علیها) |
| 9 | عطر بهشت ـ صراط الجنه ـ منظومۀ علوی | رجب |
| 10 | نورٌ علی نورٌـ فصل وصل | شعبان |
| 11 | هلال نیایش ـ شبهای بی قراری | رمضان |
| 12 | جزوه آموزشی دستگاههای آواز | ــــــــــــــ |
| 13 | جزوه آموزشی دوره مقدماتی به پیوست دروه تکمیلی | ــــــــــــــ |
| 14 | دفتر اول شعر نوجوانان | سطح 1 آموزش مداحی نوجوانان |
| 15 | تاملی در اصول و فنون مداحی و نوحه خوانی | سلسله مباحث اصول و فنون مداحی |
| 16 | روش اجرای اقسام مجالس مداحی | سلسله مباحث اصول و فنون مداحی |

**سلسله کتب آموزش مداحی جلد اول ـ دوره عمومی**

این کتاب شامل سه بخش عملی و تئوری می باشد.

مواد درسی بخش اول ـ دروس مهارتی ـ عبارت است از:

1. آموزش زمزمه بر مبنای دستگاه های آوار سنتی.
2. آموزش روش انتخاب شعر و سبک گذاری بر مبنای دستگاه های آواز سنتی.
3. آموزش رو خوانی و روانخوانی دعای توسل و زیارت عاشورا.
4. آموزش اصول و فنون نوحه خوانی.
5. اصول و فنون مداحی ( خلاصه دروس ارائه شده در جلسات مجمع یاس کبود).

و اما مواد درسی بخش دوم ـ تربیت و معرفت دینی ـ عبارت است از:

1. احکام عمومی.(خلاصة رسالة امام خمینی رَحِمَهُ الله)
2. احکام تخصصی(هیأت).(استخراج از رسالة مراجع عظام)
3. آشنایی با اسامی، عبارات، ترکیبات و اصطلاحات عاشورایی.(خلاصه فرهنگ عاشورا تألیف استاد جواد محدثی)

و مواد درسی بخش سوم ـ بصیرت مداحی ـ عبارت است از:

1. بازخوانی نقش محرم در انقلاب اسلامی
2. کارکردهای هیآت مذهبی
3. هیآت و وظایف مهم آن
4. عبرتهای نهضت حسینی
5. هیآت و آسیبها
6. تفرقه افکنی میان شیعه و سنی

**سلسله کتب آموزش مداحی جلد دوم ـ دوره متوسطه**

این کتاب شامل سه بخش مهارتی، معرفتی و بصیرتی می باشد.

مواد درسی بخش اول ـ دروس مهارتی ـ عبارت است از:

* 1. دستگاه های آوار.
  2. آموزش آموزش روش انتخاب شعر و کاربردی کردن اموخته هتای سبکی در دستگاه های آواز.
  3. آموزش ادعیه و زیارات ؛ شامل دعای کمیل و دعای ندبه.
  4. آموزش سبکهای مجلسی سنتی.
  5. آموزش روش تهیه مجلس دهه ی محرم شبهای اول تا پنجم.

و اما مواد درسی بخش دوم ـ معرفت دینی ـ عبارت است از:

* + 1. قصص انبیاء.
    2. مقتل امام حسین(علیه السلام).
    3. تاریخ شهادت معصومین(علیهما السلام).
    4. آیین روضه خوانی.
    5. ادبیات فارسی.

و مواد درسی بخش سوم ـ بصیرت مداحی ـ عبارت است از:

* + - 1. اهداف نهضت عاشورا.
      2. عزاداری، سنت یا بدعت.
      3. نهضت حسینی و رسالت مبلغان دینی.
      4. عاشورا و جریان شناسی نفاق.

**سلسله کتب آموزش مداحی جلد سوم ـ دوره تکمیلی**

این کتاب شامل سه بخش عملی، تئوری و بصیرتی می باشد.

مواد درسی بخش اول ـ دروس عملی ـ عبارت است از:

1. آموزش مولودی خوانی شامل آموزش شعرخوانی و سرودخوانی.

2. آموزش انتخاب شعر مولودی خوانی و کاربردی کردن آموخته های سبکی در فصل قبل.

3. آموزش تهیه مجلس دهه محرم؛ شبهای ششم تا یازدهم، مصائب کوفه و شام و اربعین.

4. آموزش تهیه مجالس معصومین.(علیهم السلام)

5. آموزش دستگاههای آواز.

و اما مواد درسی بخش دوم ـ تئوری ـ عبارت است از:

* + - 1. اخلاق.
      2. آداب دعا و مناجات.
      3. تاریخ اجتماعی سیاسی ائمه.
      4. اصول عقاید.
      5. ادبیات عربی.

و مواد درسی بخش سوم ـ بصیرت مداحی ـ عبارت است از:

عاشورا و رسالت نخبگان.

حادثه عاشورا و نقش مثبت و منفی خواص.

امام حسین(علیه السلام) پیشوای اصلاح طلبی اصول گرایانه.

حماسه ی عاشورا و معیارهای عزت و ذلت ملتها.

**جهت تهیه محصولات با شماره 35947738 تماس حاصل فرمایید.**

1. . بحار الانوار، مجلسی، ج39 ، ص313. [↑](#footnote-ref-1)
2. . اسد الغابة، ابن اثیر،ج2، ص9 ؛ تاريخ خلفا،رسول جعفریان، ص188. [↑](#footnote-ref-2)
3. . علي (عليه السلام) روايت کرده که پيامبر ( صلي الله عليه و آله) فرمود: «براي هرکس نوزادي به دنيا آيد، در گوش راستش اذان بگويد و در گوش چپش اقامه بخواند؛ زيرا آن برايش عصمتي است از شيطان رجيم». و مرا در مورد حسن و حسين به اين کار امر فرمود و اينکه با اذان و اقامه، فاتحة الکتاب، آية الکرسي، آخر سوره حشر، سوره اخلاص و معوذتين را بخواند. دعائم الاسلام، قاضی نعمان مغربی، ج1، ص148. [↑](#footnote-ref-3)
4. . مسند امام زيد، زید بن علی،ص 468. [↑](#footnote-ref-4)
5. . مسند امام زيد، زید بن علی،ص 468. [↑](#footnote-ref-5)
6. . مقاتل الطالبین،ابن هیثم، ص۸۴. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سَلامُ اللَّهِ وَ سَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَ جَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ [وَ] الزَّاكِيَاتُ الطَّيِّبَاتُ فِيمَا تَغْتَدِي وَ تَرُوحُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ [↑](#footnote-ref-7)
8. . أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّصْدِيقِ وَ الْوَفَاءِ وَ النَّصِيحَةِ لِخَلَفِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ [↑](#footnote-ref-8)
9. . لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ وَ اسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ. ترجمه (العباس) ،علّامه مقّرم، صفحه 231 . [↑](#footnote-ref-9)
10. . فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَ أَكْثَرَ الْجَزَاءِ وَ أَوْفَرَ الْجَزَاءِ وَ أَوْفَى جَزَاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى بِبَيْعَتِهِ وَ اسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَ أَطَاعَ وُلاةَ أَمْرِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالَغْتَ فِي النَّصِيحَةِ وَ أَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ فَبَعَثَكَ اللَّهُ فِي الشُّهَدَاءِ وَ جَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعَدَاءِ وَ أَعْطَاكَ مِنْ جِنَانِهِ أَفْسَحَهَا مَنْزِلا وَ أَفْضَلَهَا غُرَفا وَ رَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عِلِّيِّينَ. کامل الزّیارت، ابن قولویه، صفحه 257. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سرالسلسلة العلویه،بخاری، صفحه 89. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سیراعلام النبلاء، ذهبی، ج ۴، ص ۳۹۳. [↑](#footnote-ref-12)
13. . همان. [↑](#footnote-ref-13)
14. . طبقات، محمدبن سعد، ج ۵،ص ۱۶۰؛زندگانی علی بن الحسین(ع)،شهیدی، ص ۱۴۸. [↑](#footnote-ref-14)
15. . کشف الغمه، على بن عیسى اربلى، ج ۲، ص ۷۸؛ صفة الصفوة، ابن جوزی،ج ۲،ص ۵۴؛ ، زندگانی علی بن الحسین(ع)، شهیدی، ص ۱۴۸. [↑](#footnote-ref-15)
16. . کشف الغمه، على بن عیسى اربلى، ج۲، ص۱۰۷؛ حلیة الاولیاء، ابونعیم اصفهانی، ج ۳ ص ۱۴۰؛ زندگانی علی بن الحسین(ع)، شهیدی، ص ۱۴۸. [↑](#footnote-ref-16)
17. . همان کتاب، ص ۱۳۶؛ طبری،محمد بن جریر طبری، بخش ۳،ص۲۴۸۲ ؛طبقات،محمد بن سعد، ج ۵،ص ۱۶۲؛ زندگانی علی بن الحسین(ع)،شهیدی، ص ۱۴۸. [↑](#footnote-ref-17)
18. . کشف الغمه، على بن عیسى اربلى ،ج ۲ ،ص ۷۷؛ مناقب،ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۵۴؛ حلیة الاولیاء،ابونعیم اصفهانی، ج ۳، ص ۱۳۶؛ بحارالانوار،علامه مجلسی، ص ۱۳۷؛ زندگانی علی بن الحسین(ع)، شهیدی، ص ۱۴۸. [↑](#footnote-ref-18)
19. . مستدرك سفینه البحار، علی نمازی، ج 5، ص 388. [↑](#footnote-ref-19)
20. . أعلام النّساء المؤمنات، محمد حسون و امّ علی مشكور، ص 126؛ مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، ص 52. [↑](#footnote-ref-20)
21. . فرسان الهیجاء،ذبیح الله محلاتی، ص 293 و 294. [↑](#footnote-ref-21)
22. . ،مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، ص 86. [↑](#footnote-ref-22)
23. . ترجمة الحسین، ابن عساکر، ص 227. [↑](#footnote-ref-23)
24. . مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، ص 86؛ ، وقعة الطف، ابی مخنف ،ص276. [↑](#footnote-ref-24)
25. . منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ج2،ص867. [↑](#footnote-ref-25)
26. . وقعة الطف، ابی مخنف، ص276 ؛ تاریخ الامم و الملوک، طبری، ج 3، ص 309. [↑](#footnote-ref-26)
27. . کمال الدین، محمد بن علی ابن بابویه: 417 - 423؛ بحارالانوار، علامه مجلسی،ج 51، 2512؛ اثبات الوصیه، مسعودی، 272. [↑](#footnote-ref-27)
28. . اثبات الوصیه، مسعودی، 268 - 270. [↑](#footnote-ref-28)
29. . الصف، آیه8. [↑](#footnote-ref-29)
30. . ینابیع الموده، قندوزی ، 455. [↑](#footnote-ref-30)
31. . الغیبه، نعمانی، 237. [↑](#footnote-ref-31)
32. . همان: 231، 232، 239. [↑](#footnote-ref-32)
33. . کتاب الغیبة, نعمانی،230, 251;کمال الدین، محمد بن علی ابن بابویه /434. [↑](#footnote-ref-33)
34. . سفینة البحار, شیخ عباس قمی, ج2/703. [↑](#footnote-ref-34)
35. **. غلامرضا سازگار** [↑](#footnote-ref-35)
36. . با حذف یک بیت [↑](#footnote-ref-36)
37. . **غلامرضا سازگار** [↑](#footnote-ref-37)
38. . با حذف یک بیت [↑](#footnote-ref-38)
39. . **غلامرضا سازگار** [↑](#footnote-ref-39)
40. . با حذف یک بیت [↑](#footnote-ref-40)
41. **. غلامرضا سازگار** [↑](#footnote-ref-41)
42. **. غلامرضا سازگار** [↑](#footnote-ref-42)
43. . با حذف یک بیت [↑](#footnote-ref-43)
44. . **غلامرضا سازگار** [↑](#footnote-ref-44)
45. . **غلامرضا سازگار** [↑](#footnote-ref-45)
46. . **غلامرضا سازگار** [↑](#footnote-ref-46)
47. . [سید هاشم وفایی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9480) [↑](#footnote-ref-47)
48. . [محمود ژولیده](http://hosenih.mihanblog.com/post/9464) [↑](#footnote-ref-48)
49. . [ابوسعید ابوالخیر](http://hosenih.mihanblog.com/post/9457)  [↑](#footnote-ref-49)
50. . با حذف هشت بیت [↑](#footnote-ref-50)
51. . [جواد غفاریان](http://hosenih.mihanblog.com/post/9458) [↑](#footnote-ref-51)
52. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/9452) [↑](#footnote-ref-52)
53. . [ولی الله کلامی زنجانی](http://hosenih.mihanblog.com/post/10275) [↑](#footnote-ref-53)
54. . با حذف دو بیت [↑](#footnote-ref-54)
55. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/9478) [↑](#footnote-ref-55)
56. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/9478) [↑](#footnote-ref-56)
57. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/9467) [↑](#footnote-ref-57)
58. . با حذف یک بیت و یک بند [↑](#footnote-ref-58)
59. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/9467) [↑](#footnote-ref-59)
60. . با حذف چهار بیت [↑](#footnote-ref-60)
61. . نکته: این نمونه ابیات، نه جلوه مدح دارد و نه محتوای روشنگرانه ای. به عکس، شبهه برانگیز نیز می باشد اما به جهت رعایت قالب شعر، مجبور به ذکر ابیات شدیم. [↑](#footnote-ref-61)
62. . نکته: کاربرد «لافتی» مفهوم کاملی ندارد. ضمناً «دومین امیر» صحیح است نه «امیر دومین» به جهت رعایت قالب شعر، مجبور به ذکر این بیت شدیم. [↑](#footnote-ref-62)
63. . جواد حیدری [↑](#footnote-ref-63)
64. . با حذف یک بیت [↑](#footnote-ref-64)
65. . مصراع، ایراد وزنی دارد و «ع» از وزن خارج است. [↑](#footnote-ref-65)
66. . اسماعیل شبرنگ [↑](#footnote-ref-66)
67. . با حذف سه بیت [↑](#footnote-ref-67)
68. .[محسن عرب خالقی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9488) [↑](#footnote-ref-68)
69. . با حذف یک بیت [↑](#footnote-ref-69)
70. .[عباس احمدی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9506) [↑](#footnote-ref-70)
71. .[سید هاشم وفایی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9505) [↑](#footnote-ref-71)
72. . کاربرد«عیدی» یا «عیدانه» درست است اما ترکیب «عیدیانه» به جهت کاربرد دو پسوند«ی» و «انه» حشو(زاید) ونادرست است. [↑](#footnote-ref-72)
73. .[ولی الله کلامی زنجانی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9490) [↑](#footnote-ref-73)
74. . با حذف دو بند و سه بیت [↑](#footnote-ref-74)
75. . بیت ایراد دارد چون بین صبح زود تا سحر فاصله زمانی وجود ندارد! [↑](#footnote-ref-75)
76. **. علی اکبر لطیفیان** [↑](#footnote-ref-76)
77. . [محمد مهدی رافع](http://hosenih.mihanblog.com/post/9521)  [↑](#footnote-ref-77)
78. . با حذف یک بیت [↑](#footnote-ref-78)
79. . [جواد پرچمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9516) [↑](#footnote-ref-79)
80. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/9513) [↑](#footnote-ref-80)
81. . با حذف یک بند و پنج بیت [↑](#footnote-ref-81)
82. . مهدی نظری [↑](#footnote-ref-82)
83. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/9538)  [↑](#footnote-ref-83)
84. . [سید](http://hosenih.mihanblog.com/post/9535) هاشم وفایی [↑](#footnote-ref-84)
85. . [ناصر شهریاری](http://hosenih.mihanblog.com/post/9535) [↑](#footnote-ref-85)
86. . با حذف یک بیت [↑](#footnote-ref-86)
87. . بیت ایراد ضعف تألیف دارد. کاربرد حرف اضافه«از» نابجاست. [↑](#footnote-ref-87)
88. . [جواد پرچمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9533) [↑](#footnote-ref-88)
89. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/9532) [↑](#footnote-ref-89)
90. . با حذف پنج بیت [↑](#footnote-ref-90)
91. . کاربرد دو ضمیر نادرست است. «مرا پاک نمایی» یا« پاکم نمایی» [↑](#footnote-ref-91)
92. . [سید محمد میرهاشمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9527) [↑](#footnote-ref-92)
93. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-93)
94. . ایراد وزنی دارد؛ «ع» از وزن خارج است. [↑](#footnote-ref-94)
95. . بیت، نه جنبه مدح دارد و نه حاوی تعبیر روشنگرانه­ای است. [↑](#footnote-ref-95)
96. . حسن لطفی [↑](#footnote-ref-96)
97. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-97)
98. . غلامرضا سازگار [↑](#footnote-ref-98)
99. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-99)
100. . السلام علی من الاجابه تحت قبته، السلام علی شفاعه فی تربته، السلام علی من الائمة من ذریته... این سه تا سلام مخصوص ابا عبدالله است، به هیچ کس دیگه نمی شود اطلاق کرد، این سه ویژگی را خدا فقط به حسین علیه السلام داده ... [↑](#footnote-ref-100)
101. . بانوای: حاج مهدی سلحشور [↑](#footnote-ref-101)
102. . مصراع ایراد وزنی دارد؛ ضمناً این مصراع، «تضمین» بیت شیخ اجلّ، سعدی است که به دور از اصل امانت­داری و با تصرفی ناشیانه در آن، به این شکل در آمده است! شکل درست مصراع، چنین است: از هرچه می­رود سخن دوست خوش­تر است. [↑](#footnote-ref-102)
103. . غلامرضا سازگار [↑](#footnote-ref-103)
104. .بانوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-104)
105. . بانوای: کربلایی احد قدمی [↑](#footnote-ref-105)
106. . بانوای: کربلایی حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-106)
107. . بانوای: کربلایی حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-107)
108. . با حذف یک بند [↑](#footnote-ref-108)
109. . بانوای: حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-109)
110. . بانوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-110)
111. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-111)
112. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-112)
113. . با حذف یک بند [↑](#footnote-ref-113)
114. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-114)
115. . با نوای : حاج مهدی سلحشور [↑](#footnote-ref-115)
116. . با حذف یک بند [↑](#footnote-ref-116)
117. . مصراع، ایراد وزنی دارد و «ع» از وزن خارج است. [↑](#footnote-ref-117)
118. . مصراع، ایراد وزنی دارد و «ع» از وزن خارج است. [↑](#footnote-ref-118)
119. . تعبیر جذاب و قابل دفاعی نیست. [↑](#footnote-ref-119)
120. . شاعر : علی اکبر لطیفیان [↑](#footnote-ref-120)
121. . با نوای : حاج احمد نیکبختیان [↑](#footnote-ref-121)
122. . با نوای : حاج سید محمد جوادی [↑](#footnote-ref-122)
123. . مصراع، ایراد وزنی دارد و «ع» از وزن خارج است. [↑](#footnote-ref-123)
124. . مصراع، ایراد وزنی دارد و باید «بود» را به شکل « بُد» خواند تا وزن شعردرست گردد. [↑](#footnote-ref-124)
125. . شاعر : مجید تال [↑](#footnote-ref-125)
126. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-126)
127. . با نوای : حاج احمد نیکبختیان [↑](#footnote-ref-127)
128. . با نوای : کربلایی سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-128)
129. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-129)
130. . با نوای کربلایی حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-130)
131. . با حذف دو بند [↑](#footnote-ref-131)
132. . با نوای حاج احمد نیکبختیان [↑](#footnote-ref-132)
133. . با حذف یک بند [↑](#footnote-ref-133)
134. . با نوای حاج رضا پوراحمد [↑](#footnote-ref-134)
135. . با نوای کربلایی حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-135)
136. . با نوای : حاج حسن خلج [↑](#footnote-ref-136)
137. . با حذف یک بیت [↑](#footnote-ref-137)
138. . شاعر: سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-138)
139. .با نوای : حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-139)
140. . با حذف سه بیت [↑](#footnote-ref-140)
141. .با نوای : حاج احمد واعظی [↑](#footnote-ref-141)
142. با نوای : حاج حسن خلج [↑](#footnote-ref-142)
143. . با نوای : حاج احمد واعظی [↑](#footnote-ref-143)
144. . با نوای : کربلایی سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-144)
145. . با نوای: حاج احمد واعظی [↑](#footnote-ref-145)
146. . با حذف یک بیت [↑](#footnote-ref-146)
147. . با نوای: حاج احمد نیکبختیان [↑](#footnote-ref-147)
148. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-148)
149. . قاسم صرافان [↑](#footnote-ref-149)
150. . با نوای حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-150)
151. . با حذف سه بیت [↑](#footnote-ref-151)
152. . با نوای حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-152)
153. . با حذف دو بند و دو بیت [↑](#footnote-ref-153)
154. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-154)
155. . با نوای : کربلایی سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-155)
156. . با نوای : حاج احمد واعظی [↑](#footnote-ref-156)
157. . با نوای: حاج احمد واعظی [↑](#footnote-ref-157)
158. . با نوای: حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-158)
159. . نباید مضامینی چون «مستی با پیمانه» را در شعر به صورتی آورد که مفهوم دنیایی آن به ذهن متبادر شود. [↑](#footnote-ref-159)
160. . بین رکاب و ذوالفقار چه نسبتی وجود دارد؟ [↑](#footnote-ref-160)
161. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-161)
162. . یکی از بهترین نمونه سرودهای قابل دفاع و دلنشین است که مفهوم انتظار در آن بخوبی با زبانی و شاعرانه بیان شده است. [↑](#footnote-ref-162)
163. . با نوای حاج حسین سازور [↑](#footnote-ref-163)
164. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-164)
165. . با نوای : حاج احد قدمی [↑](#footnote-ref-165)
166. . با نوای : حاج عبدالرضا هلالی [↑](#footnote-ref-166)
167. . با نوای حاج سیدمجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-167)
168. . با نوای: کربلایی حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-168)
169. . با نوای : حاج مهدی سلحشور [↑](#footnote-ref-169)
170. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-170)
171. . با حذف یک بند [↑](#footnote-ref-171)
172. . این مضمون خلاف روایات است. [↑](#footnote-ref-172)
173. . سید مجید هاشمی(بابل) [↑](#footnote-ref-173)
174. . منصور عرب [↑](#footnote-ref-174)
175. . حسین خدایاری [↑](#footnote-ref-175)
176. . با حذف یک بیت [↑](#footnote-ref-176)
177. . **علی جباری** [↑](#footnote-ref-177)
178. . نباید در شعر ولایی از واژه­های باده و مستی با مفاهیم دنیایی آن بهره برد. [↑](#footnote-ref-178)
179. . پاورقی: تعبیر ناشایست و بسیار سخیفی است. [↑](#footnote-ref-179)
180. . تعبیر مبهم است [↑](#footnote-ref-180)
181. . محمد جواد صالحی پناه [↑](#footnote-ref-181)
182. . میثم میرزایی [↑](#footnote-ref-182)
183. . با حذف یک بند [↑](#footnote-ref-183)
184. . حسین خدایاری [↑](#footnote-ref-184)
185. . سید مجید هاشمی ( بابل ) [↑](#footnote-ref-185)
186. . کاربرد واژه های مطرب، دف و نی در اشعار آئینی، ناشایست و غیرقابل دفاع است؛ چون نمی­توان برای آن توجیه محتوایی و عرفانی یافت. [↑](#footnote-ref-186)
187. . تعبیر ناشایست و بسیار سخیفی است. [↑](#footnote-ref-187)
188. . حسین خدایاری [↑](#footnote-ref-188)
189. . محمد جواد حیدری [↑](#footnote-ref-189)
190. بیان سخیف و کژ تابانه­ای است. [↑](#footnote-ref-190)
191. . بیان مبهم و متکلفانه­ای­ست! [↑](#footnote-ref-191)
192. . بیان سخیف و مبهمی­ست! [↑](#footnote-ref-192)
193. . منصور عرب [↑](#footnote-ref-193)
194. . بیان سخیف و ناشایستی است! [↑](#footnote-ref-194)
195. . بیان سخیف و ناشایستی است! [↑](#footnote-ref-195)
196. . بیان سخیف و ناشایستی است! [↑](#footnote-ref-196)
197. . میثم میرزایی [↑](#footnote-ref-197)
198. . میثم میرزایی [↑](#footnote-ref-198)
199. . اسماعیل شبرنگ [↑](#footnote-ref-199)
200. . این واژه به خلاف باور همگان، مفهوم قابل دفاعی ندارد. [↑](#footnote-ref-200)